

# همیشه بهار

اخلاق و سبک زندگی اسلامی



طرح ضیافت اندیشه: **همیشه بهار** (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)

تنظیم و نظارت: ..... نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها

معاونت مطالعات راهبردی

تدوین و تألیف: ..... احمد حسین شریفی و همکاران

تایپ و صفحه آرایی ..... طالب بخشایش

ناشر: ..... دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: ..... اول، تابستان ۱۳۹۱

«همه حقوق برای ناشر محفوظ است»

مراکز پخش:

مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خ شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۳، تلفن و نمابر: ۷۷۴۰۰۰۴

فروشگاه شماره ۱ (پاتوق کتاب): قم، خ شهداء، روبه‌روی دفتر مقام معظم رهبری، تلفن ۷۷۳۵۴۵۱

فروشگاه شماره ۲ (پاتوق کتاب): تهران، خ انقلاب، چهار راه کالج، جنب بانک ملت، پ ۷۱۵، تلفن ۸۸۹۱۱۲۱۲

نشانی اینترنت: [www.Ketabroom.ir](http://www.Ketabroom.ir) - [www.porsemani.ir](http://www.porsemani.ir)

پست الکترونیک: [info@Ketabroom.ir](mailto:info@Ketabroom.ir) - [info@porseman.org](mailto:info@porseman.org)

## فهرست مطالب

..... مقدمه

..... پیشگفتار

..... فصل اول: سبک زندگی اسلامی در اوقات فراغت

..... فصل دوم: سبک زندگی اسلامی در شادی و نشاط

..... فصل سوم: سبک زندگی اسلامی در روابط دختر و پسر

..... فصل چهارم: سبک زندگی اسلامی در مهار غریزه جنسی

..... فصل پنجم: سبک زندگی اسلامی در ارتباط با دیگران

..... فصل ششم: سبک زندگی اسلامی در روابط خانوادگی

..... فهرست منابع

«طرح ضیافت اندیشه» در ماه مبارک رمضان، فرصتی نورانی برای رشد و بالندگی شما عزیزان دانشجو فراهم آورده است، با شرکت در برنامه‌های آموزشی و معنوی آن، نقطه عطفی برای خود رقم زده و زاد و توشه‌ای برای مسیر زندگی برچینید.

لازم به ذکر است که جزوه‌های آموزشی این طرح توسط گروه‌های علمی و اندیشمندان حوزه و دانشگاه نگاشته شده است و سعی شده است که مطالب مفید و مهمی در حوزه دین برای شما عزیزان تدوین گردد.

آنچه پیش رو دارید حاصل هم‌فکری و بهره‌مندی از آثار قلمی اساتید متعددی در گروه های ذیل می باشد:

✓ گروه قرآن و متون اسلامی با مدیریت استاد فتح الله نجارزادگان و همفکری اساتید محترم: نقی پور، نصیری و رضایی اصفهانی؛

✓ گروه اخلاق و سبک زندگی با مدیریت استاد احمدحسین شریفی و همفکری و همکاری اساتید محترم: عالمزاده نوری، فصیحی و حسین خانی؛

✓ گروه انقلاب اسلامی با مدیریت استاد محمدجواد نوروزی و همفکری و همکاری اساتید محترم: محمدجواد ارسطا، داود رنجبران و علیرضا محمدی؛

ضمن تشکر و قدردانی از همه بزرگواران دوام توفیقات این عزیزان را جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه به خصوص دانشجویان از خداوند متعال مسئلت داریم.

بر آنیم انشاءالله طرح‌هایی از این دست، با همراهی شما عزیزان تداوم یابد و کاستی‌های آن با پیشنهادها،

## مقدمه

ماه مبارک رمضان، ماه خدا و ماه همه کسانی است که رنگ خدایی شدن را در سر می‌پروراند، ماه میهمانی دوست، ماه نزول زبور و تورات و انجیل، ماه نزول معجزه جاوید، قرآن کریم.

در این ماه بر سر سفره‌ای می‌نشینیم که سراسر نور و غفران و لطف خداوند است، در این ماه نفس کشیدن، تسبیح الهی و دعا مستجاب است.

ماه افطار و سحر، ماه احیا و شب‌های قدر، ماه زیباترین و ماندگارترین خاطره‌های دانشجویان در مسجد و خوابگاه است. ولی وقتی به یاد می‌آوریم این ماه عزیز تا چندین سال دیگر در تابستان و تعطیلی کلاس‌هاست، دل‌هایمان پر از اندوه می‌شود. این حسرت و اندوه وقتی دوچندان می‌شود که در اعمال شب قدر می‌خوانیم بهترین اعمال در شب قدر کسب علم است، با مدرسه و دانشگاه تعطیل و دور شدن از فرهیختگان و اساتید و محیط علمی به راستی چگونه این بهترین اعمال را انجام دهیم؟!

این‌ها بخشی از دغدغه‌های مسئولان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری بود تا طرحی نو به نام «ضیافت اندیشه» دانشگاهیان برگزار شود.

در این طرح علاوه بر زنده شدن و استمرار همه آن خاطره‌های شیرین، بهتر از سال‌های گذشته فرصت خواهیم کرد که با معارف بلند دین آشنا تر شویم و از محضر اساتید فرهیخته بهره گیریم.

البته مسائل آموزشی فقط بخشی از برنامه‌های این طرح خواهد بود و استفاده از برنامه‌های متنوع معنوی و مهارتی، از مهمترین انگیزه‌های اجرای این طرح است.

## پیشگفتار

بحث از سبک زندگی و آداب اسلامی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، از مباحث بسیار ضروری جامعه کنونی ما است. ارکان اصلی شکل‌دهی به هویت اجتماعی یک جامعه عبارتند از: باورها (= جهان‌بینی)، ارزش‌ها (= ایدئولوژی) و سبک زندگی (= نظام ترجیحات رفتاری). تمایزات و تفاوت‌های جوامع مختلف نیز به همین سه مؤلفه عمده بازگشت می‌کند. لایه رویین و آشکار هویت یک جامعه، سبک زندگی آن است. هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند ثمره و محصول جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل یافته باشد. جامعه کنونی ما متأسفانه نتوانسته است میان باورهای بنیادین و ارزش‌های اصیل اسلامی از یک طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های مختلف اجتماعی، ارتباطی معنادار و وثیق ایجاد کند! سبک زندگی ما در بسیاری از موارد متأثر از آداب و رسوم غیر اسلامی و به یک معنی ضد اسلامی است. علل این گسست و شکاف میان ارزش‌ها و سبک زندگی در جای خود قابل بررسی است؛ اما به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل آن عامل شناختی است. یعنی بسیاری از افراد جامعه چون آگاهی لازم از آداب و سبک زندگی اسلامی ندارند، به همین دلیل در شیوه رفتاری و سبک سلوکی خود آنها را به کار نمی‌گیرند.

غفلت از مسأله سبک زندگی می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره جامعه وارد کند. وقتی مردم نتوانند میان شیوه زندگی خود و باورها و ارزش‌هایشان ارتباط برقرار نمایند، بعد از مدتی ممکن است دست از باورها و ارزش‌های خود نیز بشویند و آنان را ناکارآمد تلقی کنند! و برای اینکه توجهی برای سبک زندگی غیر اسلامی خود داشته باشند، باورها و ارزش‌های اسلامی را زیر سؤال ببرند و مثلاً آنها را ناظر به گذشته و مربوط به جوامع غیر پیشرفته بپندارند! و بدین ترتیب از اساس دست از اسلام و باورهای خود

بشویند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُا السُّوَاىَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛<sup>۱</sup> سپس، سرانجام کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به جایی رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و پیوسته آن را مسخره می‌نمودند.» گناه به یک معنا ملازم با انحراف در سبک زندگی است: انحراف در نوع خوراک، نوشیدنی، پوشاک، موسیقی، معماری، آرایش، دکوراسیون و امثال آن. قرآن می‌فرماید گناه به صورت تدریجی و آرام آرام موجب تکذیب آیات الهی و تمسخر آنها خواهد شد!

### سخنی درباره کتاب حاضر

خدای بزرگ را سپاسگزارم که توفیق ویژه‌اش را نصیب این بنده کرد تا به رغم بضاعت ناچیز، با همکاری مخلصانه برخی از دوستان گرانمایه‌ام، کتاب آداب و سبک زندگی اسلامی را به یکی از بهترین و عزیزترین اقشار این جامعه، یعنی دانشجویان، تقدیم کنم. امیدوارم لطف الهی بر این قلم افزون شده و ضعف‌ها و کمبودهای معنوی و عملی او را در تأثیرگذاری این کتاب دخالت ندهد. کتاب حاضر کوشیده است آداب و سبک زندگی اسلامی در برخی از مهم‌ترین ابعاد زندگی اجتماعی را با استناد به آیات و روایات تبیین نماید. بدین منظور بعد از طرح برخی از مباحث مفهوم‌شناسی و مبانی اعتقادی، به توضیح سبک زندگی اسلامی در حوزه‌های «اوقات فراغت»، «شادی و نشاط»، «روابط دختر و پسر»، «مهار غریزه جنسی»، «علم‌آموزی»، «ارتباط با دیگران»، «روابط خانوادگی» و «کسب و کار» پرداخته است.

در بخش‌هایی از این کتاب از همکاری مخلصانه برخی از دوستان گرانمایه‌ام استفاده برده‌ام. بن‌مایه اصلی فصل اول با عنوان «معناشناسی آداب و سبک زندگی» و همچنین

۱. سوره روم، آیه ۱۰.

قسمت‌هایی از فصل دوم با عنوان «مباحث بنیادین» محصول قلم جناب حجة الاسلام و المسلمین محمد عالم‌زاده نوری است. فصل‌های پنجم و ششم با عنوان «سبک زندگی اسلامی در روابط دختر و پسر» و «سبک زندگی اسلامی در مهارت‌گریز جنسی» نیز محصول قلم جناب حجة الاسلام و المسلمین هادی حسین‌خانی، معاونت محترم تهذیب و اخلاق حوزه علمی قم، است. جناب حجة الاسلام مهدی فصیحی نیز نقشی بارز در شکل‌گیری فصل «سبک زندگی اسلامی در علم‌آموزی» داشته‌اند.

همچنین بر خود لازم می‌دانم از همه عزیزانی که در به انجام رسیدن این اثر دخالت داشتند صمیمانه سپاسگزاری کنم. به ویژه از اساتید ارجمند حجج اسلام آقایان دکتر رنجبران، قنادی، مستشاری و واعظی که با تشویق‌ها و پیگیری‌های متواضعانه و دلسوزانه خود و همچنین با تذکر نکات علمی لازم بنده را در انجام این کار مصمم‌تر کردند. همچنین از برادر عزیزم جناب محمد شریفی که علیرغم مشغله فراوان، زحمت ویرایش این متن را بر عهده گرفتند و چند شبانه‌روز خود را به ویرایش این اثر اختصاص دادند صمیمانه تشکر کنم. ایشان افزون بر ویرایش متن، برخی نکات علمی را نیز گوشزد کردند که در جهت بهبود نوشتار مفید بود.

امیدوارم خوانندگان گرامی و اساتید ارجمند، ما را از راهنمایی‌های خود محروم نکنند و تذکرات آنان بتواند در ویراست‌های بعدی بر غنای این اثر بیافزاید.

احمدحسین شریفی - ۲۷ رجب سال ۱۴۳۳

سالروز مبعث پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

برابر با ۲۹ خرداد ۱۳۹۱

«اوقات فراغت» نیز به معنای زمان‌ها و فرصت‌هایی است که فرد در استراحت و آسایش از کار رسمی و شغل اصلی خود به سر می‌برد.<sup>۲</sup>

بعضی، اوقات فراغت را به گونه‌ای معنا کرده‌اند که به معنای اوقات و زمان‌های آزادی تمام عیار انسان از همه قیود و محدودیت‌های قانونی و اخلاقی است. اوقاتی که انسان باید فقط به دنبال امور دلخواه و لذت‌های مورد علاقه خود برود و بگردد. از نظر اینان اوقات فراغت یعنی اوقات بی‌مسئولیتی، آزادی محض و اوقات رهایی از وظایف اجتماعی!

چنین نگاهی از اساس با اندیشه اسلامی و نوع نگاه اسلام به انسان متفاوت است. اوقات فراغت از نظر اسلام هرگز به معنای «اوقات بی‌مسئولیتی» یا «اوقات بیکاری» نیست. زیرا در هر جایی و تا زمانی که انسان عقل و اختیار و آگاهی و قدرت داشته باشد، مسئولیت نیز دارد. بنابراین هرگز نمی‌توان اوقات فراغت را اوقات بی‌مسئولیتی و آزادی محض و رهایی از وظایف و تکالیف دانست. اوقات فراغت به معنای اوقات بیکاری هم نیست. زیرا بیکاری یعنی اینکه فرد هیچ کاری برای انجام دادن نداشته باشد. اما در اوقات فراغت کارهای زیادی برای انجام دادن هست. و کسی که اوقات فراغت خود را اوقات بیکاری تلقی کند، از نظر اسلام کاری ناپسند انجام داده است. در بعضی روایات فراغت به معنای بیکاری به شدت نکوهش شده و شخص فارغ به عنوان کسی که مورد غضب خداوند است معرفی شده است:

إِنَّ اللَّهَ جَلٌّ وَعَزٌّ يُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ الْفَارِغَ؛<sup>۳</sup>

به درستی که خدای عز و جل بنده پر خواب بیکار را دشمن می‌دارد.

همچنین اوقات فراغت با «تفریح و سرگرمی» نیز متفاوت است. تفریح و سرگرمی در حقیقت یکی از راه‌های گذران اوقات فراغت است. به تعبیر دیگر، محصول اوقات فراغت است. بنابراین با اوقات فراغت متفاوت است.

## فصل اول

### سبک زندگی اسلامی در اوقات فراغت

مسئله «اوقات فراغت» به شکل امروزی آن یک پدیده جدید بوده و محصول دوران شهرنشینی و عصر صنعتی و روزگار مدرنیته است. انسان‌ها برای گذران زندگی روزمره خود مجبورند دائماً در فعالیت باشند و ساعت‌های متمادی از زندگی خود را صرف کار و تلاش در محیط‌های بسته و محدود کنند. این مسئله، در کنار شهرنشینی و مشکلات روحی و روانی و آسیب‌های جسمی این نوع زندگی در مقایسه با زندگی روستایی و عشایری، موجب شد عده‌ای در اندیشه طرح اوقات فراغت و مدیریت چنین اوقاتی برای استفاده بیشتر از نیروی کار افراد برآمدند. اهمیت اوقات فراغت برای انسان امروزی تا آنجا است که رشته‌های علمی جدیدی برای تحلیل و بررسی و مدیریت ابعاد مختلف این مسئله شکل گرفته است. «جامعه‌شناسی اوقات فراغت»، «روانشناسی فراغت» و امثال آن را می‌توان از این سنخ دانست.

### منظور از اوقات فراغت

«فراغت» لغتی است عربی که از ریشه «فَرَعَّ» گرفته شده است. معانی مختلف و البته قریب الافقی دارد: «جدایی از چیزی یا کاری»،<sup>۱</sup> «وسعت»، «پایان یافتن کاری»، «دست کشیدن از کار» و «فرصتی که پس از پایان یک کار در اختیار انسان قرار می‌گیرد» از مهم‌ترین معانی فراغت است.

۱. فراغت در این شعر سعدی به همین معنا به کار رفته است: «سلسله موی دوست حلقه دام بلا است / هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجرا است»

۲. رک: فرهنگ عمید، فرهنگ معین، لغت‌نامه دهخدا.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۸۴.

## ویژگی‌های اوقات فراغت

تا اینجا ابعاد سلبی اوقات فراغت گفته شد. یعنی معلوم شد که اوقات فراغت چه چیزهایی نیست. در اینجا برای فهم بهتر اوقات فراغت بارزترین ویژگی‌های آن را بیان می‌کنیم:

۱. فراغت از کار رسمی و روزانه: یکی از شاخصه‌های اوقات فراغت این است که انسان از کار رسمی و روزانه خود فارغ باشد. شاید همین ویژگی است که موجب شده است برخی افراد اوقات فراغت را به معنای اوقات بیکاری تلقی کنند. بله اوقات فراغت اوقاتی است که از کار رسمی و روزانه فارغ می‌شویم، اما روشن است که فراغت از کارهای رسمی به معنای بیکاری نیست.

۲. دومین ویژگی اوقات فراغت این است که فرد در این اوقات از روی اجبار و اکراه کار و فعالیت خود را انتخاب نمی‌کند. اوقاتی است که انسان می‌تواند کارهای مورد علاقه خود را انجام دهد. به تعبیر دیگر، در این اوقات، انسان از اختیار و قدرت انتخاب بیشتری برای گزینش فعالیت مورد علاقه‌اش برخوردار است. برخلاف اوقاتی که به هر دلیل به فعالیت‌های رسمی و شغلی خود می‌پردازد. مثلاً یک کشاورز در هنگام کشاورزی از قدرت انتخاب و اختیار زیادی برخوردار نیست. اگر می‌خواهد گندم بکارد، لازم است وظایف معینی را انجام دهد، زمان‌های خاصی به آبیاری و وجین و درو و امثال آن بپردازد. اما اوقات فراغت به این صورت است که هم نوع فعالیت و هم زمان انجام آن و میزان انجام آن دلخواهی و اختیاری است. به همین دلیل در اوقات فراغت هر کسی به کارهایی می‌پردازد که مطلوب و دلخواه او هستند. حتی ممکن است فرد در اوقات فراغت کاری سخت و طاقت‌فرسا انجام دهد، اما چون در غیر از اوقات رسمی شغل معین خود انجام می‌دهد و به دلخواه و انتخاب خود این کار را انجام می‌دهد، مصداقی از گذراندن اوقات فراغت به شمار می‌رود. به همین دلیل است که می‌توان گفت چگونگی گذراندن اوقات فراغت متأثر از نوع شخصیت و هویت اجتماعی، تربیتی و اخلاقی افراد است.

۳. نداشتن انگیزه و نفع اقتصادی از دیگر ویژگی‌هایی است که اوقات فراغت را از اوقات اشتغال تفکیک می‌کند. در اوقات فراغت غالباً افراد انگیزه مادی و سودجویانه ندارند. هر چند مدیران فرهنگی جامعه می‌توانند و می‌بایست اوقات فراغت مردم را به گونه‌ای مدیریت کنند که موجب رونق اقتصادی و گردش مالی بیشتری در سطح جامعه شود. به نظر می‌رسد اگر توصیه‌های اسلام درباره چگونگی گذراندن اوقات فراغت عملی شود، مثل توصیه به مسافرت و گردشگری، در کنار بهره‌های فرهنگی و اخلاقی و دینی، شاهد رونق اقتصادی بیشتری در سطح جامعه نیز خواهیم بود.

## اهمیت اوقات فراغت

اوقات فراغت در دنیای معاصر از جهات مختلفی اهمیت پیدا کرده است:

### زمانی برای فرهنگ‌سازی

یکی از مهم‌ترین جهات اهمیت آن این است که بهترین زمان‌ها برای القای فکر و اندیشه و فرهنگ مورد قبول خود به افراد و جامعه، اوقات فراغت آنان است. با مدیریت اوقات فراغت افراد می‌توان باورها، ارزش‌ها، رفتارها و امیال و خواسته‌های‌شان را به سمت و سوی مورد نظر سوق داد. بیشترین سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی در بسیاری از کشورهای پیشرفته در روزگار حاضر بر روی ساخت فیلم و سریال و کارتون و انیمیشن و اسباب‌بازی و سرگرمی‌های مختلفی است که همگی آنان به منظور پر کردن اوقات فراغت افراد صورت می‌گیرد.

با توجه به مجموعه تعالیم اسلامی درباره اهمیت وقت و فرصت و نکوهش بطلالت و لهو و لعب می‌توان گفت نگاه اسلام به مقوله اوقات فراغت، نگاهی تربیتی و اخلاقی است و هرگز به عنوان گذران بی‌هدف وقت یا فرصت‌هایی برای بیهوده‌گذرانی به آن نگاه نمی‌کند.

### فرصتی برای ایجاد اشتغال

یکی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد میلیون‌ها شغل، برنامه‌ریزی برای مدیریت اوقات فراغت مردم است. برای این منظور اوقات فراغت مردم، نیاز به کارهای فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی

فراوانی است. عده‌ای باید امکانات تفریحی و ورزشی مورد نیاز برای گذران اوقات فراغت را بسازند و از آنها نگهداری کنند؛ عده‌ای باید مکان‌های نمایشی، مثل سینماها، خانه‌های تئاتر و نمایشگاه‌های عکس و فیلم و امثال آن را تأمین کنند و عده‌ای باید روزها و سال‌ها کار کنند تا بتوانند چند ساعت از اوقات فراغت مردم را پر کنند. به عنوان مثال، برای ساختن برخی فیلم‌ها صدها نفر، مشغول فعالیت‌اند و بعضاً چندین هزار ساعت کار و تلاش دسته جمعی صورت می‌گیرد تا فیلمی تولید شود؛ شبکه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی و ماهواره‌ای و سایت‌های مختلف اینترنتی و ده‌ها و صدها مورد دیگر را می‌توان محصول کار برای مدیریت اوقات فراغت دانست. بنابراین یکی از راه‌های ایجاد اشتغال در دنیای مدرن، تلاش در جهت پر کردن اوقات فراغت اقشار مختلف مردم است.

#### زمان شمولی و فردشمولی

وقتی سخن از اوقات فراغت به میان می‌آید، بسیاری گمان می‌کنند صرفاً مربوط به نوجوانان و جوانان و آن هم در فرصت تعطیلات تابستانی مدارس و دانشگاه‌ها سخن گفته می‌شود! اما این پنداری کاملاً نادرست است. اوقات فراغت اختصاص به قشر خاص، سن خاص یا زمان خاصی ندارد. زمان شمول و فرد شمول است. همه افراد جامعه نه تنها نیازمند داشتن اوقات فراغت هستند، بلکه خواه ناخواه بخش زیادی از زندگی آنان را می‌توان زیر مجموعه اوقات فراغت دانست. همین مسأله اهمیت برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت را نشان می‌دهد.

#### تهدیدی برای سلامت اخلاقی جامعه

اوقات فراغت در کنار همه خوبی‌ها و برکاتی که دارد، اگر به درستی ساماندهی نشود می‌تواند به عنوان یکی از جدی‌ترین تهدیدات برای سلامت اخلاقی و روانی جامعه به شمار آید. شاید بتوان گفت یکی از مهمترین علل انحرافات و بزه‌کاری‌ها و کجروی‌های اجتماعی بی‌برنامگی فردی و اجتماعی در حوزه اوقات فراغت است. این یک حقیقت است که اگر مسؤولان فرهنگی و مدیران فکری جامعه با توجه به سبک زندگی اسلامی و ارزش‌های ملی اوقات فراغت قشرهای مختلف

جامعه را مدیریت نکنند، خسارت‌های جبران ناپذیری در حوزه فرهنگ و اخلاق به بار می‌آید. اگر ما برای اوقات فراغت مردم برنامه‌ریزی نکنیم و جهت‌دهی مناسبی برای آن نداشته باشیم، دیگران این کار را خواهند کرد. کوتاهی در این عرصه به منزله در اختیار قرار دادن زمینی بکر و آماده به دشمنان فرهنگی جامعه خواهد بود. آنان بر اساس ارزش‌های خود سعی خواهند کرد اوقات فراغت جوانان ما را به سمت و سوی مورد نظرشان سوق دهند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

مَعَ الْفَرَاغِ تَكُونُ الصَّبْوَةُ؛<sup>۱</sup>

همراه با فراغت، تمایل به خواسته‌های شیطانی حاصل می‌شود.

#### اوقات فراغت و کارکردهای آن

همانطور که اشاره شد، اوقات فراغت می‌تواند کارکردهای مختلفی داشته باشد. اوقات فراغت موجب می‌شود تا تکرار و یکنواختی در زندگی پیش نیاید. خستگی‌های جسمی و روحی موجب کسالت و سستی در انجام وظایف نشود. بر این اساس می‌توان فواید اوقات فراغت را به این ترتیب ذکر کرد:

۱. رفع خستگی‌های ناشی از کارهای روزمره؛ به هر حال، هر شخصی، توانی محدود دارد، کار مداوم و یکنواخت موجب خستگی جسمی و روحی می‌شود، اوقات فراغت اگر به درستی مدیریت شود می‌تواند خستگی‌ها را رفع کند؛
۲. بالا بردن بازده کار؛ اوقات فراغت موجب بازپایی و بازسازی توانایی‌های افراد می‌شود و در نتیجه بازده کاری آنان را بالا خواهد برد.
۳. جلوگیری از افسردگی‌های روحی و خستگی‌های جسمی: اوقات فراغت می‌تواند بسیاری از مشکلات روحی و روانی و اضطراب‌ها و ترس‌ها و خشم‌ها را کنترل کند و در نتیجه موجبات آرامش روحی و آسایش جسمی را فراهم کند؛

۱. عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۸۵، شماره ۹۰۴۸.



را به دست می‌دهند و جز در موارد استثناء وارد جزئیات و مصادیق نمی‌شوند. بسیاری از جزئیات و مصادیق از مقتضیات زمان و مکان است که به تناسب شرایط تغییر می‌کنند. اسلام از ما می‌خواهد هیچ فرصتی را برای تعالی از دست ندهیم. هر گاه از کار مهمی فارغ شدیم، بلافاصله به کار مهم دیگری بپردازیم؛ لازمه این دستور آن است که ما برای زندگی خود برنامه داشته و همواره به سمت هدف اصلی در حرکت باشیم.

### فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ؛ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْجِعْ؛<sup>۲</sup>

پس هنگامی که از مهمی فارغ می‌شوی به مهم دیگری پرداز؛ و به سوی پروردگارت توجه کن. بر اساس این آیه خواسته خداوند از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به تبع از همه مؤمنان و خداپاواران این است که هیچ فرصتی را برای پیشرفت و تعالی از دست ندهند. البته بسیاری از کارها زمان‌مند می‌باشند. اما هر زمان که کار مهمی پایان می‌پذیرد، خدای متعال می‌فرماید باید به کار مهمی دیگر بپردازید.

### ضرورت استفاده بهینه از وقت

همانطور که در تعریف اوقات فراغت گفتیم، اوقات فراغت به معنای اوقات مرده و بی‌فایده نیست. بر اساس فرهنگ دینی، ما حق نداریم حتی لحظه‌ای از اوقات عمر خود را به بطالت بگذرانیم. ما در برابر لحظه لحظه عمر خود باید پاسخگو باشیم. در روایات آمده است از جمله مواردی که باید در روز حساب، پاسخگو باشیم، درباره چگونگی گذران عمرمان و چگونگی سپری کردن جوانی‌مان است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تفسیر این آیه که می‌فرماید «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ» فرمودند:

إِنَّهُ لَا يُجَاوِزُ قَدَمًا عَبْدٌ حَتَّىٰ يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَعَنْ عُمْرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَعَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ جَمَعَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛<sup>۳</sup>

۴. رشد اجتماعی: در صورتی که اوقات فراغت را در فعالیت‌های اجتماعی سپری کنیم، موجب رشد اجتماعی افراد و بهبود روابط اجتماعی می‌شود؛

۵. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی: مدیریت درست اوقات فراغت و ساماندهی آن در جهت فرهنگ سازی می‌تواند زمینه شکل‌گیری بسیاری از آسیب‌های اجتماعی را از بین ببرد.

۶. رونق اقتصادی: اوقات فراغت اگر به درستی ساماندهی شود می‌تواند موجب رونق اقتصادی مردم شود. به عنوان مثال، اگر همگی مردم یا بخش اعظمی از آنان به این توصیه قرآن مبنی بر سیر و سفر در زمین عمل کنند در آن صورت شاهد رشد و رونق اقتصادی در بسیاری از مناطق جهان خواهیم بود.

۷. فرصتی برای تقویت ایمان و عبادت بیشتر: یکی از بهترین کارها در اوقات فراغت این است که به امور عبادی و دینی خود بیشتر بپردازیم. اطلاعات و آگاهی‌های دینی و مذهبی خود را بالا ببریم. امام علی (علیه‌السلام) در تفسیر آیه شریفه «وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» می‌فرماید:

لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فَرَاعَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ؛<sup>۱</sup>

فراموش نکن که از تن درستی، نیرومندی، فراغت، جوانی و نشاط خود برای طلب آخرت استفاده کنی.

### اوقات فراغت در آیات و روایات

با توجه به اینکه اوقات فراغت و چگونگی گذران و نوع مدیریت آن ارتباطی تنگاتنگ با امکانات و سطح زندگی مادی مردم دارد و به نوعی می‌توان گفت از مفاهیم نسبی و زمان‌مند و مکانمند است، بنابراین نباید از آیات و روایات انتظار داشت به صورت جزئی و مصادیقی همه موارد اوقات فراغت و چگونگی گذران آن را تشریح کرده باشند. زیرا قرآن و دستورات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) قوانین کلی و معیارهای اساسی و چارچوب عمل

۲. سوره شرح، آیات ۷-۸.

۳. علل الشرایع، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۱۸ همچنین رک: الغصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۵۳.

۱. معانی الاخبار، ص ۳۲۵.

در قیامت هیچ کس قدم از قدم بر نمی‌دارد مگر اینکه به چهار پرسش پاسخ دهد: از جوانی‌اش که در چه راهی صرفش کرده؛ از عمرش که در چه چیزی سپری‌اش نموده؛ از مالش که از کجا جمع‌اش کرده و در چه راهی مصرفش نموده و از محبت اهل بیت.

مولانا در این رابطه چنین سروده است:

حق همی گوید چه آوردی مرا  
اندر این مهلت که دادم من ترا  
عمر خود را در چه پایان برده‌ای  
قوت و قوت در چه فانی کرده‌ای  
گوهر دیده کجا فرسوده‌ای  
پنج حس را در کجا پالوده‌ای  
چشم و گوش و هوش و گوهرهای عرش  
خرج کردی چه خریدی تو ز فرش  
به تعبیر حافظ:

قدر وقت ار نشناسد دل و کاری نکند  
بس خجالت که از این حاصل اوقات بریم

به همین دلیل است که ائمه اطهار و اولیای دین نسبت به قدردانی از فرصت‌ها سفارش‌های فراوانی کرده‌اند. دائماً هشدار داده‌اند که مواظب فرصت‌ها و زمان‌هایی که در اختیارتان است باشید، نه امکان پس‌انداز کردن وقت وجود دارد و نه امکان بازگرداندن آن. یکی از شاخصه‌های دین‌داری و ایمان این دانسته شده است که شخص مؤمن برای همه اوقاتش برنامه‌ریزی دارد. هیچ وقتی را برای بیکاری و بطالت ندارد. امام علی(علیه‌السلام)، در ضمن بیان ویژگی‌های انسان مؤمن، یکی از ویژگی‌های او را چنین بر می‌شمارد که از همه اوقات خود استفاده می‌برد و هیچ زمانی را به بطالت نمی‌گذراند. «مَشْغُولٌ وَقْتُهُ»<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در سفارش‌های خود به ابوذر غفاری می‌فرماید:

يَا أَبَا ذَرٍّ كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ مِنْكَ عَلَى دِرْهِمِكَ وَ دِينَارِكَ<sup>۲</sup>

ای ابوذر! در هزینه کردن عمرت نسبت به هزینه کردن درهم و دینارت حریص‌تر باش.<sup>۳</sup>

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۳۳، ص ۴۲۱.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۰.

امام علی(علیه‌السلام):

إِنَّ الْفُرْصَةَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهزُوهَا إِذَا أُمَكَّنَتْ فِي أَبْوَابِ الْخَيْرِ وَ إِلَّا عَادَتْ نَدَمَا<sup>۴</sup>  
فرصت‌ها همچون ابر می‌گذرند. پس اگر فرصتی دست داد به سرعت آنها را در کارهای خیر به کار گیرید و گرنه پشیمانی در پی خواهد داشت.

إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ<sup>۵</sup>

از دست دادن فرصت اندوه آور است.

غَافِصُ الْفُرْصَةِ عِنْدَ إِمْكَانِهَا فَإِنَّكَ غَيْرُ مُدْرِكِهَا عِنْدَ فَوْتِهَا<sup>۶</sup>

فرصت‌های پیش آمده را محکم بگیرد؛ زیرا اگر از دست بروند، دیگر آنها را به دست نمی‌آورید.

امام حسن(علیه‌السلام) می‌فرماید:

الْفُرْصَةُ سَرِيعةُ الْفَوْتِ، بَطِيئَةُ الْعُودِ<sup>۷</sup>

فرصت‌ها به سرعت از دست می‌روند و به کندی باز می‌گردند.

امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید:

لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطًا، فَإِنْ فَرَطَ ضَيِّعٌ، وَإِنْ ضَيِّعٌ أَثِمٌ، وَإِنْ أَثِمٌ سَكَنَ النَّارَ، وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ) بِالْحَقِّ<sup>۸</sup>

دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر در یکی از این دو حالت باشد: یا عالم و دانشمند باشد و یا متعلم و آموزنده؛ سوگند به کسی که محمد را به پیامبری برانگیخت

۳. در حالی که وضع اغلب انسان‌های چیزی غیر از این توصیه پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. سعدی در غزلیات خود چه

زیبا این وضعیت را ترسیم می‌کند: «دست حسرت گری از یک درمت فوت شود/ هیچت از عمر تلف کرده پشیمانی نیست»

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۷۳، شماره ۱۰۸۱۱؛ همچنین رک: نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۱.

۵. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۱۱۸.

۶. عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۵۰، شماره ۵۹۴۸.

۷. نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، ص ۷۲.

۸. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۷۰.

را به گونه‌ای سپری نمایند. چنین افرادی نیز در اغلب موارد بی‌برنامه‌اند. البته اگر با برنامه‌ریزی زمان‌هایی از خود را به تماشای تلویزیون و امثال آن اختصاص دهیم، اشکالی ندارد. آنچه که اشکال دارد برخورد منفعلانه با این مسأله است. نباید به دلیل بی‌برنامگی و از روی بی‌حوصلگی با شبکه‌های مختلف تلویزیونی و رادیویی و ماهواره‌ای و امثال آن خود را سرگرم کنیم. چنین حالتی ممکن است انسان را به بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی بکشاند.

آنچه اسلام از ما می‌خواهد این است که فعالانه با اوقات فراغت خود برخورد کنیم و با مدیریت صحیح و برنامه‌ریزی همه جانبه بهترین بهره‌ها را از اوقات فراغت خود ببریم. توشه جسمی و روحی لازم را برای زمان‌های فعالیت و کار باید از همین اوقات فراغت فراهم نمود.

### تفریح

تفریح می‌تواند یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین کارها در اوقات فراغت باشد. هر انسانی نیازمند اوقاتی است که در آن به تفریح و سرگرمی بپردازد. البته سرگرمی‌ها و تفریحات افراد و طبقات مختلف اجتماعی و سنین مختلف متفاوت است، اما هیچ انسانی نیست که بی‌نیاز از تفریح باشد. تفریح برای تجدید نیرو و زدودن یکنواختی از زندگی، امری لازم و ضروری است. یکی از مهم‌ترین اصول بهداشت جسم و روان است. در داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام)، وقتی برادران یوسف می‌خواهند اجازه او را از پدر بگیرند. چنین درخواست می‌کنند:

«قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ؛ أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَ يَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لِحَافِظُونَ»<sup>۳</sup>

(برادران نزد پدر آمدند و) گفتند: «ای پدر! چرا تو دربارۀ یوسف، به ما اطمینان نمی‌کنی؟! در حالی که ما خیرخواه او هستیم! فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و تفریح کند؛ و به یقین ما از او محافظت خواهیم کرد.»

اگر در هیچ کدام از این دو حال نبود، کم‌کاری و کوتاهی کرده و در آن صورت عمر خود را ضایع نموده و کسی که عمر خود را ضایع کند گناهکار است و کسی که گناه کند، جهنمی خواهد بود.

امام سجاد (علیه‌السلام) در صحیفه سجاده در این باره می‌فرماید:

فَإِنْ قَدَّرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُذَرِّكُنَا فِيهِ تَبَعَةً، وَلَا تَلْحَقْنَا فِيهِ سَأْمَةٌ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كُتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصَحِيفَةِ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا، وَ يَتَوَلَّى كُتَابُ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا؛<sup>۱</sup>

خدا یا! ... اگر برای ما فراغتی از کارها مقدر فرموده‌ای، آن را سالم قرار ده که در آن، گناهی ما را در نیابد و خستگی به ما روی نیاورد، تا فرشتگان و نویسندگان بدی‌ها، با پرونده‌هایی خالی از بیان گناهان‌مان، از سوی ما بازگردند و نویسندگان نیکی‌ها، به خاطر نیکی‌هایی که از ما نوشته‌اند، شادمان شوند.

امام موسی کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ إِنْ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ؛<sup>۲</sup>

خدای متعال از انسان پر خواب و از انسان بیکار بدش می‌آید.

### چگونگی گذران اوقات فراغت

همۀ افراد در نحوه گذران اوقات فراغت خود یکسان نیستند. متأسفانه برخی افراد هیچ برنامه‌ای برای این کار ندارند. به همین دلیل، بدترین لحظات زندگی آنان زمان‌های فراغت از کار است. اوقات فراغت برای چنین افرادی معنایی جز اوقات بیکاری ندارد. پرسه زدن در خیابان‌ها، ایستادن در کوچه و خیابان و یا مشکل‌تراشی برای اطرافیان محصول چنین نگاهی به اوقات فراغت است. برخی دیگر ممکن است با تماشای تلویزیون و گوش دادن به رادیو و امثال آن اوقات فراغت خود

۱. صحیفه سجاده، دعای یازدهم، ص ۶۲.

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۵۸.

۳. سوره یوسف، آیات ۱۱-۱۲.

### مسافرت و گردشگری

یکی از بهترین و سودبخش‌ترین راه‌های گذران اوقات فراغت، که مورد تأکید ویژه اسلام نیز هست، مسافرت و گردشگری است. آیات متعددی در قرآن کریم مردم را به سیر و سفر و گردشگری در سراسر زمین و دیدن نشانه‌ها و مظاهر الهی و مشاهده سرنوشت دشمنان دین، تکذیب‌کنندگان دعوت پیامبران، مجرمان و گناهکاران دعوت می‌کنند. قرآن کریم گردشگری و سیر و سفر در زمین را موجب فهم و درک بهتر حقایق هستی می‌داند. مسافرت و دیدن آثار باستانی و نشانه‌های برجای مانده از گذشتگان را موجب عبرت‌گیری و تفکر بیشتر در سرنوشت خود می‌داند. در اینجا برخی از آیات مربوطه را ذکر می‌کنیم:

**قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ؛<sup>۴</sup>**

پیش از شما، سنت‌ها (و مجازات‌های الهی بر طبق اعمال امت‌ها) وجود داشت، پس در روی زمین، گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب‌کنندگان (آیات الهی) چگونه بوده است؟  
**أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُوا لَهُمْ قُلُوبًا يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانًا يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ؛<sup>۵</sup>**

آیا آنان در زمین سیر نکردند، تا دل‌هایی داشته باشند که (حقیقت را) با آن درک کنند؛ یا گوش‌هایی که با آن (ندای حق را) بشنوند؟! زیرا (بسیار می‌شود که) چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود.

**قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ؛<sup>۶</sup>**

بگو: «در زمین سیر کنید و ببینید سرانجام مجرمان چگونه بود!»

**قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى**

برخی از مفسران از این آیه مباح بودن بازی و تفریح برای نوجوانان و جوانان را استفاده کرده‌اند. حتی صرف نظر از این آیه، هیچ تردیدی در این نیست که اسلام انواعی از تفریح را مورد توجه قرار داده است: ورزش‌ها و تفریحاتی مثل کشتی‌گیری، تیراندازی، اسب‌سواری، شنا، شمشیربازی و امثال آن مورد توجه و سفارش اسلام است. نقش چنین ورزش‌ها و تفریحاتی در تقویت جسم و روح آدمی و آرامش جسمی و روحی او بر کسی پوشیده نیست. در ادامه برخی از روایات ناظر به چنین ورزش‌ها و تفریحاتی را ذکر می‌کنیم:

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که می‌فرماید:

**حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسَّبَّاحَةَ وَالرَّمَايَةَ؛<sup>۱</sup>**

حق فرزند بر پدر آن است که نگارش، شناگری و تیراندازی به او بیاموزد.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، در حدیثی دیگر، شناگری را بهترین سرگرمی مؤمن می‌داند:

**خَيْرٌ لَهُوَ الْمُؤْمِنِ السَّابِحَةُ؛<sup>۲</sup>**

شنا کردن بهترین سرگرمی و تفریح مؤمن است.

همان حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید:

**كُلُّ لَهْوٍ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيَةِ الْفَرَسِ وَرَمِيهِ عَنِ قَوْسِهِ وَمُلَاعَبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ؛<sup>۳</sup>**

هر نوع تفریح و سرگرمی برای مؤمن شایسته نیست مگر در سه چیز: تربیت اسب، آماده‌سازی کمان و اوقاتی که با همسرش می‌گذراند؛ چنین تفریحات و سرگرمی‌هایی حق‌اند.

۱. نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ابوالقاسم پاینده، ص ۴۴۷؛ شماره ۱۳۹۴.

۲. میزان الحکمة، حدیث ۱۸۰۶۹.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۰.

۴. سوره آل عمران، آیه ۱۳۷؛ همچنین رک: سوره انعام، آیه ۱۱ و سوره ابراهیم، آیه ۳۶.

۵. سوره حج، آیه ۴۶.

۶. سوره نمل، آیه ۶۹؛ همچنین رک: سوره روم، آیه ۴۲.

### صله ارحام

یکی دیگر از بهترین و ارزشمندترین راه‌های گذران اوقات فراغت، دید و بازدید از اقوام و خویشاوندان و دیدار دوستان است. اسلام به منظور حفظ و تقویت بنیان‌های اجتماعی و روابط خویشاوندی تأکید زیادی بر صله رحم و ارتباط با اقوام دارد. برکات مادی و معنوی فراوانی برای آن برشمرده است. طبیعتاً در زمان کار و فعالیت‌های شغلی و روزانه فرصت و امکانی برای انجام این وظیفه دینی و انسانی نیست. به همین دلیل، مناسب‌ترین اوقات برای انجام چنین کاری، اوقات فراغت است.

در اینجا به ذکر چند روایت از میان صدها آیه و روایتی که در این زمینه وارد شده است، اکتفا می‌کنیم:

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرَفُونَ بِهَا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ آدَاءَ الْأَمَانَةِ وَ وَقَاءَ بِالْعَهْدِ وَ صَلَةَ الْأَرْحَامِ وَ ...<sup>۵</sup>

دینداران شاخصه‌هایی دارند که با آنها می‌شود آنان را شناخت: راستگویی، امانت‌داری، وفاداری، ارتباط با خویشاوندان و ...

امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید:

صَلَةُ الْأَرْحَامِ تَزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تَنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى وَ تُبَسِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِي فِي الْأَجْلِ؛<sup>۶</sup> الْأَجْلُ؛

ارتباط با خویشاوندان، موجب پاکی اعمال، رشد اموال، دفع بلاها، حسابرسی آسان و طول عمر می‌شود.

امام جعفر صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

### كَلَّ شَيْءٌ قَدِيرٌ؛<sup>۱</sup>

بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند؛ به یقین خدا بر هر چیزی تواناست.

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ أَثَارُوا الْأَرْضِ وَ عَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ؛<sup>۲</sup>

آیا در زمین گردش نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟! آنها نیرومندتر از اینان بودند، و زمین را (برای زراعت و آبادی) دگرگون ساختند و بیش از اینان، آن را آباد کردند، و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند (اما آنها انکار کردند و کيفر خود را دیدند)؛ خداوند هرگز به آنان ستم نکرد، ولی خودشان به خویشان ستم می‌کردند.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نیز در حدیثی سفر و گردش‌گری را موجب سلامتی جسمی و بهره‌مندی اقتصادی می‌داند و می‌فرماید: «سَافِرُوا تَصِحُّوا سَافِرُوا تَعْمُرُوا»<sup>۳</sup>

در دیوان اشعار منسوب به امام علی (علیه‌السلام) درباره اهمیت سفر چنین آمده است:

تَغَرَّبَ عَنِ الْوَطَّانِ فِي طَلَبِ الْعُلَى  
وَ سَافِرٌ فِي الْأَسْفَارِ خَمْسٌ فَوَائِدُ  
تَفَرَّجُ هَمٌّ وَ اكْتِسَابُ مَعِيشَةٍ  
وَ عِلْمٌ وَ آدَابٌ وَ صُحْبَةُ مَا جَدُ

در طلب بزرگی از وطن خارج شو؛ مسافرت کن؛ زیرا در مسافرت پنج فایده است: فراموشی غصه‌ها، بهره اقتصادی، کسب دانش، ادب‌آموزی، و همراهی با انسان‌های بزرگ.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۲۰.

۲. سوره روم، آیه ۹؛ همچنین رک: سوره یوسف، آیه ۱۰۹؛ سوره فاطر، آیه ۴۴؛ سوره مؤمن، آیات ۲۱-۲۲ و آیه ۸۲ و سوره محمد، آیه ۱۰.

۳. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۱.

۴. دیوان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، حسین بن معین‌الدین میبیدی، تصحیح مصطفی زمانی، ص ۱۳۹.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۲۳۹.

۶. همان، ص ۱۵۰.

صَلَّةُ الْأَرْحَامِ تَحْسِنُ الْخُلُقِ وَ تَسْمَحُ الْكُفَّ وَ تُطَيِّبُ النَّفْسَ وَ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تُنَسِّيُ فِي الْأَجْلِ؛<sup>۱</sup>  
ارتباط با خویشاوندان، اخلاقی نیکو، دست و دلی باز، جانی پاکیزه، رزقی فراوان و عمری طولانی را به ارمغان می‌آورد.

### عبادت خداوند

از نگاه قرآن کریم عبادت و بندگی خداوند هدف اصلی آفرینش انسان است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»<sup>۲</sup>. بنابراین انسانی که می‌خواهد در راستای فلسفه وجودی خود حرکت کند، باید همه اوقات خود به عبادت خدا مشغول باشد. البته بندگی و عبادت لزوماً به معنای عبادت‌های مرسوم و شناخته‌شده فقهی نیست. انسان حتی می‌تواند خوردن و خوابیدن و تفریحات خود را عبادت الهی بداند. مشروط به آنکه به انگیزه الهی و در راستای وصول به مقام قرب انجام گیرند. در عین حال، انجام عبادت‌های ویژه، مثل نمازهای مستحبی، خواندن اذکار و دعاهای ویژه، روزه گرفتن مستحبی، تمرکز و توجه بیشتر به آیات قرآنی و امثال آن، می‌تواند یکی از شایسته‌ترین کارها در اوقات فراغت باشد.

امام علی(علیه‌السلام) در دعایی از خدای متعال چنین می‌خواهد:

اللهم فرغني لما خلقتني له؛<sup>۳</sup>

خداوند! برای دستیابی به آنچه که مرا برایش آفریده‌ای فراغتی به من عطا کن.

### حسابرسی نفس

یکی از شایسته‌ترین کارهایی که می‌توانیم با فراغ بال بیشتری در اوقات فراغت خود انجام دهیم، حسابرسی اعمال روزانه یا اعمال گذشته خود است. انسان گاهی چنان درگیر فعالیت‌های شغلی و

کارهای روزمره خود می‌شود که هدف اصلی زندگی را فراموش می‌کند. حتی ممکن است روزها بگذرد و سؤالات اساسی حیات انسانی برای او مطرح نشود چه رسد به اینکه نوع مواجهه خود با آنها را تحلیل کند: سؤالاتی از این قبیل که از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ چرا آمده‌ام؟ به کجا می‌روم؟ چگونه باید این راه را طی کنم؟ نیازها و توشه این راه چیست؟ همراهان این راه کیانند؟ راهزنان این راه کیانند و کجايند؟ و امثال آن. اوقات فراغت بهترین زمانی است که هر کسی می‌تواند بخشی از آن را برای تأمل پیرامون این پرسش‌ها اختصاص دهد. امام علی(علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

مَا أَحَقَّ الْإِنْسَانَ أَنْ تَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ لَا يَشْغَلُهُ عَنْهَا شَاغِلٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ فَيَنْظُرُ فِيهَا أَكْتَسَبَ لَهَا وَعَلَيْهَا فِي لَيْلِهَا وَنَهَارِهَا؛<sup>۴</sup>

چقدر شایسته است انسان زمانی در اختیار داشته باشد که از مشغولیت‌های زندگی چیزی او را سرگرم نسازد: ساعتی که از خودش حسابرسی کند و درباره آنچه در شبانه‌روز برای خود به دست آورده و یا از کف داده است، بیندیشد.

و نیز در حدیث دیگری به تقسیم اوقات فرد دیندار اشاره دارند و از ساعت حسابرسی در کنار ساعت مناجات و ساعات مخصوص لذت‌های حلال، یاد شده است:

إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَائِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ؛<sup>۵</sup>

امام صادق(علیه‌السلام) نیز می‌فرماید، هر مسلمانی دست کم باید یک روز در هفته، خود را از کارهای روزمره فارغ کند و به مسائل تربیتی و دینی خود توجه ویژه نماید. مسائل دینی خود را پیگیری نماید. ابهامات خود را رفع نماید:

أَفْ لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ لَا يُفْرِغَ نَفْسَهُ فِي الْأُسْبُوعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِأَمْرِ دِينِهِ فَيَسْأَلَ عَنْهُ؛<sup>۶</sup>

۴. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، شماره ۴۷۴۹، ص ۲۳۶.

۵. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۹۰.

۶. الخصال، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۳۹۳.

۱. همان، ص ۱۵۱.

۲. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۴۸، شماره ۹۸۹.

افّ بر مسلمانی که برای کار دین خویش و پرسش درباره آن، [دست کم] روز جمعه هر هفته، خود را از [کارهای دیگر] فارغ نمی‌سازد.

## ❖ خلاصه فصل

۶. چگونگی گذران اوقات فراغت و نوع مدیریت آن ارتباطی تنگاتنگ با امکانات و سطح زندگی مادی مردم دارد. به همین دلیل، نباید از آیات و روایات انتظار داشت به صورت جزئی و مصداقی همه موارد اوقات فراغت و چگونگی گذران آن را تشریح کرده باشند.
۷. اسلام از ما می‌خواهد هیچ فرصتی را برای تعالی از دست ندهیم. هر گاه از کار مهمی فارغ شدیم، بلافاصله به کار مهم دیگری بپردازیم.
۸. بر اساس فرهنگ دینی، ما حق نداریم حتی لحظه‌ای از اوقات عمر خود را به بطالت بگذرانیم. از جمله مواردی که باید در روز حساب، پاسخگو باشیم، درباره چگونگی گذران عمرمان و چگونگی سپری کردن جوانی‌مان است. در این زمینه، روایات فراوانی از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) وارد شده است تا جایی که یکی از شاخصه‌های دین‌داری و ایمان را داشتن برنامه برای همه اوقات عمر دانسته‌اند.
۹. با توجه به آیات و روایات می‌توان اهم توصیه‌های اسلام و اولیای دین برای چگونگی گذران اوقات فراغت را به این شرح ذکر کرد: تفریح، ورزش، اسب‌سواری، شنا، تیر اندازی، مسافرت و گردشگری، دیدار با خویشاوندان، انجام عبادت‌های ویژه و حسابرسی از نفس.
۱۰. هر انسانی، متناسب با سن و موقعیت اجتماعی‌اش، نیازمند اوقاتی برای تفریح و سرگرمی است. تفریح برای تجدید نیرو و زدودن یکنواختی از زندگی، امری لازم و ضروری است. یکی از مهم‌ترین اصول بهداشت جسم و روان است. در این میان از نظر اسلام بهترین سرگرمی‌ها، تربیت اسب، تیراندازی، شنا و همراه با خانواده بودن است.
۱۱. قرآن کریم گردشگری و سیر و سفر در زمین را موجب فهم و درک بهتر حقایق هستی می‌داند. مسافرت و دیدن آثار باستانی و نشانه‌های بر جای مانده از گذشتگان را موجب عبرت‌گیری و تفکر بیشتر در سرنوشت خود می‌داند.

۱. «اوقات فراغت» به معنای زمان‌ها و فرصت‌هایی است که فرد در استراحت و آسایش از کار رسمی و شغل اصلی خود به سر می‌برد.
۲. از نظر اسلام اوقات فراغت به معنای اوقات و زمان‌های آزادی از قیود و محدودیت‌های قانونی و اخلاقی، و اوقات بی‌مسئولیتی نیست؛ زیرا انسان تا زمانی که از عقل و اختیار و آگاهی برخوردار است، دارای مسئولیت است. در هر زمان و مکانی کارهایی برای انجام دادن هست، بنابراین اوقات فراغت را نمی‌توان به معنای اوقات بیکاری دانست.
۳. بارزترین ویژگی‌های اوقات فراغت عبارتند از: «فراغت از کار رسمی و روزانه»، «امکان پرداختن به کارهای مورد علاقه»، «اختیاری و دلخواهی بودن نوع فعالیت، زمان انجام و میزان انجام آن»، «تأثیر پذیری چگونگی گذران اوقات فراغت از نوع شخصیت و هویت اجتماعی، تربیتی و اخلاقی افراد» و «نداشتن انگیزه و نفع اقتصادی».
۴. اوقات فراغت در دنیای معاصر از جهات مختلف دارای اهمیت است: از نظر فرهنگی، بهترین فرصت برای فرهنگ‌سازی و ترویج فرهنگ مورد قبول خود در میان مردم است؛ از نظر اقتصادی می‌توان به عنوان یکی از بهترین ابزارها برای اشتغال‌زایی به آن نگاه کرد؛ از نظر دایرة شمول، زمان شمول و فرد شمول است و از نظر اخلاقی نیز اگر به درستی سامان‌دهی نشود می‌تواند به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای اخلاق و آداب جامعه به شمار آید.
۵. می‌توان کارکردها و فواید اوقات فراغت را به این ترتیب ذکر کرد: «رفع خستگی از کارهای روزمره»، «بالا بردن بازده کار»، «جلوگیری از افسردگی‌های روحی و خستگی‌های جسمی»، «کمک به بهبود روابط اجتماعی»، «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی»، «رونق اقتصادی»، «فرصتی برای تقویت ایمان و عبادت بیشتر».



۱۲. اسلام به منظور حفظ بنیان‌های اجتماعی و تقویت روابط خویشاوندی تأکید زیادی بر ارتباط با خویشاوندان دارد. برکات مادی و معنوی فراوانی برای آن برشمرده است. مناسب‌ترین اوقات برای انجام چنین کاری، اوقات فراغت است.
۱۳. یکی از شایسته‌ترین کارهایی که می‌توانیم با فراغ‌بال بیشتری در اوقات فراغت خود انجام دهیم، حسابرسی اعمال روزانه یا اعمال گذشته خود است.

### ❖ پرسش‌ها

۱. ضمن تعریف «اوقات فراغت» توضیح دهید آیا اوقات فراغت به معنای اوقات بیکاری و آزادی از قوانین و مقررات است؟ نگاه اسلام را در این زمینه به صورت مستدل بیان کنید.
۲. ویژگی‌های اوقات فراغت را به اختصار توضیح دهید.
۳. اوقات فراغت چه نقشی در فرهنگ‌سازی، پیشرفت اقتصادی و مسائل اخلاقی فرد و جامعه دارد؟ توضیح دهید.
۴. مهم‌ترین کارکردهای اوقات فراغت را بیان کنید.
۵. برخورد منفعلانه با اوقات فراغت چه پیامدهایی دارد؟ توضیح دهید.
۶. پنج راه مورد قبول اسلام برای گذران اوقات فراغت را ذکر کرده و به اختصار توضیح دهید.

❖ مسائلی برای گفتگو و مباحثه

۱. مواردی همچون «گردشگری»، «صله ارحام» و امثال آن، در این فصل به عنوان راه‌هایی برای گذران اوقات فراغت مطرح شد، به نظر شما آیا به گونه‌های دیگری نیز می‌توان برای گذران اوقات فراغت برنامه‌ریزی کرد؟ ارتباط موارد پیشنهادی خود را با باورها و ارزش‌های اسلامی نشان دهید؟
۲. عدم برنامه‌ریزی برای گذران اوقات فراغت چه آسیب‌های فردی‌ای به دنبال دارد؟
۳. آیا می‌توان ارزش‌های اسلامی را در ورزش، گردشگری، تفریح و سرگرمی نهادینه کرد؟ چگونه؟

❖ منابعی برای مطالعه

۱. *اوقات فراغت در اسلام*، مهدی گرجی، قم، پیام عترت، ۱۳۸۱.
۲. *ورزش در اسلام*، حسین صبوری، قم، صبوری، ۱۳۸۲.

خوردن غذا، شنا کردن در آب، راه رفتن در تپه و ماهور، و امثال آن می‌برند، همگی از این نوع هستند. کسانی که به این سطح از خوشی بسنده می‌کنند خود را در سطح حیات حیوانی نگه داشته‌اند. اینان در حقیقت از کارهای فوق العاده و مسؤولیت‌دار گریزانند و به یک معنا علیرغم آنکه در ظاهر از دوران کودکی فاصله گرفته‌اند اما عملاً متعلق به دوران کودکی‌اند و گویا رشدشان در همان دوران طفولیت متوقف شده است. «نشاط» را به شادی‌های روانی و روحی و شادی‌های درونی و باطنی مربوط دانسته‌اند، مثل نشاطی که از احساس مادری یا از احساس پدری به یک مادر یا پدر دست می‌دهد و یا نشاطی که از موفقیت در انجام یک کار به دست می‌آید. این سطح از شادی از سطح قبلی پیشرفته‌تر است، هر چند هنوز تا رسیدن به شادی سطح انسانی فاصله دارد. و «شادکامی» شادی‌های متعالی است. بالاتر از نشاط است. حالتی است که از دستیابی به اهداف حاصل می‌شود. کسی که به همه اهداف زندگی‌اش دست پیدا کند، احساس رضایت خاطر و احساس کمال دارد. شادی چنین فردی خوشی و نشاط گذرا نیست؛ بلکه دائمی است. به همین دلیل، به آن شادکامی گفته می‌شود.

هر چند این سطح‌بندی از شادی‌ها فی الجمله می‌تواند مورد قبول باشد؛ اما واقعیت این است که این تفاوت‌های واژگانی صرفاً سلیقه‌ای و قراردادی است. واژه «شادی» هم برای شادی‌های کودکانه استفاده می‌شود هم برای شادی‌های غریزی و هم برای شادی‌های متعالی. ارزش‌گذاری شادی به شیوه، متعلق و هدف آن بستگی دارد. نشاط برای عبادت، خدمت به خلق و کارهای خیرخواهانه ارزشمند است؛ اما نشاط در گناه و معصیت و سرخوشی از نافرمانی خدا و شادی از غم مردم و امثال آن مذموم است. قرآن کریم نیز واژه‌های «سرور» و «فرح» را هم برای سرور و فرح‌های ممدوح به کار برده است و هم برای سرور و فرح‌های مذموم. به عنوان نمونه، چند مورد را ذکر می‌کنیم. در سوره انشقاق درباره بهشتیان و جهنمیان آمده است:

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يَحْسَبُ حِسَاباً يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا أَمَا

## فصل دوم

### سبک زندگی اسلامی در شادی و نشاط

#### تعریف شادی

شادی و سرور از حالت‌های درونی انسان است که البته نمودهای بیرونی و ظاهری هم دارد. تلاش‌های زیادی برای ارائه تعریفی دقیق از این حالت توسط روان‌شناسان و عالمان اخلاق و فیلسوفان صورت گرفته است.<sup>۱</sup> بدون آنکه بخواهیم وارد مباحث دقیق لغت‌شناسانه درباره این واژه و واژگان مرتبط با آن در زبان فارسی و زبان‌های دیگر بشویم، به طور اجمال می‌توان گفت حالت شادی و سرور محصول و معلول نوعی آگاهی است: آگاهی از تحقق اهداف و آرزوها. این حالت زمانی ایجاد می‌شود که انسان به یکی از اهداف و آرزوهای خود دست یابد یا اینکه احتمال تحقق آن را بالا بداند. شادی و سرور حالتی روحی است که از حس رضایت‌مندی و پیروزی به دست می‌آید. در مقابل، وقتی انسان به هدف خود نمی‌رسد یا آرزوی خود را بر باد رفته می‌بیند، حالت غم و اندوه بر او چیره می‌شود. به تعبیر دیگر، حزن و اندوه حالتی است که از حس نارضایتی و شکست به دست می‌آید.

برخی از محققان خواسته‌اند میان سه اصطلاح «خوشی»، «نشاط» و «شادکامی» تفاوت قائل شوند. به این صورت که هر کدام از آنان را ناظر به سطحی از شادی دانسته‌اند.<sup>۲</sup> «خوشی» را به معنای شادی‌هایی دانسته‌اند که ناظر به سطح جسمی و جنسی هستند. شادی‌هایی که افراد از

۱. رک: روانشناسی و اخلاق، هدفیلد، ترجمه علی پریور، صص ۱۴۵-۱۴۸.

۲. همان.

مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَأَى ظَهْرَهُ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُوراً وَ يَصَلُّى سَعيراً إِنَّهُ كَانَ فى أَهْلِهِ  
مَسْرُوراً إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ؛<sup>۱</sup>

اما کسی که نامه اعمالش به دست راستش داده شود به زودی به آسانی به حساب او رسیدگی می‌شود. و خوشحال به سوی خانواده‌اش باز می‌گردد. و اما کسی که نامه اعمالش به پشت سرش داده شود، به زودی فریاد می‌زند وای بر من که هلاک شدم! و در شعله‌های سوزان آتش می‌سوزد. چرا که او در میان خانواده‌اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود. و گمان می‌کرد هرگز (به زندگی جهان دیگر) باز نخواهد گشت.

در این آیات می‌بینیم در یک جا «سرور» در مفهوم مثبت و ممدوح به کار برده شده است و در جایی دیگر در مفهوم منفی و مذموم.

همین مسأله در کاربرد واژه «فرح» نیز مشاهده می‌شود. به عنوان نمونه، در سوره قصص در داستان قارون چنین می‌خوانیم:

إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ؛<sup>۲</sup>

(به خاطر آورید) هنگامی را که قومش به او گفتند: «این همه از سر غرور شادی مکن، که خداوند شادی کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد.»

اما در سوره یونس همین واژه به معنای مثبت و ممدوح به کار برده شده است.

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ بِرَحْمَتِهِ قَبْلِكَ فَأَلْفَرِحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ؛<sup>۳</sup>

بگو: «تنها به فضل خدا و رحمت او باید خوشحال شونید؛ که این، از تمام آنچه گردآوری می‌کنند، بهتر است.»

شادی ممدوح به شادی‌ای گفته می‌شود که منجر به شادکامی شود. توضیح آنکه شادی و لذت عموماً حالت آنی و مقطعی دارند. شادی در صورتی می‌تواند ارزش پایدارتری داشته باشد که به

رضامندی و در نتیجه شادکامی و خوشبختی منجر شود. شادی زمانی ارزشمند است که در خدمت خوشبختی و سعادت انسان باشد. اما لذت‌ها و شادی‌هایی که خوشبختی و سعادت و کمال ما را به خطر می‌اندازند نه تنها ارزشمند نیستند که باید از آنها پرهیز کرد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةً أَوْرَثَتْ حُزْناً طَوِيلاً؛<sup>۴</sup>

بسا لذت‌هایی فوری که اندوهی طولانی به ارمغان می‌آورند.

مرحوم فیض کاشانی می‌گوید<sup>۵</sup> «شادی» هم می‌تواند از جنود عقل باشد و هم می‌تواند از جنود جهل به شمار آید. زیرا شادی از لوازم ادراک محبوب و ادراک صفات و آثار او است. و به هر میزان که محبوب شریف‌تر و والاتر باشد، به همان میزان نیز ادراک او و ادراک صفات و آثارش لذت‌بخش‌تر و شادی‌آورتر و مسرور کننده‌تر خواهد بود. به همین دلیل کسانی که محبوب‌شان خداوند متعال و صفات و آثار او باشد، بیشترین شادی و سرور و لذت را در هستی می‌برند. چنین افرادی از همه هستی لذت می‌برند. زیرا همه هستی را فروغ روی دوست می‌دانند. آغاز و پایان همه امور را خدای متعال می‌دانند. و زبان حال‌شان چنین است: «به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست/ عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست» به هر حال، شادی برای چنین افرادی از جنود عقل است. اما کسانی که محبوب و معشوق‌شان دنیا و لذت‌های گذران دنیوی باشد، شادی آنان از جنود جهل خواهد بود.

### مطلوبیت فطری شادی

شاد بودن و مسرور بودن یکی از خواسته‌های فطری همه انسان‌ها است. صرف نظر از نوع و کیفیت شادی، همه آدمیان فطرتاً خواهان شادی و شادمانی‌اند. شاید هیچ انسان سالمی را نتوان سراغ گرفت که عالمانه و آگاهانه علاقمند به غم و اندوه باشد! به همین دلیل است که خدای متعال یکی

۱. سوره انشقاق، آیات ۷-۱۴.

۲. سوره قصص، آیه ۷۶.

۳. سوره یونس، آیه ۵۸.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۴۵۱.

۵. الوافی، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۱، صص ۷۶-۷۷.

اندکی دقت کنیم همه ما فطرتاً دوست داریم شادی‌های پایدار و بادوامی داشته باشیم.<sup>۳</sup> هر چه دوام شادی ما بیشتر باشد، دوست‌داشتنی‌تر و خواستنی‌تر است. و همه ما در نگاه اول و زمانی که به صورت عقلانی مسائل را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم از شادی‌های کوتاه مدتی که غم‌ها و اندوه‌های بلندمدتی را به دنبال می‌آورند گریزانیم. هر چند ممکن است به هنگام برخورد با چنان اموری در اثر هیجانات کاذب نتوانیم بر اساس عقلانیت تصمیم بگیریم و مرتکب چنان شادی‌ها و لذت‌هایی بشویم که البته عمری اندوه و غم و پشیمانی را به دنبال خواهد داشت.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

کم من فرح افضی به فرحُهُ الی حزنٍ مَخْلُدٍ؛<sup>۴</sup>  
چه شادی‌هایی که انسان را به اندوهی ابدی می‌کشاند.

### ارتباط سبک شادی با باورها و ارزش‌ها

آن‌گاه که خواسته‌های کسی برآورده شود، برای او شادی حاصل می‌شود. بنابراین شاد شدن ملازم با برآورده شدن خواسته‌ها است. اما خواسته‌های افراد یکسان نیست. خواسته‌ها نیز متأثر از نوع نگاه افراد به هستی و جایگاه انسان و هدف خلقت او است. به تعبیر دیگر، سبک شادی و کیفیت شادی هر کسی به باورها و ارزش‌های پذیرفته شده او بستگی دارد. کسی که جهان را جهانی مادی می‌داند و اعتقادی به خدا و معاد ندارد، طبیعتاً نمی‌تواند تصور روشنی از شادی‌های معنوی و شادی انس با خدا و لذت گفتگو و مناجات با خدا داشته باشد. و حتی ممکن است چنین اموری را به تمسخر بگیرد. شادی‌های چنین افرادی معمولاً از سنخ شادی‌های سایر حیوانات است و از این

از نعمت‌های اهل بهشت را شاد بودن و دوری از غم و اندوه می‌داند. در قرآن کریم از زبان بهشتیان چنین گفته می‌شود:

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ؛<sup>۱</sup>

آنها می‌گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که اندوه را از ما برطرف ساخت؛ پروردگار ما آمرزنده و شکرگزار (و قدردان) است. همان کسی است که با فضل خود ما را در این سرای اقامت (جاویدان) جای داد که نه در آن رنجی به ما می‌رسد و نه سستی و واماندگی.» و نیز بر همین اساس است که خداوند یکی از پاداش‌های اخروی مؤمنان را شاد بودن و خوشی می‌داند. در مقابل، از جمله عذاب‌های اخروی که برای بدکاران در نظر گرفته شده است، غمگین بودن و داشتن چهره‌های عبوس و چروکیده و سیاه و قیافه‌های درهم و غم‌زده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ؛<sup>۲</sup>

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند (و تکبر ورزیدند) می‌بینی که صورت‌هایشان سیاه است؛ آیا در جهنم جایگاهی برای متکبران نیست؟

افزون بر این، با مراجعه به حالات، خواسته‌ها، امیال و آرزوهای درونی خود می‌توان نتیجه گرفت شادی و شادمانی یک خواسته فطری و مشترک میان همه آدمیان است. در این میان، اگر

۳. امام علی، در خطبه متقین (خ ۱۹۳)، یکی از ویژگی‌های انسان‌های پارسا را نشاط دائمی می‌داند: «دائم نشاطه». همان حضرت در دعایی از خداوند می‌خواهد که تا زنده است نشاط در عبادت به او عطا کند: «... و نشاطاً لذکرک ما استعمرتني في ارضک» (بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۳۹).

۴. ترجمه و شرح غرر الحکم (موضوعی)، سیدهاشم رسولی محلاتی، ج ۱، ص ۵۱۶، باب سرور، حدیث ۴۰۰۱.

۱. سوره فاطر، آیات ۳۴ و ۳۵.

۲. سوره زمر، آیه ۶۰.

سطح بالاتر نمی‌آید. اینها هم از ارضای غرایز غضبی و شهوی خود لذت می‌برند. بهترین لحظات شادی چنین افرادی زمانی است که بهترین خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشیدنی‌ها و امکانات مادی را در اختیار داشته باشند. اینان هر زمانی که از مسائل دنیایی و شهوانی و لذایذ مادی سخنی به میان می‌آید بسیار شادمان و مسرور می‌شوند؛ اما زمانی که سخنی از معنویت و اخلاق و خدا و معاد به میان آورده شود، حالت نفرت و اشمئزاز به آنان دست می‌دهد.

قرآن کریم درباره چنین افرادی می‌فرماید:

وَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ<sup>۱</sup>

هنگامی که خداوند به یگانگی یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند اشمئز (و متنفر) می‌گردد؛ اما هنگامی که از معبودهایی غیر از او یاد می‌شود، آنان خوشحال می‌شوند.

اما کسانی که به خدا و معاد باور دارند طبیعتاً شادی‌ها و لذت‌های‌شان منحصر در شادی‌ها و لذت‌های مادی و دنیوی نخواهد بود. اینان زمانی که بشارت‌های الهی را می‌شنوند و نعمت‌های بهشتی و لذت‌های اخروی را یاد می‌کنند، سرور و نشاط و صف‌ناپذیری به آنان دست می‌دهد. برای دستیابی به چنان شادی‌ها و لذت‌هایی لحظه شماری می‌کنند. به همین دلیل، هر کدام به میزان درک و معرفت خود نسبت به خدای متعال و حقایق اخروی از یاد خدا و گفتگو درباره امور معنوی شاد می‌شوند. چنین افرادی از هر نوع لذت و شادی‌ای که منهای خدا باشد تبری می‌جویند. تمام لذت و شادی و سرور آنان در انس با خدا و گفتگوی با او است. امام سجاد(علیه‌السلام) در مناجات‌الذاکرین به خدای متعال چنین عرضه می‌دارد: «وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ»<sup>۲</sup>. شادی چنین افرادی در

لقای الهی است. از هر چیزی که آنان را از این شادی و لذت دور کند، برائت می‌جویند. حزن و اندوه آنان زمانی است که از این محبوب جدا می‌شوند. بر این اساس، هر نوع شادی‌ای که در خدمت کسب چنین لذت‌هایی باشد، ارزشمند است. و هر نوع چیزی که مخالف با چنین شادی‌هایی باشد و مانع دستیابی به آنها شود، بد خواهد بود.

### جایگاه شادی در سبک زندگی اسلامی

با مراجعه به آموزه‌های دینی می‌توان این مسأله را به دست آورد که شادی و سرور جایگاه ویژه‌ای در سبک زندگی اسلامی دارد. ائمه اطهار علیهم السلام اهتمام ویژه‌ای به این مسأله داشته‌اند و سعی کرده‌اند در چارچوب سبک زندگی اسلامی حدود و ثغور شادی و سرور ممدوح را مشخص کنند. در حدیثی از امام موسی کاظم(علیه‌السلام) که مضمون آن در احادیث دیگری نیز نقل شده است،<sup>۳</sup> چنین می‌خوانیم:

اجْتَهِدُوا أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةٌ مِنْهُ لِمُنَاجَاتِهِ وَ سَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْأَخْوَانِ الثَّقَاتِ وَ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عِيُوبَكُمْ وَ يَخْلُصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ وَ بِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ السَّاعَاتِ؛<sup>۴</sup>

تلاش کنید اوقات خود را چهار قسمت کنید: قسمتی از آن را برای مناجات با خدا اختصاص دهید و بخشی از آن را برای امور زندگی و معاش خود در نظر بگیرید و بخشی دیگر را برای گفتگو با برادران و افراد مورد اعتماد صرف کنید؛ افرادی که عیب‌هایتان را به شما می‌شناسانند و صادقانه با شما برخورد می‌کنند؛ و قسمتی از اوقات خود را برای بهره‌برداری از لذت‌های حلال اختصاص دهید. و بدانید که با این بخش چهارم است که می‌توانید سایر فعالیت‌های خود را نیز انجام دهید.

۳. موسوعة احادیث اهل البيت، ج ۱۰، ص ۳۲، حدیث ۱۲۱۳۲.

۴. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۶.

۱. سوره زمر، آیه ۴۵.

۲. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۵۱.



پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

إِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۲</sup>

به درستی که شاد کردن مؤمنان، دوست داشتنی ترین کارها در نزد خدای متعال است.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۳</sup>

هیچ عبادتی برای خداوند محبوب تر از شاد کردن مؤمن نیست.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید:

فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَ الْفَرَائِضِ أَفْضَلَ مِنْ إِدْخَالِ السُّرُورِ

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۴</sup>

به درستی که بعد از انجام واجبات هیچ کاری در نزد خدای عز و جل برتر از شاد کردن مؤمن نیست.

در روایات دیگری، شاد کردن مؤمنان به منزله شاد کردن ائمه اطهار (علیهم السلام) و شاد کردن پیامبر

اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و شاد کردن خدای متعال دانسته شده است:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند:

مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ؛<sup>۵</sup>

هر کس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و هر کس مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۸۹.

۳. همان، ص ۱۸۸.

۴. الفقه المنسوب الی الامام الرضا، ص ۳۳۹، و بحار الانوار، ج ۷۵، باب مواظب الرضا، ص ۳۴۷

۵. بحار الانوار، ج ۷۴، باب ۳۰، روایت ۷۰.

منظور از این توصیه این نیست که ساعات «شبانه روز» خود را به این چهار بخش تقسیم کنیم. همچنین منظور این نیست که اوقات خود را به «چهار بخش مساوی» تقسیم کنیم. بلکه ابعاد یا نیازهای چهارگانه زندگی انسان در این روایت مورد توجه قرار گرفته است و به این نکته توجه داده شده است که اسلام به همه ابعاد وجودی انسان توجه ویژه دارد. همه نیازهای جسمی و مادی و معنوی او را مورد توجه قرار داده است. نیاز معنوی، نیاز اجتماعی، نیاز مادی و معیشتی، نیاز شخصیتی، نیاز به شادی و لذت.

اسلام عزیز نه تنها با شادی و نشاط مخالف نیست بلکه بهره‌مندی از شادی‌های مشروع را امری لازم برای انسان می‌داند. امام علی (علیه السلام) توصیه می‌کند به هنگام شادی از شادی‌ها و سرورهای مشروع بهره‌مند شوید؛ چرا که اوضاع همیشه به یک منوال باقی نمی‌ماند. روزهای غم و اندوه نیز در پیش است. غم و اندوه خواهی نخواهی به سراغ ما می‌آید. پس نباید اوقات شادی و نشاط را از دست داد:

إِذَا وَقَعَ فِي يَدِكَ يَوْمُ السُّرُورِ فَلَا تَخْلُهُ فَإِنَّكَ إِذَا وَقَعْتَ فِي يَدِ يَوْمِ الْغَمِّ لَمْ يَخْلُكَ؛<sup>۱</sup>

وقتی روز شادی در اختیار تو قرار گرفت، از آن دوری نکن؛ چرا که وقتی در دست روز اندوه قرار بگیری، از تو صرف نظر نخواهد کرد.

## ادخال سرور در دل برادران مؤمن

یکی از ویژگی‌ها و آداب مسلمانی این است که تلاشی جدی در جهت شاد کردن دیگر مسلمانان دارد. احادیث فراوانی در فضیلت شاد کردن مؤمنان وارد شده است. روایاتی به این مضمون از وجود مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل شده است که فرموده‌اند شاد کردن مؤمنان از بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین عبادت‌هاست:

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۸۶، حکمت ۲۷۰.

لَا يَرَىٰ أَحَدَكُمْ إِذَا ادَّخَلَ عَلَىٰ مُؤْمِنٍ سُرُورًا أَنَّهُ عَلَيْهِ ادَّخَلَهُ فَقَطُّ بَلْ وَاللَّهِ عَلَيْنَا بَلْ وَاللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ ص؛<sup>۱</sup>

گمان نکنید وقتی مؤمنی را شاد می‌کنید، فقط او را شاد کرده‌اید، بلکه به خدا سوگند که ما را شاد کرده‌اید؛ بلکه بالاتر به خدا سوگند که رسول خدا را شاد کرده‌اید.

از این دسته روایات نکاتی قابل استفاده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

نکته اول: بر اساس این نوع روایات روشن است که یکی از بهترین عبادت‌ها و برترین فعالیت‌ها از نگاه اسلام، شاد کردن مؤمنان و مسرور نمودن آنان است. و این خود خط بطلانی است بر اندیشه کسانی که دین و دین‌داری را معادل حزن و اندوه می‌دانند و چهره‌ای عبوس و خشن از دین ارائه می‌دهند. از این توصیه‌ها می‌توان فهمید که جامعه اسلام‌پسند، جامعه‌ای شاد و مسرور است. فرض کنید، هر مسلمانی خود را موظف به عمل به این توصیه‌ها کند، در آن صورت جامعه اسلامی جامعه‌ای با نشاط و شادمان خواهد بود.

نکته دوم: باید توجه شود که در این روایات شاد کردن «مؤمن» ارزشمند دانسته شده است. و روشن است که مؤمن از چه اموری شاد می‌شود. بنابراین، استفاده از ابزارها و وسایلی که با حیات مؤمنانه سازگار نیست، برای شاد کردن مؤمن درست نمی‌باشد. به علاوه، مؤمن که با ابزارهای گناه‌آلود شاد نمی‌شود. در روایتی از امام حسین (علیه‌السلام) چنین می‌خوانیم:

أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الصَّلَاةِ ادِّخَالُ السُّرُورِ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ بِمَا لَا إِثْمَ فِيهِ؛<sup>۲</sup>

برترین کارها بعد از نماز، شاد کردن قلب مؤمن با اموری است که گناهی در آنها نباشد. شادی‌های مؤمن یا در اموری است که مستقیماً با خدای متعال در ارتباطاند و یا در اموری که مقدمات چنین ارتباطی را برای او فراهم می‌کنند و یا دست کم در اموری که او را از نافرمانی و

معصیت خدا جدا می‌کنند.<sup>۳</sup> در برخی روایات مصداق‌هایی برای این توصیه ذکر شده است. در

روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) چنین می‌خوانیم:

مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ادِّخَالُ السُّرُورِ عَلَىٰ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مِنْ إِشْبَاعِ جَوْعَتِهِ أَوْ تَنْفِيسِ كُرْبَتِهِ أَوْ قَضَاءِ دَيْنِهِ؛<sup>۴</sup>

از محبوب‌ترین کارها نزد خدای عز و جل شاد کردن برادر مؤمن است: به وسیله سیر کردن او از گرسنگی، گشودن گره گرفتاری او یا پرداخت بدهکاری او.

بنابراین روشن است که منظور این نیست که شاد کردن مؤمنان از هر راهی و به هر وسیله‌ای عبادتی بزرگ است! به عنوان مثال، اگر کسی از راه گناه، دیگران را شاد کند، نه تنها کار پسندیده‌ای انجام نداده است، بلکه معصیتی بزرگ را مرتکب شده است. به همین دلیل امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

مَنْ تَلَدَّدَ بِمَعَاصِي اللَّهِ أَوْرَثَهُ اللَّهُ ذُلًّا؛<sup>۵</sup>

کسی که از راه نافرمانی خدا لذت ببرد، خداوند او را ذلیل خواهد کرد.

حتی شادی از گناه، بدتر از خود گناه دانسته شده است. امام سجاد (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

إِيَّاكَ وَالْإِبْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ فَإِنَّ الْإِبْتِهَاجَ بِهِ أَكْبَرُ مِنْ رُكُوبِهِ؛<sup>۶</sup>

از شادی و سرور به وسیله گناه پرهیز کن؛ زیرا شادی به گناه بزرگ‌تر از ارتکاب آن است.

در برخی از روایات به شدت از شاد کردن مردم با سخنان دروغ نهی شده است. پیامبر

اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید:

۳. پنجاهای امام صادق به ره جویان صادق؛ محمدتقی مصباح یزدی، ص ۱۰۹.

۴. المؤمن، حسین بن سعید کوفی اهوازی، ص ۵۱ و الکافی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۱۸۶، شماره ۳۵۶۵.

۶. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۵۹.

۱. همان، روایت ۲۷.

۲. مناقب آل ابيطالب عليهم السلام، محمد بن علی این شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۷۵.

مؤمن خوش بر خورد و بذله گو است و منافق اخمو و خشم جو است.

برخی از مؤمنان در ابتدای آشنایی با اسلام گمان می کردند همواره باید جدیت ویژه داشته باشند و به همین دلیل از هر گونه خندیدن و مزاح خودداری می کردند.<sup>۱</sup> پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در برخورد با این گروه فرمودند:

أَمَا إِنِّي أَصَلِّيُ وَ أَنَامُ وَ أَصُومُ وَ أَفْطِرُ وَ أَضْحَكُ وَ أَبْكِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي مِنْهَا جِئْتُ وَ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛<sup>۲</sup>

اما من نماز می خوانم و می خوابم؛ بعضی روزها را روزه می گیریم و برخی روزها را خیر؛ می خندم و گریه می کنم؛ پس کسی که از این شیوه و روش من روی گردانی کند و سبک و شیوه دیگری را اختیار کند، از من نیست.

خود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گاهی برای زدودن اندوه از چهره مسلمانان، با آنان شوخی

می کرد و آنان را می خنداند. امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ لَيْسَرُ الرَّجُلِ إِذَا رَأَاهُ مَغْمُومًا بِالْمُدَاعَبَةِ وَ كَانَ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يُبْعِضُ الْمُعْبَسَ فِي وَجْهِ إِخْوَانِهِ؛<sup>۳</sup>

سیره پیامبر خدا این بود که وقتی یکی از اصحاب خود را غمگین می دید، او را با شوخی کردن، شاد می کرد و می فرمود: خداوند از برخورد عبوسانه انسان با دوستانش نفرت دارد.

یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) به نام یونس شیبانی می گوید روزی امام صادق (علیه السلام) از من

پرسید «شوخی کردن در میان شما چه جایگاهی دارد؟» در پاسخ عرض کردم، خیلی کم. آن حضرت فرمود:

۴. همین تلقی را برخی از نویسندگان بعدی نیز داشتند. به عنوان مثال، برخی از شاعران توصیه می کردند برای حفظ آبرو باید از هر

هر گونه شوخی پرهیز داشت! و چنین سفارش می کردند که «ز شوخی پرهیز ای باخرد/ که شوخی تو را آبرو می برد!»

۵. الکافی، ج ۲، ص ۸۵، حدیث ۱.

۶. کشف الریبه، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، ص ۸۳.

يَا أَبَا ذَرٍّ، وَئِيلٌ لِلَّذِي يُحَدِّثُ فَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ الْقَوْمَ، وَئِيلٌ لَهُ، وَئِيلٌ لَهُ؛<sup>۱</sup>

وای بر کسی که دروغ می گوید تا مردم را بخنداند؛ وای بر او! وای بر او! وای بر او!

با توجه به مجموعه آموزه های اسلامی درباره سبک زندگی مؤمنان، می توان چنین به دست آورد که شاد کردن مؤمنان با انجام کارهای لغو و بذله گویی های سخیف نیز نمی تواند مصداقی از بهترین عبادت ها تلقی شود. البته بذله گویی و مسخره بازی و امثال آن ممکن است از نظر دینی حرام نباشد، اما برخی از مصداق آنها قطعاً در شأن انسان مؤمن نیست. به همین دلیل، قرآن کریم یکی از ویژگی های مؤمنان را چنین برمی شمارد:

«وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛<sup>۲</sup>

(مؤمنان کسانی اند که) از لغو و بیهوده گویی گریزانند.»

#### شادی های پسندیده

بر اساس آموزه های اسلامی می توان گفت قاعده کلی در ارزشمندی شادی این است که شادی و سرور در صورتی ارزشمند است که اولاً از راهی درست و مشروع به دست آمده باشد و ثانیاً در خدمت کمال انسان و در جهت توسعه قرب باشد. در عین حال، در آموزه های دینی مصداقی برای شادی و سرور بیان شده است که ذیلاً به ذکر آنها می پردازیم:

#### شوخی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یکی از ویژگی های مؤمنان را شوخ طبعی می داند. به این دلیل، در

سبک زندگی مؤمنانه، شوخی و شوخ طبعی جایگاه ویژه ای دارد:

المؤمن دَعِبٌ لَعِبٌ؛ وَ الْمَنَافِقُ قَطِبٌ غَضِبٌ؛<sup>۳</sup>

۱. الامالی، شیخ طوسی، ص ۵۳۹.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۳.

۳. تحف العقول، ص ۴۹.

فَلَا تَفْعَلُوا فَإِنَّ الْمُدَاعِبَةَ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ وَإِنَّكَ لَتَدْخُلُ بِهَا السُّرُورَ عَلَىٰ أَخِيكَ وَلَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُدَاعِبُ الرَّجُلَ يُرِيدُ أَنْ يَسْرَهُ؛<sup>۱</sup>  
اینگونه نباشید. بی‌گمان، شوخی از خوش اخلاقی است. و بی‌شک، تو با این کار برادر خود را شاد می‌کنی. رسول خدا با افراد شوخی می‌کرد و می‌خواست آنان را شاد کند.

البته شوخی کردن فی نفسه و به خودی خود ارزش نیست. ابزاری برای خوشبختی و سعادت است. به همین دلیل دارای شرایط و قیودی است. حد و مرز دارد. اگر از حد و مرز خود عبور کند، به ضدش تبدیل خواهد شد و به جای آنکه در خدمت سعادت فرد و جامعه باشد موجب ضلالت و بدبختی آنها می‌شود.

به عنوان مثال، در شوخی نباید از مرز صداقت و حقیقت عبور کرد. به همین دلیل در شوخی نباید مرتکب دروغ شد. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

لَا يَجِدُ عَبْدٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّىٰ يَتْرُكَ الْكَذِبَ هَزْلُهُ وَ جَدَّهُ؛<sup>۲</sup>

هیچ بنده‌ای طعم ایمان را نمی‌چشد مگر آنکه دروغ را در شوخی و جدی ترک کند.

شوخی هرگز نباید با تمسخر دیگران همراه باشد.

شوخی با نامحرم از نگاه اسلام درست نیست. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ضمن آخرین خطبه‌ای که برای مردم خواند، چنین فرمود:

مَنْ فَآكَهُ امْرَأَةٌ لَا يَمْلِكُهَا حُبْسَ كُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ وَ الْمَرْأَةُ إِذَا طَاوَعَتْ الرَّجُلَ فَالْتَزَمَهَا حَرَامًا ... أَوْ فَآكَهَا ... فَعَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ مَا عَلَى الرَّجُلِ؛<sup>۳</sup>

کسی که با زنی نامحرم شوخی کند، به خاطر هر کلمه‌ای که در دنیا با او سخن گفته است، هزار سال در دوزخ زندانی می‌شود و اگر زن هم از آن مرد پیروی و با او همراهی کند ... و با او شوخی کند ... همانند گناه مرد بر او نیز خواهد بود.

شرط دیگر ارزش‌مندی شوخی این است که فرد از شوخی زیاد بپرهیزد. در شوخی نیز باید اندازه نگه داشت. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

كَثْرَةُ الْمِرَاحِ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ كَثْرَةُ الضَّحِكِ يَمْحُو الْإِيمَانَ؛<sup>۴</sup>  
شوخی زیاد، آبرو را می‌برد و شوخی زیاد ایمان را محو می‌کند.

### شادی به هنگام شادی اولیاء

از نشانه‌های عشق و محبت به یک نفر این است که با غم او غمگین و از شادی او شاد شویم. به همین دلیل است که امام رضا (علیه‌السلام) خطاب به یکی از یاران خود به نام ابن شیبیب فرمود:

إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَىٰ مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنَ لِحُزْنِنَا وَ أَفْرَحَ لِفَرَحِنَا؛<sup>۵</sup>  
اگر می‌خواهی در بالاترین درجات همراه ما باشی، پس برای غم و اندوه ما، انده‌گین باش و برای شادی ما شاد باش.

### دیدار برادران ایمانی

یکی دیگر از امور فرح‌بخش و شادی‌آفرین در زندگی یک مؤمن، دیدار با سایر مؤمنان و برادران ایمانی خود است.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، خطاب به امام علی (علیه‌السلام) فرمودند:

يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ فَرَحَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا لِقَاءُ الْإِخْوَانِ وَ تَنْظِيرُ الصَّائِمِ وَ التَّهَجُّدُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ؛<sup>۶</sup>

ای علی اوقات شادی مؤمن در دنیا سه وقت است: دیدار برادران، افطاری دادن به روزه‌دار و تهجد در پایان شب.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۳.

۲. همان، ص ۳۴۰.

۳. اعلام‌الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، ص ۴۱۴.

۴. الامالی، شیخ صدوق، ص ۲۷۰.

۵. عیون اخبار الرضا، ابن بابویه، تصحیح مهدی لاجوردی، ج ۱، ص ۳۰۰؛ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۴، ص ۵۰۳.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۴۲.

إِطْفَاءُ بَاطِلٍ أَوْ إِحْيَاءُ حَقٍّ، وَلَيْكُنْ سُرُورُكَ بِمَا قَدَّمْتَ، وَأَسْفُكَ عَلَى مَا خَلَّفْتَ، وَهَمُّكَ فِيَمَا بَعْدَ الْمَوْتِ؛<sup>۳</sup>

اما بعد، گاه آدمی به چیزی شاد می‌شود که از او نخواهد برید، و به چیزی اندوهناک می‌شود که بدان نخواهد رسید. پس مبدا نیکوترین چیز که از دنیای خود برخوردار می‌رسیدن به لذتی بود یا به کار بردن خشمی که در سینه‌داری. بلکه باید باطلی را بمیرانی یا حقی را زنده گردانی، و باید که شادمانی‌ات به چیزی باشد که از پیش فرستاده‌ای و دریغ بر آنچه به جای می‌گذاری، و هم خود را بدانچه پس از مردن تو را باید بگماری.

امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید شادی و لذت زمانی به دست می‌آید که انسان اهل وفا باشد، حقوق دیگران را رعایت کند و در برابر سختی‌ها ایستادگی و پایداری نماید: «السُّرُورُ فِي ثَلَاثٍ خِلَالِ فِي الْوَفَاءِ وَ رِعَايَةِ الْحُقُوقِ وَ التُّهُؤُصِ فِي النَّوَائِبِ»<sup>۴</sup>

#### اطاعت از خدا

انسان هنگامی که تکلیف و مسؤولیت خود را انجام می‌دهد، احساس شادی و آرامش و راحتی ویژه‌ای دارد. اما اگر نتواند به تکلیف خود عمل کند و در اثر کم کاری یا ناتوانی از انجام آن باز ماند، احساس غم و سرافکنندگی و شرمندگی دارد. به همین دلیل در اندیشه اسلامی گفته شده است مؤمن زمانی شادمان می‌شود که به تکالیف دینی خود عمل کرده باشد.

امام علی(علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

سُرُورُ الْمُؤْمِنِ بِطَاعَةِ رَبِّهِ وَ حُزْنُهُ عَلَى ذَنْبِهِ؛<sup>۵</sup>

شادی مؤمن در اطاعت پروردگارش است؛ و اندوهش بر گناهانش است.

آن حضرت دربارهٔ عید فطر که روز جشن و شادی و شادمانی مؤمنان است می‌فرماید:

#### شادی ترک شادی

امام علی(علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ لَذَّةَ فَائِيَّةٍ لِلذَّةِ بَاقِيَّةٍ؛<sup>۱</sup>

خوشبخت‌ترین مردمان کسی است که لذت‌های ناپایدار را برای دستیابی به لذت پایدار رها می‌کند.

امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید:

كَمْ مِنْ صَبْرٍ سَاعَةً قَدْ أُورِثَتْ فَرَحًا طَوِيلًا وَ كَمْ مِنْ لَذَّةٍ سَاعَةً قَدْ أُورِثَتْ حُزْنًا طَوِيلًا؛<sup>۲</sup>

چه بسا که لحظه‌ای بردباری شادی و سروری بلندمدت را به ارمغان می‌آورد و چه لذت‌های زودگذری که خزن و اندوهی طولانی را در پی داشته است.

سعدی شیرازی نیز چه زیبا سروده است:

اگر لذت ترک لذت بدانی / دگر شهوت نفس، لذت نخوانی

#### کار نیک

یکی از اموری که موجب سرور و شادی انسان می‌شود و ارزشمند نیز هست، شادی به هنگام مرور رفتارهای نیک است که انسان انجام داده است. هر انسانی به صورت طبیعی وقتی به کارهای خوب خود نظر می‌کند و خدماتی را که مخلصانه برای دیگران انجام داده است از نظر می‌گذراند، شاد می‌شود. این نوع شادی، از انواع شادی‌های ممدوح و پسندیده است. امام علی(علیه‌السلام) در نامه‌ای خطاب به ابن عباس، که ابن عباس می‌گوید از هیچ سخنی بعد از کلام رسول الله به اندازه این موعظه بهره نبردم، می‌فرماید:

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْمَرْءَ لَيَفْرَحُ بِالشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَيَفُوتُهُ، وَيَحْزَنُ عَلَى الشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَيُصِيبُهُ، فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا نَلْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ دُنْيَاكَ بُلُوعٌ لَذَّةٍ أَوْ شِفَاءٌ غَيْظٍ، وَلَكِنْ

۳. نهج البلاغه، نامه ۶۶، ص ۳۵۱.

۴. تحف العقول، ص ۳۲۳.

۵. عيون الحكم و المواعظ، ص ۲۸۶، شماره ۵۱۶۴.

۱. موسوعة احاديث اهل البيت، ج ۱۰، ص ۴۰، حدیث ۱۲۱۴۸.

۲. همان، ص ۳۸، حدیث ۱۲۱۴۲.

انما هو عيد لمن قیل الله صیامه و شکر قیامه و کل یوم لا یُعصی الله فیه فهو عید<sup>۱</sup> این عید کسی است که خدا روزه‌اش را پذیرفته و نماز وی را سپاس گفته و هر روز که خدا را در آن نافرمانی نکنند روز عید است.

### معرفت خدا

همانطور که اشاره کردیم، شادی و سرور محصول آگاهی از دستیابی به هدف است. اگر کسی احساس کند که به کمال مورد انتظارش دست یافته است، شادمان خواهد شد. البته کمال مورد انتظار هر کسی به نوع جهان‌بینی و نوع نگاه او به هستی و انسان بستگی دارد. کسی که خود را مخلوق خدا و هدف از آفرینش خود را شناخت خدا می‌داند، طبیعتاً زمانی بیشترین شادمانی را خواهد داشت که به این هدف دست یافته باشد. و اگر به این هدف دست نیابد، همواره در حال حزن و اندوه خواهد بود. اگر کاری انجام دهد که در جهت خلاف این هدف باشد، طبیعتاً محزون خواهد شد. در حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانیم:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي فَضْلِ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا مَدُّوا أَعْيُنَهُمْ إِلَى مَا مَتَعَ اللَّهُ بِهِ الْأَعْدَاءَ مِنْ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ نَعِيمِهَا وَ كَانَتْ دُنْيَاهُمْ أَقْلَ عِنْدَهُمْ مِمَّا يَطُّونَهُ بِأَرْجُلِهِمْ وَ لَنُعْمُوا بِمَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ تَلَذُّوا بِهَا تَلَذُّ مَنْ لَمْ يَزَلْ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَانِ مَعَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ<sup>۲</sup>

اگر مردمان می‌دانستند که در معرفت خدای عزیز و جلیل چه فضیلت‌هایی نهفته است چشم‌های خود را به نعمت‌های دنیوی که خداوند به دشمنان داده است نمی‌دوختند و دنیا در نزد آنان کم ارزش‌تر از اموری می‌بود که در زیر پای خود لگدمال می‌کنند. و هر آینه با معرفت خدای نعمت می‌بردند و از معرفت خدا لذت می‌بردند مثل لذت کسی که پیوسته در باغ‌های بهشتی همراه با اولیاء الله باشد.

### شادی‌های ناپسند

همانطور که گفتیم، ارزش شادی و شادی‌آفرینی ارزشی مطلق، همیشگی و همه‌جایی نیست. باید دید که آیا در مسیر کمال مطلوب ما قرار دارد یا نه. بر این اساس، می‌توان گفت قاعده کلی در سبک زندگی اسلامی درباره شادی و نشاط این است که هر نوع شادی و شادی‌آفرینی که در مسیر تقرب به خدا و رضایت الهی باشد، ارزشمند و انجام‌دانی است و هر نوع شادی یا شادی‌آفرینی که موجب دوری از خدا و یا منجر به خشم الهی شود، ناپسند و ترک‌کردنی است. با مراجعه به آموزه‌های دینی برخی از مصادیق شادی و شادی‌آفرینی‌های کاذب و ناپسند ذکر شده است که ذیلاً به آنها می‌پردازیم:

### شادی در برابر مصیبت‌دیده

ادب انسانی و اخلاق اسلامی اقتضا می‌کند وقتی انسان در برابر افراد مصیبت‌زده و غم‌دیده قرار می‌گیرد و با آنان برخورد می‌کند، اظهار همدردی کند. امام حسن عسکری (علیه‌السلام) می‌فرماید:

لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمُحْزُونِ<sup>۳</sup>

اظهار شادی در برای شخص غم‌دیده، خلاف ادب است.

امیر مؤمنان (علیه‌السلام) نیز به هنگام تشییع جنازه‌ای وقتی صدای خنده یکی از افراد را شنید، ناراحت شد و فرمود:

كَأَنَّ الْمَوْتَ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا كُتِبَ وَ كَأَنَّ الْحَقَّ فِيهَا عَلَيَّ غَيْرِنَا وَ جَبَّ وَ كَأَنَّ الَّذِي نَرَى مِنَ الْأَمْوَاتِ سَفَرًا عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ نُبُونُهُمْ أَجْدَانَهُمْ وَ نَأْكُلُ تَرَاتُهُمْ كَأَنَّا مُخَلَّدُونَ بَعْدَهُمْ ثُمَّ قَدْ نَسِينَا كُلَّ وَاعِظٍ وَ وَاعِظَةٍ وَ رُمِينَا بِكُلِّ فَادِحٍ وَ جَائِحَةٍ<sup>۴</sup>

۳. تحف العقول، ص ۴۸۹.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۲، ص ۳۸۲.

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۲۸، ص ۴۳۸.

۲. موسوعة احاديث اهل البيت، ج ۱۰، ص ۳۲-۳۳، حدیث ۱۲۱۳۵.

اسلامی چنین اموری نباید بالاصاله موجب شادی شوند. چنین شادی‌هایی در فرهنگ قرآنی، شادی‌های ناپسند به حساب می‌آید. قرآن کریم از شادی‌های ناظر به دنیا غالباً با لحنی نکوهش‌آمیز یاد می‌کند.<sup>۲</sup> به قول سعدی:

ای که در نعمت و نازی، به جهان غره مباحث

که محال است در این مرحله امکان خلود

چنین شادی‌هایی نه تنها در خدمت حرکت تکاملی فرد نیست؛ بلکه در حرکت تکاملی دیگر افراد نیز اخلال ایجاد می‌کند. موجب غفلت و غرور و فخرفروشی می‌شود. انسان را از انجام وظایفش باز می‌دارد. خداوند چنین شادی‌هایی را دوست ندارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَجِبُ الْفَرِحِينَ»<sup>۳</sup> خداوند شادی‌کنندگان مغرور را دوست نمی‌دارد. بر اساس منطق قرآن، چنین شادی‌هایی در نهایت انسان را به دوزخ می‌کشاند. قرآن کریم یکی از علت‌های جهنمی شدن افراد را چنین بر می‌شمارد: «إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِ مَسْرُوراً»<sup>۴</sup> او در میان خانواده‌اش پیوسته (از کفر و گناه خود) مسرور بود.

البته اگر بهره‌مندی از ثروت و مقام را به عنوان وسیله‌ای برای خدمت به خلق و پیشبرد اهداف انسانی و اسلامی بدانند، شاد شدن از دستیابی به آنها نه تنها اشکالی ندارد؛ بلکه از شادی‌های ممدوح و مثبت خواهد بود.

#### شادی از راه گناه

پیشتر نیز اشاره کردیم، که شادی‌هایی که از راه معصیت به دست آیند و یا شادی‌آفرینی‌هایی که با انجام گناه و نافرمانی الهی همراه باشند، در فرهنگ اسلامی مذموم‌اند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید:

گویا مرگ را در این دنیا بر جز ما نوشته‌اند، و گویا حق را در آن بر عهده جز ما هشته‌اند، و گویی آنچه از مردگان می‌بینیم مسافرانند که به زودی نزد ما باز می‌آیند، و آنان را در گورهایشان جای می‌دهیم و میراثشان را می‌خوریم، پنداری ما از پس آنان جاودان به سر می‌بریم. سپس پند هر پند و پنده دهنده را فراموش می‌کنیم و نشانه قهر بلا و آفت می‌شویم.

همین حقایق دینی چه زیبا در اشعار سعدی انعکاس یافته است:

شادمانی مکن که دشمن مرد تو هم از مرگ جان نخواهی برد

× × ×

چو بر جنازه دشمن گذر کنی ای دوست شادی مکن که با تو هم این ماجرا رود

#### شادی از گرفتارهای دیگران

ادب دینی و انسانی اقتضا می‌کند که گرفتاری‌های دیگران را گرفتاری خود بدانیم و در رفع آنها بکوشیم. به ویژه اگر مسلمانی دچار مشکل شود، وظیفه دینی ما ایجاب می‌کند حتی الامکان در رفع مشکل او تلاش کنیم. اما اگر چنین کاری هم نمی‌توانیم انجام دهیم، هرگز نباید از گرفتاری او شاد شویم. بنابراین شاد شدن از گرفتاری‌ها و مشکلات دیگران، بر اساس تعالیم دینی مذموم است. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

لَا تَفْرَحَنَّ بِسَقْطَةِ غَيْرِكَ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يُحْدِثُ بِكَ الزَّمَانُ؛

از لغزش دیگران شاد مشو، زیرا نمی‌دانی زمانه با تو چه خواهد کرد.

#### شادی با ثروت و مقام

بسیاری از مردمان اگر به مقام و موقعیتی اجتماعی دست پیدا کنند، شاد می‌شوند. یا اگر از ثروت بالایی برخوردار باشند و درآمد هنگفتی داشته باشند، خوشحال می‌شوند. اما در منطق قرآنی و

۲. پندهای امام صادق به ره جویان صادق، محمدتقی مصباح یزدی، صص ۱۰۶-۱۰۷.

۳. سوره قصص، آیه ۷۶.

۴. سوره انشقاق، آیه ۱۳.

۱. عیون الحکم و المواعظ، علی بن محمد لثنی واسطی، ص ۵۲۳ حدیث ۹۵۱۴.

الله شاه‌آبادی است] می‌فرمودند بیشتر از هر چه گوش کردن به تغنیات سلب اراده و عزم از انسان می‌کند.<sup>۴</sup>

سیره دائمی امام علی (علیه‌السلام) پیش از آغاز منبر این بود که خطاب به مخاطبان می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فَمَا خُلِقَ أَمْرُؤُ عَبْتًا فَيَلْهُوَ وَلَا تُرِكَ سُدَى فَيَلْغُو؛<sup>۵</sup>

مردم! از خدا بترسید که هیچ انسانی بی‌هوده آفریده نگردیده تا به بازی پردازد و او را وانتهاده‌اند تا خود را سرگرم بی‌فایده سازد.

مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا وَهُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ بَاكٌ؛<sup>۱</sup>

کسی که گناهی مرتکب شود و از کار خود شاد باشد، با حالتی گریان وارد آتش جهنم خواهد شد.

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

التَّبَجُّحُ بِالْمَعَاصِي أَقْبَحُ مِنْ رُكُوبِهَا؛<sup>۲</sup>

شادی به گناه، از انجام آن زشت‌تر است.

شَرُّ الْأَشْرَارِ مَنْ يَتَبَجَّحُ بِالشَّرِّ؛<sup>۳</sup>

بدترین بدان کسی است که از انجام کارهای بد شاد شود.

#### شادی‌های لَهوی

مؤمن می‌تواند شدیدترین انواع شادی را داشته باشد و این اشکالی ندارد، اما هرگز مجاز نیست که این حالت را با ابزارها یا رفتارها یا سخنان گناه‌آلود تأمین نماید. یکی از ابزارهای گناه‌آلودی که متأسفانه در بسیاری از شادی‌های مردم دیده می‌شود، رقص و موسیقی و ابزارآلات لهو و لعب است. البته همانطور که بسیاری از اندیشمندان مسلمان معتقدند، موسیقی نشاط‌انگیز اشکالی ندارد. البته هیچ یک از فقهای اسلام ترغیبی نسبت به گوش دادن به موسیقی نداشته‌اند. به تعبیر دیگر، گوش دادن به موسیقی‌های مجاز، مستحب نیست. اما انواعی از موسیقی را موسیقی حرام دانسته‌اند. نواختن یا گوش دادن موسیقی تحریک‌کننده و خیال‌انگیز و طرب‌آفرین بدون تردید، خلاف زیست مسلمانی است. افزون بر اینکه تخدیر‌کننده عقل و تضعیف‌کننده اراده هم هست. حضرت امام خمینی (ره) در کتاب چهل حدیث می‌فرماید: «استاد معظّم ما، دام ظلّه، [ظاهراً منظور حضرت آیت

۱. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق، ص ۲۲۳.

۲. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، تصحیح مصطفی درایتی، ص ۱۸۷، شماره ۳۵۹۰.

۳. عیون الحکم و المواعظ، ص ۲۹۴، شماره ۵۲۳۹.

۴. چهل حدیث، امام خمینی، ص ۸.

۵. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰، ص ۴۲۷.



۷. با توجه به روایاتی که در باب ارزش شاد کردن مؤمن وارد شده است اولاً، بطلان اندیشه‌ای که دین و دین‌داری را معادل حزن و اندوه می‌داند آشکار می‌شود؛ ثانیاً، دانسته می‌شود که ابزارهای شادی‌آفرین باید گناه‌آلود نباشند. زیرا مؤمن از گناه شادمان نخواهد شد.

۸. قاعده کلی در سبک زندگی اسلامی درباره شادی و نشاط این است که هر نوع شادی و شادی‌آفرینی که در مسیر تقرب به خدا و رضایت الهی باشد، ارزشمند و انجام دانی است و هر نوع شادی یا شادی‌آفرینی که موجب دوری از خدا و یا منجر به خشم الهی شود، ناپسند و ترک کردنی است.

۹. در آموزه‌های اسلامی از اموری به عنوان شادی‌های پسندیده نام برده شده است. اموری مانند: شوخی (البته با لحاظ شرایطی)، شادی به هنگام شادی اولیاء الله، شادی از دیدار برادران ایمانی، شادی به هنگام ترک لذت‌های گناه‌آلود، شادی از انجام کار نیک، شادی اطاعت از خدا و شادی معرفت الهی.

۱۰. ارزش شوخی کردن از نگاه اسلام، ارزشی ابزاری است. به همین دلیل، برای آن حد و مرزهایی ذکر شده است: در شوخی نباید از مرز صداقت و حقیقت عبور کرد. شوخی هرگز نباید با تمسخر دیگران همراه باشد. شوخی با نامحرم از نگاه اسلام درست نیست. زیاد شوخی کردن هم خوب نیست.

۱۱. با توجه به قاعده کلی شادی و نشاط در اسلام اموری همچون شادی در برابر مصیبت‌دیده، شادی از گرفتارهای دیگران، شادی با ثروت و مقام، شادی از راه گناه و شادی‌های لهوری در آیات و روایات به عنوان شادی‌های ناپسند معرفی شده‌اند.

#### ❖ پرسش‌ها

۱. ضمن تعریف دقیق شادی توضیح دهید که شادی در چه صورتی از جنود عقل است و در چه صورتی از جنود جهل؟

#### ❖ خلاصه فصل

۱. شادی و سرور از حالت‌های درونی انسان است که محصول و معلول نوعی آگاهی است: آگاهی از تحقق اهداف و آرزوها.

۲. تفاوت‌های واژگانی مطرح شده از سوی برخی نویسندگان درباره شادی، نشاط و شادکامی صرفاً سلیقه‌ای و قراردادی است. واژه «شادی» هم برای شادی‌های کودکانه استفاده می‌شود هم برای شادی‌های غریزی و هم برای شادی‌های متعالی. قرآن کریم نیز واژه‌های «سرور» و «فرح» را هم برای سرور و فرح‌های ممدوح به کار برده است و هم برای سرور و فرح‌های مذموم.

۳. شادی از لوازم ادراک محبوب و ادراک صفات و آثار او است. اگر محبوب از امور متعالی باشد، شادی حاصل شده از ادراک آن نیز از جنود عقل است و اگر محبوب از امور پست و غیر خدایی باشد، شادی حاصل شده از آن نیز از جنود جهل خواهد بود.

۴. صرف نظر از نوع و کیفیت شادی، همه آدمیان فطرتاً خواهان شادی و شادمانی‌اند. این مسأله را می‌توان با مراجعه به حالات، خواسته‌ها و آرزوهای درونی خود مشاهده کرد.

۵. سبک و کیفیت شادی هر کسی به باورها و ارزش‌های پذیرفته شده او بستگی دارد. بر اساس جهان‌بینی مادی، شادی‌های معنوی و شادی انس با خدا و مناجات با او معنا ندارد. همانطور که بر اساس جهان‌بینی الهی منحصر دانستن شادی در امور مادی و دنیوی نادرست است.

۶. شادی و سرور جایگاه ویژه‌ای در سبک زندگی اسلامی دارد. از مسلمانان خواسته شده است که در کنار اوقات عبادت و کار و مصاحبت و معاشرت با مردم، زمانی را نیز برای بهرهمندی از لذت‌ها اختصاص دهند. این خود نشان‌دهنده آن است که اسلام به همه ابعاد زندگی انسان توجه دارد.

۲. سبک شادی چه ارتباطی با جهان‌بینی افراد و نوع نگاه آنان به هستی و انسان دارد؟ توضیح دهید.
۳. منظور از این حدیث که می‌فرماید زمان‌های خود را به چهار بخش تقسیم کنید: عبادت، کار، معاشرت و بهر‌مندی از لذت، چیست؟
۴. از روایاتی که شاد کردن مؤمنان را ارزشمند می‌دانند، چه نکاتی قابل استفاده است؟
۵. ضمن بیان شادی‌های پسندیده از نگاه اسلام، توضیح دهید که شوخی با لحاظ چه شرایطی ارزشمند است.
۶. چرا شادی‌های لهوی، گناه‌آلود یا شادی از ثروت و مقام از دیدگاه اسلام مذموم‌اند؟

#### ❖ مسائلی برای گفتگو و مباحثه

۱. آیا شما از گوش دادن به موسیقی لذت می‌برید؟ چرا چنین است؟ به نظر شما فلسفهٔ تحریم موسیقی‌های مطرب و غنایی در اسلام چیست؟ مگر نه اینکه این موسیقی‌ها لذت‌بخش‌اند؟ آیا تحریم آنها به معنای مبارزه با لذت و شادی و نشاط نیست؟!
۲. شادی و نشاط اجتماعی نقش مهمی در رضایتمندی عمومی و پیشرفت همه‌جانبه دارد، اگر شما یک مسئول فرهنگی کشوری بودید، چه راهکارهایی برای ایجاد شادی اجتماعی ارائه می‌داید؟

#### ❖ منابعی برای مطالعه

۱. *شادکامی از دیدگاه پیامبر اعظم*، عباس پسندیده، قم، طه، ۱۳۸۸.
۲. *راهکارهای تقویت انگیزه و نشاط*، محسن قرائتی، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹ و
۳. *شیدای شادی: پژوهشی دربارهٔ نقش آموزه‌های دینی در ایجاد شادی ماندگار بشری*، محمدحسن صالح شهرضایی، بی‌جا، انتخاب اول، ۱۳۸۹.

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ؛<sup>۱</sup> همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط)؛ تا بر مردم گواه باشید.» از سوی دیگر، خداوند متعال با حکمت خویش، مناسبات و روابط انسانی و از جمله روابط با جنس مخالف را به صحیح‌ترین وجه ممکن ترسیم کرده است. از آنجا که ارتباط با نامحرم در قالب رفتارهایی چون نگاه، گفتگو و تماس بدنی متصور است، مباحث این بخش متمرکز بر این موارد خواهد بود.

### نگاه

نگاه به تصاویر، افراد و یا مناظری که باعث تحریک شهوت می‌شود و انسان را از یاد خدا غافل می‌کند، از نظر خداوند متعال ممنوع دانسته شده و زنان و مردان با ایمان موظف شده‌اند که چشم خود را از دیدن چنین صحنه‌هایی فرو بندند: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»<sup>۲</sup> به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند ... و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند. چشم‌پوشی از نگریستن به چنین دیدنی‌هایی تأثیرات ارزشمندی همچون موارد زیر دارد:

### زدودن زمینه شهوت‌رانی

زمینه طغیان شهوت را از بین می‌برد. به همین دلیل امیر المومنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: «نِعْمَ صَارَفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ»<sup>۳</sup> فرو افکندن چشمان از گناه، چه بازدارنده خوبی از شهوات است. و نیز فرمودند: «لیس یزنی فرجک إن غضضت طرفک»<sup>۴</sup> اگر نگاهت را مهار کنی، دامن‌ت به زنا آلوده نمی‌شود. البته همچنانکه مهار چشم از نگریستن به نامحرم زمینه‌ساز مهار شهوت است، خودداری

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۲. سوره نور، آیات ۳۰ و ۳۱.

۳. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۰.

۴. تحریر المواعظ العمدیه، علی مشکینی، ص ۱۰۹.

## فصل سوم

### سبک زندگی اسلامی در روابط دختر و پسر

روابط دو جنس مخالف منشأ سؤالاتی جدی است که ذهن بسیاری از جوانان به ویژه دانشجویان را به خود مشغول داشته است. آیا اساساً چنین ارتباطی رواست، و در صورت روا بودن حد و مرز و محدوده آن تا کجاست؟ چه نکاتی در ارتباط با نامحرم باید مورد توجه قرار گیرد؟ نگاه منابع دینی به روابط دوستانه مرد و زن چگونه است؟ چه عواملی باعث می‌شود تا دختران و پسران به روابط دوستانه رو آورند؟ و بالاخره این نوع روابط به چه نوع پیامدهای مثبت یا منفی می‌انجامد؟ پرسش‌های فوق از جمله سؤالات مهمی است که در این فصل مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین، مطالب این فصل در قالب دو بخش «سبک زندگی در ارتباط با نامحرم» و «روابط دختر و پسر» ارائه خواهد شد.

### سبک زندگی در ارتباط با نامحرم

در خصوص روابط دو جنس مخالف، دیدگاه‌های افراطی و تفریطی وجود دارد. برخی آن را تا حد روابط خواهر و برادر بالا برده و بر اساس آن، بیشترین آزادی را در اینگونه ارتباطات روا می‌دانند. برخی دیگر به طور مطلق هر گونه ارتباط با غیر همجنس را ناصحیح قلمداد می‌کنند. در این میان، اسلام دین تعادل است و افراد جامعه اسلامی را به رعایت حد اعتدال در امور فراخوانده است:

نگاه تیری از تیرهای مسموم شیطان است. هر کس آن را صرفاً برای خدا ترک نماید، خداوند به او ایمانی عطا می‌کند، که طعمش را خواهد چشید.

هر چند چشم‌پوشی از نگاه حرام، حتی بدون انگیزه الهی نیز مانع ارتکاب گناهی چون زنا می‌گردد، و حسرت و اندوه را از انسان سلب می‌کند؛ اما زمانی به تقویت ایمان و بندگی منجر می‌شود که انگیزه جلب رضایت خداوند، تنها انگیزه فرد محسوب شود.

به دلایل فوق، کنترل و مهار نگاه، فرد را از افتادن در ورطه نابودی و هلاکت باز می‌دارد. امام علی(علیه‌السلام) در روایت زیر به این حقیقت اشاره کرده‌اند:

مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ قَلَّ أَسْفُهُ وَأَمِنَ تَلَفَهُ؛<sup>۱</sup> آن کس که دیده بیوشد، کمتر تاسف می‌خورد و از هلاکت نیز ایمن می‌گردد.

### گفتگو

سخن گفتن با نامحرم نیز از جمله مواردی است که می‌تواند زمینه برخی انحرافات جنسی را در بین افراد فراهم کند. از سوی دیگر، گاه صحبت کردن با جنس مخالف اجتناب‌ناپذیر می‌شود. از این رو، لازم است با رعایت مواردی که در پی می‌آید، آثار منفی اینگونه گفتگوها به حداقل برسد.

### به کارگیری محتوای پسندیده

از آداب اسلامی در گفتگو با نامحرم آن است که از محتوای پسندیده در مکالمات استفاده و از به کارگیری مطالب مرتبط با تمایلات غریزی اجتناب شود. در داستان حضرت یوسف(علیه‌السلام) در قرآن کریم آمده است که زلیخا و زنان مصر باب مراوده را با یوسف گشودند. آن حضرت که متوجه خطر این مراوده و بیان سخنان تحریک‌آمیز شد، از خداوند اینگونه مدد خواست:

قَالَ رَبِّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنُ مِنَ الْجَاهِلِينَ؛<sup>۱</sup>

از مشاهده امور مرتبط با آن مانند لباس هم، زمینه چشم‌پوشی از مشاهده وی را فراهم می‌کند. چنانچه حضرت مسیح(علیه‌السلام) می‌فرماید:

لَا تَكُونَنَّ حَدِيدَ النَّظَرِ إِلَى مَا لَيْسَ لَكَ فَإِنَّهُ لَنْ يَزُنِيَ فَرَجُكَ مَا حَفِظْتَ عَيْنَكَ فَإِنَّ قَدَرْتَ أَنْ لَا تَنْظُرَ إِلَى ثَوْبِ الْمَرْأَةِ الَّتِي لَا تَحِلُّ لَكَ فافْعَلْ؛<sup>۲</sup>

نباید به چیزی که بر تو روا نیست، خیره نگاه کنی، زیرا تا وقتی که چشمت را حفظ کنی هرگز دچار زنا نمی‌شوی، و اگر توانستی به لباس زنی که نامحرم است نگاه نکنی، نگاه نکن.

### آسودگی خاطر

از آن جا که، شخصی که صحنه‌های تحریک کننده را می‌بیند لزوماً به مشاهده‌های خود نمی‌رسد، ولی نسبت به آنچه دیده دل مشغولی پیدا می‌کند، خاطری آشفته و پریشان خواهد داشت. در مقابل، کنترل نگاه، خاطری آسوده را برای فرد به ارمغان می‌آورد. از این رو، امیر المومنین(علیه‌السلام) می‌فرماید:

مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَرَأَحَ قَلْبِهِ؛<sup>۲</sup> کسی که چشم (از محارم) فرو بندد، دل خویش را راحت کرده است.

### چشیدن طعم ایمان

توفیق چشیدن طعم ایمان و بندگی را به انسان عنایت می‌کند. امام صادق(علیه‌السلام) ناظر به همین مطلب است که می‌فرماید:

النَّظْرَةُ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَا لغيرِهِ أَعْقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ؛<sup>۳</sup>

۱. مجموعه ورام، ورام بن ابی فراس، ج ۱، ص ۶۲.

۲. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۰.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸.

۴. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۶۰.

گفت: پروردگارا! زندان نزد من محبوبتر است از آنچه اینها مرا بسوی آن می خوانند! و اگر مکر و نیرنگ آنها را از من باز نگردانی، بسوی آنان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود!

از این آیه استفاده می شود که طرح چنین مطالبی در گفتگو با نامحرم تا آنجا خطرناک است که یوسف (علیه السلام) نیز با آن مقام طهارت و قداست، از آن بیمناک بوده و حاضر می شود با رفتن به زندان، خود را از چنین موقعیتی خلاصی بخشد.

#### پرهیز از شوخی با نامحرم

از آنجا که شوخی کردن با نامحرم، حریم میان آنها را کم رنگ نموده و احتمال وقوع گناه را در بین آنان تقویت می کند، اولیای دین افراد را از مزاح با نامحرم برحذر داشته اند.

و از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز نقل شده است که فرمودند:

مَنْ فَآكَهُ امْرَأَةً لَا يَمْلِكُهَا - حُبْسَ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ؛<sup>۱</sup>

کسی که با زن نامحرمی مزاح کند، به ازای هر کلمه ای که با او سخن گفته، هزار سال در دوزخ حبس می شود.

ابابصیر، از شاگردان امام صادق (علیه السلام) می گوید در کوفه به زنی قرآن می آموختم و روزی اتفاق افتاد که با او مزاح کردم. هنگامی که در مدینه به محضر امام باقر (علیه السلام) وارد شدم، مرا سرزنش کرد و فرمود:

مَنْ ارْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ لَمْ يَعْبَأَ اللَّهُ بِهِ - أَيُّ شَيْءٍ قُلْتُ لِلْمَرْأَةِ - فَعَطَّيْتُ وَجْهِي حَيَاءً وَ تَبْتُ - فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَمْ تَعُدْ؛<sup>۲</sup>

کسی که در خلوت مرتکب گناه شود، خدا به او اعتنا نمی کند. چه چیزی به آن زن گفتی؟ - از خجالت چهره خود را پوشاندم و توبه کردم - حضرت فرمود: دیگر تکرار مکن.

#### پرهیز از فروتنی در گفتگو

علاوه بر آنکه لازم است محتوای مطالبی که بین دو جنس مبادله می شود، پسندیده باشد، همچنین ضرورت دارد که افراد لحن کلام خود را به گونه ای قرار دهند که از ایجاد هر گونه تحریک، تطمیع و وسوسه در مخاطب جلوگیری شود. خداوند متعال به همسران پیامبر می فرماید:

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْنَ فَلَآ تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛<sup>۳</sup>

ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگوئید که بیمار دلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگوئید.

#### اختصار و اکتفا به حد ضرورت

آنگاه که حضرت موسی (علیه السلام) از مصر خارج شد و به مدین رسید، جمعی از مردان را مشاهده کرد که دور چاه آبی حلقه زده و برای دام های خود، از آن آب می کشند. کمی دورتر دو زن را مشاهده کرد که تنها از گوسفندانشان مراقبت می کردند. حضرت موسی (علیه السلام) که از رفتار آنان تعجب کرده بود، پرسید: «ما خَطْبُكُمَا؟» «کار شما چیست؟» (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟!)) آنان پاسخ دادند: «لَا نَسْقِي حَتَّى يُصَدِرَ الرَّعَاءُ وَ ابْنَا شَيْخٌ كَبِيرٌ؛<sup>۴</sup> ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپانها همگی خارج شوند؛ و پدر ما پیرمرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست.)» روشن است که این مکالمه در نهایت ایجاز صورت گرفته و هیچ کلام زایدی مطرح نشده است. حتی هنگامی که آن حضرت گوسفندان آنان را سیراب کرد، بدون گفتن کلمه ای از آنان فاصله گرفت و به جایگاه

۱. سوره یوسف، آیه ۲۲.

۲. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳.

۳. بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۷.

۴. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۵. سوره قصص، آیه ۲۳.

از آنجا به جای دیگر برو؛ زیرا هیچ مرد و زنی در مکانی خلوت نکنند مگر آنکه شیطان سومی آنها باشد.

#### حریم گرفتن نسبت به جنس مخالف

سبک زندگی اسلامی در معاشرت با جنس مخالف حاکی از آن است که رعایت حریم و گونه‌ای فاصله تا حد زیادی سلامت ارتباط را تامین می‌کند. خداوند متعال این حقیقت را به یاران پیامبر گوشزد کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ؛<sup>۳</sup>

و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی را (بعنوان عاریت) از آنان [همسران پیامبر] می‌خواهید از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است.

نکته مهم این آیه آن است که خداوند یاران مؤمن و همسران پیامبر را که از نعمت همسری رسول خدا برخوردارند، به رعایت حریم توصیه می‌کند. بر این اساس، رعایت حریم از سوی افراد مجرد، جوان و ضعیف‌الایمان، ضرورت ویژه‌ای می‌یابد. حریم نگه داشتن زن در برابر مردان نامحرم، ابزاری است که زن برای حفظ مقام و موقعیت خود در برابر مردان می‌تواند از آن استفاده کند.

#### پوشش و آرایش

نحوه پوشش و آرایش در برابر جنس مخالف نیز عاملی مؤثر در کیفیت مطلوب یا نامطلوب رابطه محسوب می‌شود. در منابع اسلامی توصیه‌های متعددی در زمینه پوشش و آرایش به چشم می‌خورد.

خویش بازگشت «فَسَتَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظَّلِّ؛<sup>۱</sup> موسی برای (گوسفندان) آن دو آب کشید؛ سپس رو به سایه آورد». این امر نشان می‌دهد که رعایت اختصار و میزان ضرورت، از شاخص‌های گفتگوی مطلوب با نامحرم است.

#### موقعیت حضور

فضا و موقعیت حضور دو جنس مخالف نیز در جهت سلامت یا فساد رابطه تأثیرگذار است. از این رو، در منابع اسلامی موارد زیر مورد تأکید قرار گرفته است.

#### پرهیز از خلوت کردن با نامحرم

فضای حضور نامحرم نباید به گونه‌ای خلوت باشد که امکان ورود سایر افراد در آن وجود نداشته باشد، چرا که خلوت‌گزینی با جنس مخالف، موقعیت را برای تحقق گناه فراهم می‌سازد. محمد طیار از یاران امام صادق(علیه‌السلام) می‌گوید وارد مدینه شدم، چون برای مدتی می‌خواستم در آنجا سکونت کنم، دنبال منزلی برای اجاره می‌گشتم. خانه‌ای پیدا کردم که دارای دو اتاق بود که با یک در از یکدیگر جدا شده بودند. یکی از اتاق‌ها در اختیار زنی جوان بود. به دلیل آنکه این دو اتاق به یکدیگر راه داشتند، از اجاره آن منصرف شدم و صلاح ندیدم در منزلی که زنی جوان زندگی می‌کند، خانه بگیریم. اما آن زن گفت اگر شما این اتاق را اجاره کنی من در را می‌بندم. من نیز به این شرط پذیرفتم. اما بعد از سکونت، آن زن به بهانه اینکه می‌خواهد از نسیم هوا استفاده کند در اتاق را باز می‌گذاشت. در برابر درخواست اکید من برای بستن در مقاومت کرد و حاضر به این کار نشد. به محضر امام صادق(علیه‌السلام) رسیدم و ماجرا را با ایشان در میان گذاشتم. آن حضرت فرمود:

تَحَوَّلْ مِنْهُ فَإِنَّ الرَّجُلَ وَالْمَرْأَةَ إِذَا خَلِيَا فِي بَيْتٍ كَانَ نَالِيَهُمَا الشَّيْطَانُ؛<sup>۲</sup>

۱. سوره قصص، آیه ۲۴.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۴۱.

۳. سوره احزاب، آیه ۵۳.

### رعایت حجاب کامل

با اینکه رعایت پوشش صحیح مرد و زن، از مصادیق سبک زندگی اسلامی به شمار می‌رود، اما به لحاظ جذابیت ویژه زنان، بر مراعات پوشش کامل از سوی آنان تأکید شده است. خداوند متعال در آیه زیر فلسفه این حکم را بیان کرده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ؛<sup>۱</sup>

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: «جلبابها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است.»<sup>۲</sup>  
از این آیه استفاده می‌شود که زنان مسلمان با رعایت حجاب صحیح شناسایی می‌شوند و مورد آزار و اذیت قرار نخواهند گرفت. این آیه همچنین بر لزوم حجاب کامل دلالت دارد، چنانچه خداوند نمی‌فرماید از جلباب استفاده کنید، بلکه می‌فرماید جلباب‌های خود را بر خویش فرو افکنید. یعنی زنان از پوشش جلباب به شکل صحیح استفاده نمی‌کرده‌اند و بخشی از مو یا بدن آنان نمایان می‌شده است، و طبق این آیه موظف شدند که بدن و موی خود را به نحو کامل بپوشانند. این نکته از آیه ۳۱ سوره نور نیز استفاده می‌شود: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...» و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) ...»<sup>۳</sup>

### پرهیز از آرایش

آرایش کردن از آن رو که مانند برج جلب توجه می‌کند، در قرآن «تبرج» نامیده شده و زنان از آن نهی شده‌اند: «وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى؛<sup>۴</sup> و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید.» نکته جالب توجه این آیه آن است که تبرج به گونه‌ای با جاهلیت مرتبط شده و این نشانگر آن است که خودنمایی رفتاری جاهلانه است. ممکن است دلیل جاهلانه شمرده شدن

این رفتار آن باشد که فرد با جلوه‌گری سعی در مطرح ساختن خود دارد، حال آنکه خودنمایی تنها زمینه را برای سوء استفاده کنندگان فراهم می‌سازد، بدون آنکه نتیجه مطلوبی برای خویش به دنبال داشته باشد. البته خودنمایی از مفهومی وسیع برخوردار بوده و شامل هر رفتار جلب توجه کننده‌ای همچون آرایش چهره و دست‌ها، عطر زدن، پوشیدن کفش و لباس با رنگ یا مدل تحریک برانگیز و امثال آن می‌شود.

### تماس بدنی

به دلیل جنبه تحریک کنندگی تماس بدنی، هرگونه لمس جسمانی نامحرم ممنوع شده است. به عنوان نمونه، به چند روایت در این خصوص اشاره می‌شود. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند:

مَنْ صَافَحَ امْرَأَةً حَرَامًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعْلُولًا - ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ؛<sup>۵</sup>

کسی که با زنی نامحرم دست دهد، در روز قیامت با غل و زنجیر آورده و دستور داده می‌شود که به دوزخ افکنده شود.

در خصوص در آغوش گرفتن نامحرم نیز فرمودند:

مَنْ التَزَّمَ امْرَأَةً حَرَامًا قُرْنَ فِي سِلْسِلَةِ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ - فَيُقَدَّفَانِ فِي النَّارِ؛<sup>۶</sup>

هر کس زن نامحرمی را در آغوش گیرد، به وسیله زنجیری آتشین، با شیطانی قرین گشته و هر دو در آتش فرو می‌افتند.

### روابط دختر و پسر

ارتباط دختر و پسر که موضوعی بسیار سؤال انگیز است، محور مباحث بخش دوم این فصل را تشکیل می‌دهد. از جمله اموری که در این بخش مورد اشاره قرار خواهد گرفت، تعریف، انگیزه‌ها و پیامدهای ارتباط است.

۳. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳.

۴. همان، ج ۷۳، ص ۳۳۴.

۱. همان، آیه ۵۹.

۲. سوره احزاب، آیه ۳۳.



**ارتقای سطح شخصیت اجتماعی:** در برخی جوامع، دوستی با جنس مخالف نشانه رشد یافتگی و منزلت اجتماعی افراد شمرده می‌شود! در اینگونه موقعیت‌ها، حتی ارتباط دوستانه با افراد بیشتر، علامت توانایی و کمال یافتگی اجتماعی فرد محسوب می‌شود!

**انگیزه‌های نوع دوستانه:** در مواردی، فرد به انگیزه خیرخواهی و کمک برای حل مشکلات طرف مقابل، به ارتباط گسترده و مستمر با او می‌پردازد و سعی می‌کند با همدلی و همدردی، گامی در جهت حل مشکلاتش بردارد.

**همسرگزینی:** انگیزه گروه زیادی از افرادی که به برقراری ارتباط با جنس مخالف اقدام می‌کنند، آن است که بتوانند ارزیابی مناسبی از طرف مقابل پیدا کنند و در صورتی که او را مطلوب تشخیص دهند، زمینه ازدواج با او را فراهم سازند. آنان بر این باورند که اینگونه ارتباطات می‌تواند شناخت مستقیمی را در مورد فرد فراهم کند و زمینه را برای ازدواجی مستحکم به وجود آورد.

#### پیامدهای ارتباط

ارتباط با جنس مخالف، دارای پیامدهای منفی و مثبتی است که اینک به اختصار مورد توجه قرار می‌گیرد:

#### پیامدهای مثبت

برخی از محاسنی که می‌توان برای این گونه ارتباطها بر شمرد عبارت است از:

**شناخت ویژگی‌های جنس مخالف:** ارتباط می‌تواند آگاهی فرد را نسبت به جنس مخالف افزایش داده و تا حدودی او را در جریان ویژگی‌ها، افکار، احساسات و رفتارهای جنس مقابل قرار دهد.

تعریف: منظور از روابط دختر و پسر در این جا «ارتباط نسبتاً طولانی و مداوم دو جنس مخالف است که به مقاصدی همچون شناخت یکدیگر برای ازدواج، تامین نیاز عاطفی و غریزی، همکاری، مدد رسانی، کنجکاوی، چشم و هم چشمی و ... برقرار شده و معمولاً با ابراز عواطف همراه است.» بنابراین، چنین روابطی از این ویژگی‌ها برخوردار است:

- معمولاً مستمر و طولانی است.
- با تبادل پیام‌های عاطفی و ابراز احساسات همراه است.
- بیشتر به صورت پنهانی و به دور از چشم خانواده‌ها صورت می‌گیرد.
- اغلب در محیط‌های غیر رسمی چون پارک، سینما و ... برقرار می‌شود.

#### انگیزه‌های ارتباط

چنانچه ذکر شد، ارتباط دختر و پسر با انگیزه‌های متعددی همچون موارد زیر، صورت می‌پذیرد: **نیاز به تأمین محبت:** دختر و پسری که مورد بی‌مهری والدین قرار گیرند، و عواطف و احساسات‌شان در خانواده بدون پاسخ بماند، چه بسا برای تأمین این نیاز، به سمت دوستی با جنس مخالف گام بردارند.<sup>۱</sup>

**کنجکاوی:** برخی از دختران و پسران که شناخت لازم را از جنس مخالف ندارند و مایلند در این زمینه اطلاعاتی به دست آورند، برای تجارب قبلی دیگران وقعی ننهادند و اشتیاق دارند که این شناخت را خود به دست آورند.

**نیاز غریزی به جنس مخالف:** دوران جوانی هنگام شدت گرفتن غریزه جنسی و تمایل به جنس مخالف است. بر این اساس، جوانانی که این نیاز را در خود احساس کرده و توانایی تأمین آن را از راه ازدواج ندارند، به اینگونه روابط رو می‌آورند.

۱. «عوامل و آسیب‌های روابط ناسالم دختر و پسر»، محبوبه جوکار، فصلنامه تخصصی *طهورا*، قم، موسسه آموزش عالی بنت الهدی، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۸۹، صص ۳۳-۶۴.

**شناخت عینی خصوصیات فرد مورد نظر:** از طریق ارتباط می‌توان شناختی مستقیم و بدون واسطه از فرد مورد نظر به دست آورد و به جای استناد به گفته‌های دیگران، می‌توان به مشاهدات عینی و بی‌واسطه خود تکیه کرد.

**تأمین نیاز عاطفی:** از پیامدهای اینگونه روابط تأمین نیازهای عاطفی است. این مسئله به ویژه در مورد افرادی صدق می‌کند که از پشتیبانی عاطفی در خانواده برخوردار نیستند.

#### پیامدهای منفی

اما روابط دوستانه با جنس مخالف دارای پیامدهای منفی زیر نیز می‌باشد:

**رفتار تصنعی:** از آنجا که ارتباط مقدمه‌ای برای شناخت بیشتر و اعتمادسازی به شمار می‌رود، احتمال ابراز رفتارهای غیر اصیل و تصنعی افزایش می‌یابد. مثلاً فرد نقش بازی می‌کند و بیش از آنچه هست ادب و احترام را رعایت می‌کند، رفتارهای سخاوتمندانه از خود نشان می‌دهد و علاقه وافر خود را به طرف مقابل ابراز می‌کند. بر این اساس، شناخت حاصل شده از ارتباط چندان قابل اطمینان نخواهد بود و ممکن است با رفتارهای فریبکارانه آمیخته شود.

**دلبستگی:** پیامد طبیعی ارتباط دو جنس مخالف آن هم به مدت طولانی، ایجاد علاقه، محبت و دلبستگی است. بر این اساس، ارتباط با فردی که قصد شناخت او را داریم، نه تنها زمینه شناخت جدی و همه جانبه را فراهم نمی‌کند، بلکه موجب می‌شود رفتارهای ناپسندی را که به آن یقین داریم، توجیه نماییم. چنانچه در روایت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده: «حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يُعْمِي وَ يُصِمُّ» دوست داشتن یک چیز، تو را کر و کور می‌سازد.»

**اضطراب:** نگرانی‌های متعددی زمینه اضطراب افرادی را که به ارتباط اقدام کرده‌اند، فراهم می‌سازد:

- نگرانی از قطع ارتباط از سوی طرف مقابل؛

- نگرانی از اطلاع یافتن دیگران (والدین، بستگان، آشنایان، رقیبان، مخالفان و...)
- احساس گناه و نافرمانی خداوند؛
- نگرانی از مخالفت‌های احتمالی خانواده‌ها و سر نگرفتن از دواج.

**فقدان تمرکز:** اضطراب و نگرانی‌های فوق به آشفتگی ذهنی و از دست دادن تمرکز افراد منجر می‌شود. این گونه افراد گاه ساعت‌ها کتابی را در مقابل خود می‌گشایند ولی حتی موفق به تمرکز برای فهم یک سطر از آن نمی‌شوند! افت شدید تحصیلی نتیجه مستقیم فقدان تمرکز و اضطراب به شمار می‌رود.

**احتمال سوء استفاده طرف مقابل:** فرض بر آن است که در مواردی نیت واقعی فرد مقابل همچون سایر خصوصیاتش مجهول است و به همین دلیل به برقراری ارتباط با او اقدام می‌شود. در این صورت، احتمال آنکه طرف مقابل از سلامت اخلاقی لازم برخوردار نبوده و قصد سوء استفاده باشد، دور از واقعیت نخواهد بود. دلبستگی به طرف مقابل نیز زمینه سوء استفاده را بیشتر فراهم کرده، موجب آن می‌شود که فرد به لحاظ علاقمندی به طرف مقابل و ترس از دست دادن او، به زعم خود، اعتماد وی را جلب کرده و به خواسته‌های او جامه عمل بپوشاند.

**قطع یک جانبه ارتباط:** پیامد بعدی که معمولاً پس از سوء استفاده رخ می‌دهد، قطع یک جانبه ارتباط از سوی فرد سوء استفاده کننده است. در این شرایط، او به دلیل ترس از پیامدهای اجتماعی افشای روابط، ارتباط خود را با طرف مقابل قطع می‌کند و او را با دنیایی از پشیمانی و حسرت رها می‌کند.

**افسردگی:** بحران روانی و افسردگی از مهم‌ترین پیامدهای قطع یک جانبه ارتباط محسوب می‌شود. فردی که به یک‌باره روابط دوستانه خود را پایان یافته می‌بیند، خود را غرق در انبوهی از مشکلات حل ناشدنی می‌بیند و امید به آینده سعادت‌مندان را از دست می‌دهد. به ویژه آنکه نمی‌تواند موضوع را با خانواده و دیگران در میان نهاده و از آنان برای حل این مشکل مدد جوید.

**بدبینی به جنس مخالف:** قبلاً گفته شد که یکی از ثمرات ارتباط، شناخت جنس مخالف است. اما اگر پایان ارتباط به نقطه‌های ذکر شده ختم شود، نه تنها شناخت دقیقی از جنس مخالف حاصل

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَ طَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ؛<sup>۲</sup>

امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده؛ و (همچنین) طعام اهل کتاب، برای شما حلال است؛ و طعام شما برای آنها حلال؛ و(نیز) زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از اهل کتاب، حلالند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار، و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید.

همچنین در آیه‌ای دیگر زنان را از ارتباط دوستانه با جنس مخالف باز داشته است:

وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَ لَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ؛<sup>۳</sup>

و آنها که توانایی ازدواج با زنان(آزاد) پاکدامن باایمان را ندارند، می‌توانند با زنان پاکدامن از بردگان باایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند-خدا به ایمان شما آگاه‌تر است؛ و همگی اعضای یک پیکرید- آنها را با اجازه صاحبان آنان تزویج نمایید، و مهرشان را به خودشان بدهید؛ به شرط آنکه پاکدامن باشند، نه بطور آشکار مرتکب زنا شوند، و نه دوست پنهانی بگیرند.

از آیه فوق استفاده می‌شود که ارتباط دوستانه با ارتباط نامشروع متفاوت است، و به همین دلیل در عرض آن ذکر شده و مورد نهی خداوند قرار گرفته است.

نمی‌شود، بلکه همواره حس عدم اعتماد و نوعی بدبینی نسبت به آن جنس در فرد شکل می‌گیرد. این بدبینی ازدواج آینده فرد را نیز به مخاطره می‌اندازد.

**کاهش اعتماد:** البته ممکن است این ارتباط به ازدواج بیانجامد. اما حتی در صورت ازدواج، هیچ یک از طرفین به دیگری اعتماد کامل نخواهد داشت و هر یک احتمال ارتباط همسر خود را با دیگران احتمالی دور از واقعیت نمی‌داند. امام علی(علیه‌السلام) می‌فرماید:

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنُّ؛<sup>۱</sup>

آن که خود را در جاهایی که موجب بدگمانی است نهاد، آن را که گمان بد بدو برد سرزنش مکناد.

تزلزل زندگی مشترک: دل بستگی حاصل شده از ارتباط موجب می‌شود که طرفین بر اساس عشق شدید و بدون برخوردارگی از اطلاعات کامل نسبت به یکدیگر، با هم ازدواج کنند. بدیهی است که پس از گذشت مدتی از زندگی مشترک و آن‌گاه که عشق نخستین رو به تعدیل می‌گذارد، معایب هر یک به تدریج آشکار شده و توجه طرف مقابل را به خود جلب می‌کند. این آغاز سرخوردگی و دلسردی است که پایان آن جدایی و یا اختلاف و کشمکش مستمر است.

در مجموع می‌توان گفت هرچند می‌توان منافع و محاسنی جزئی برای ارتباط در نظر گرفت، اما اولاً این منافع سطحی و ناقص است و ثانیاً هزینه به دست آوردن این منافع جزئی بسیار سنگین و غیر قابل جبران است و این هزینه برای دختران به مراتب بیشتر از پسران خواهد بود.

شاید به دلیل پیامدهای نامطلوب این قبیل روابط است که اسلام چنین روابطی را مجاز نمی‌شمارد و از آن نهی کرده است. در قرآن کریم چنین آمده است:

۲. سوره مائده، آیه ۵.

۳. سوره نساء، آیه ۲۵.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹، ص ۳۹۱.

### ❖ خلاصه فصل

۱. مهار و کنترل چشم از دیدنی‌های تحریک کننده نتایج مطلوبی همچون از بین بردن زمینه شهوت، تمرکز فکر و آسودگی خاطر، چشیدن طعم ایمان و ایمنی از هلاکت را به همراه دارد.
۲. به کارگیری محتوای پسندیده، پرهیز از شوخی و فروتنی در گفتگو، و اکتفا به حد ضرورت در صحبت، از شاخص‌های سبک زندگی اسلامی در گفتگو با نامحرم به شمار می‌رود.
۳. حریم گرفتن از نامحرم و پرهیز از خلوت کردن با او، به سلامت حضور در موقعیتی که نامحرم در آن قرار دارد، می‌انجامد.
۴. در موضوع پوشش و آرایش، رعایت پوشش کامل و پرهیز از خودآرایی و خودنمایی، شاخصه سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود.
۵. در تعالیم اسلامی، به دلیل جنبه تحریک‌کنندگی تماس بدنی، هر گونه لمس جسمانی نامحرم، ممنوع شده است.
۶. منظور از ارتباط دختر و پسر، ارتباط نسبتاً طولانی و مداوم دو جنس مخالف است که با اهدافی همچون شناخت یکدیگر برای ازدواج، تامین نیاز عاطفی و غریزی، همکاری، مدد رسانی، کنجکاو، چشم و هم چشمی و ... برقرار می‌شود و معمولاً با ابراز عواطف همراه است.
۷. ارتباط با جنس مخالف می‌تواند تا حدی به شناخت جنس مقابل و خصوصیات فرد مورد نظر منجر شود و نیاز عاطفی را تامین کند.
۸. رفتار تصنعی، دل‌بستگی، اضطراب، تشویش فکر، سوء استفاده طرف مقابل، قطع یک جانبه ارتباط، افسردگی، بدبینی به جنس مخالف، کاهش اعتماد و تزلزل زندگی مشترک از جمله آسیب‌های احتمالی رابطه دختر و پسر شمرده می‌شود.
۹. بر اساس تعالیم اسلامی، روابط دوستانه دختر و پسر روا دانسته نمی‌شود.

#### ❖ پرسش‌ها

۱. توضیح دهید کنترل نگاه چگونه بر تمرکز فکر تأثیر می‌گذارد؟
۲. اسلام چه شاخص‌هایی را برای تأمین سلامت گفتگو با نامحرم در نظر گرفته است؟
۳. ارتباط با جنس مخالف با چه انگیزه‌هایی صورت می‌گیرد؟
۴. از دیدگاه شما مهم‌ترین پیامد منفی رابطه‌ی دوستانه با جنس مخالف چیست؟
۵. آیا می‌توان به قصد شناخت خصوصیات طرف مقابل در زمینه انتخاب همسر، به ایجاد رابطه با وی پرداخت؟
۶. آیا تأمین نیاز عاطفی از طریق ارتباط دوستانه با جنس مخالف را تایید می‌کنید؟ چرا؟

### ❖ مسائلی برای گفتگو و مباحثه

۱. انحرافات جنسی و تجاوز به عنف در جوامعی که به وجود حریم در روابط با جنس مخالف ملتزم‌اند بیشتر است یا در جوامعی که چنین حریمی را قائل نیستند؟ چرا؟
۲. به نظر شما، علل و عوامل اصلی چشم‌چرانی برخی از مردان و خودنمایی پاره‌ای از زنان چیست؟
۳. کسی که تجربه ارتباط دوستانه با غیرهمجنس را نداشته باشد، چگونه می‌تواند به شناخت مناسبی از افکار و احساسات جنس مخالف برای تشکیل زندگی توأم با آرامش دست یابد؟

❖ منابعی برای مطالعه

۱. روابط پسر و دختر، محمدرضا احمدی و همکاران، قم، نشر معارف، ۱۳۸۶.
۲. تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران، علی اصغر احمدی، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳.
۳. جوانان و روابط، ابوالقاسم مقیمی، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
۴. مرزها در روابط پسران و دختران، علی قائمی، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۱.

و آنها که دامان خود را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند؛ تنها آمیزش جنسی با همسران و کنیزانشان دارند، که در بهره‌گیری از آنان ملامت نمی‌شوند؛ و کسانی که غیر از این طریق را طلب کنند، تجاوزگرند!

## فصل چهارم

### سبک زندگی اسلامی در مهار فریزه جنسی

براین اساس، خداوند بر امر مهم ازدواج تاکید کرده و آن را موجب آرامش دانسته است:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛<sup>۳</sup>

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!

و افراد جامعه اسلامی را به زمینه‌سازی ازدواج دختران و پسران فراخوانده است:

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛<sup>۴</sup>

مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!

اما از آنجا که به دلایل مختلف، امکان ازدواج برای همه جوانان از ابتدای بیدار شدن غریزه جنسی میسر نیست، کسانی را که توانایی یا امکان ازدواج ندارند به عفت‌ورزی تا زمان ازدواج توصیه کرده است:

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ...؛<sup>۵</sup>

## مقدمه

هر استعداد و نیرویی که از سوی خداوند در وجود انسان خلق شده برای رشد و شکوفایی او بوده است و اگر بر اساس معیارهای عقلانی و درست، از این استعدادها بهره‌برداری شود، کمال و بالندگی انسان را در پی خواهد داشت. توانایی جنسی و نیروی شهوانی، از استعدادهایی است که می‌تواند تشکیل کانون خانواده و ادامه نسل انسان را پی‌ریزی کند و لذتی ارزشمند از این راه نصیب انسان سازد. اما اگر این استعداد و توانایی در مسیری انحرافی و خارج از چارچوب عقل و نقل قرار گیرد، انسان را از ارزش‌های انسانی دور می‌کند و در دام بیماری‌های جنسی گرفتار می‌سازد.<sup>۱</sup> از دیدگاه اسلام، ارضای صحیح نیاز جنسی تنها از راه ازدواج مشروعیت می‌یابد و تأمین این نیاز از مسیرهای دیگر، نوعی تعدی و تجاوز از حقوق خود به شمار می‌آید. خداوند متعال در توصیف مؤمنان می‌فرماید:

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ  
فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ؛<sup>۲</sup>

۳. سوره روم، آیه ۲۱.

۴. سوره نور، آیه ۳۲.

۵. سوره نور، آیه ۳۳.

۱. با دخترم (ویژه والدین و مربیان دختران نوجوان)، علی احمد پناهی و داوود حسینی، ص ۲۵۹.

۲. سوره مومنون، آیات ۵-۷؛ سوره معارج، آیات ۲۹-۳۱.



### مناسک عبادی

برنامه‌های عبادی ممکن است برای برخی از جوانان به ویژه در زمان غلبه گرایش‌های جنسی دشوار به نظر رسد، اما انجام آنها به رغم کراهت باطنی، تاثیر فراوانی در مهار شهوت دارد. به عنوان نمونه، امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ ... فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَيَحْمَدُ اللَّهَ كَثِيرًا وَيُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ ثُمَّ لِيَسْأَلَ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنَّهُ يُبِيحُ لَهُ بِرَأْفَتِهِ مَا يُغْنِيهِ؛<sup>۳</sup>

هر گاه یکی از شما زنی را دید که او را (به لحاظ زیبایی) شگفت زده کرد، ... دو رکعت نماز بخواند و خدا را زیاد ستایش کند و بر پیامبر و آلش درود فرستد، آنگاه خدا را از فضلش مورد درخواست قرار دهد، چرا که خداوند با مهربانی خود به او چیزی می‌دهد که بی‌نیازش سازد.

علاوه بر نماز، روزه نیز عاملی مؤثر در جلوگیری از طغیان شهوت شمرده شده است. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این خصوص می‌فرماید:

يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْكُمُ الْبَاءَ فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّهُ أَغْضُ لِلْبَصْرِ وَأَحْصَنُ لِلْفَرْجِ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيُذِمِّنِ الصَّوْمَ فَإِنَّ الصَّوْمَ لَهُ وَجَاءٌ؛<sup>۴</sup>

ای جوانان، هر که قدرت بر ازدواج دارد ازدواج کند، که چشم را باحیا و دامن را پاک نگه می‌دارد؛ و هر کس قدرت ندارد، بسیار روزه بگیرد که از نیروی جنسی می‌کاهد.

و نیز فرمودند:

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنْ ابْنِ آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَضَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ؛<sup>۵</sup>

۳. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۰۵.

۴. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، ج ۱، ص ۳۷۵.

۵. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۴۲.

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند ...

پرسش مهم آن است که حفظ عفت و پاکدامنی تا زمان ازدواج از چه راهی میسر است؟ و با چه روش‌هایی می‌توان غریزه جنسی را مهار کرد؟ در منابع اسلامی روش‌های متعددی برای مهار غریزه جنسی ارائه شده که در این فصل، برخی از مهم‌ترین روش‌های مذکور مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### روش‌های مهار غریزه جنسی

#### روش تحمیل به نفس

هنگامی که علیرغم گریز و کراهت باطن، اعضا و جوارح به انجام عملی وادار گردند، روش تحمیل به نفس مورد استفاده قرار گرفته است. طبق این روش، باطن ریمیده و بی‌رغبت را می‌توان با حرکات اندام به بند کشید و آن را رام گرداند.<sup>۱</sup> کاربرد این روش در مهار غریزه جنسی آن است که فرد به رغم میل جنسی، اعضا و جوارح خود را نسبت به جاذبه‌های شهوانی مهار کرده و بدین ترتیب گرایش‌های باطنی خود را به اینگونه امور، تحت اختیار می‌گیرد. امام علی (علیه‌السلام) در تبیین کارکرد این روش می‌فرماید:

الشهوة داءٌ وعصيانها دواءٌ؛<sup>۲</sup> خواهش‌های انحرافی نفس، بیماری است و درمانش، مقابله و مخالفت با آنها است.

انجام رفتارهای زیر به عنوان مصداقی از این روش در راستای مهار تمایلات شهوانی محسوب می‌شود:

۱. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، ص ۷۰.

۲. تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، علینقی فقیهی، ص ۴۰۰.

**شیطان مانند خون در رگ‌های آدم در جریان است، پس با گرسنگی راه‌های آن را ببندید.**  
**پرهیز از شنیدن موسیقی‌های تحریک کننده**

موسیقی تأثیرات شوم زیادی برای انسان دارد که از جمله آنها، ایجاد عدم تعادل و توازن بین اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک، مرض پارانویا، ضعف اعصاب، هیجان کاذب، از دست دادن نیروی فکری، تهییج عشق و عامل فحش‌آلودن و زمینه بی‌عفتی را می‌توان نام برد.<sup>۱</sup> شاید به همین جهت است که در حدیث، غنا زمینه ساز انحراف جنسی به شمار آمده است: «الْغِنَاءُ رُفِيَةُ الزَّوْنِ»<sup>۲</sup> بنابراین، به رغم میل باطنی به شنیدن غنا و موسیقی‌های تحریک کننده، لازم است از آن خودداری شود تا زمینه تحریک جنسی به وجود نیاید.

#### پرهیز از غذاهای محرک

پاره ای از غذاها محرک غریزه جنسی‌اند، و برای آنکه بتوان از طغیان شهوت پیشگیری کرد، لازم است که با وجود میل به آنها، از خوردن آنها اجتناب شود. در روایات معصومین (علیهم‌السلام) خوردن گوشت به همراه تخم مرغ، خرما، پیاز، پیاز به همراه تخم مرغ، انار و ... تحریک کننده میل جنسی شمرده شده‌اند.<sup>۳</sup>

#### رعایت سبک زندگی اسلامی در نگاه و گفتگو با نامحرم

رعایت آداب اسلامی در نگاه و گفتگو با نامحرم نیز از جمله راهکارهای مبتنی بر این روش تربیتی است که در فصل پیشین به تفصیل مورد توجه قرار گرفت.

#### روش تذکر (یادآوری)

انسان در اثر افزایش اشتغالات ذهنی و رفتاری، دچار غفلت شده و آنچه را که زمانی می‌دانسته است، فراموش می‌کند. از این رو، برای هموار ساختن مسیر تربیت انسان، باید با یادآوری اموری که

بیشتر آنها را می‌دانسته، از او غفلت‌زدایی شود. هر گاه برای تربیت انسان، با یادآوری اموری مهم و تاثیرگذار، از او غفلت‌زدایی شود، روش «تذکر» مورد استفاده قرار گرفته است. خداوند در خصوص اهمیت و نقش این روش در مقابله با وساوس شیطان می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ؛<sup>۴</sup>

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسه‌های شیطان شوند، به یاد (خدا و پاداش و کیفر او) می‌افتند؛ و (در پرتو یاد او، راه حق را می‌بینند و) ناگهان بینا می‌گردند.

یادآوری برخی امور زمینه‌مه‌ار شهوت و کنترل غریزه جنسی را فراهم می‌سازد که در اینجا به آنها اشاره می‌شود:

#### یاد خدا

در منابع اسلامی، یاد خدا از جمله مهم‌ترین اموری است که پیشگیری از انحرافات جنسی را به دنبال دارد. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید:

وَقَلْعُ غُرُوقِ مَنَابِتِ الشَّهَوَاتِ بِدَوَامِ الذِّكْرِ لِلَّهِ وَ لُزُومِ الطَّاعَةِ لَهُ؛<sup>۵</sup>

و کندن ریشه‌های شهوات به وسیله تداوم یاد خدا و ملزم بودن به اطاعت او میسر خواهد شد.

در روایتی رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از خداوند متعال چنین نقل می‌کند:

إِذَا عَلِمْتُ أَنَّ الْعَالِبَ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ بِي نَقَلْتُ شَهْوَتَهُ فِي مَسْأَلَتِي وَمُنَاجَاتِي؛<sup>۶</sup>

هر گاه بدانم که بنده‌ام بیشتر اوقات خود را مشغول من ساخته است، شهوت او را در جهت درخواست از من و مناجات با خودم تبدیل می‌کنم.

از این رو، امام سجاد (علیه‌السلام) این امر را از خدا درخواست می‌کنند:

۴. سوره اعراف، آیه ۲۰۱.

۵. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۹۶.

۶. التحصین فی صفات العارفين، ابن فهد حلی، ص ۲۶.

۱. مبانی فقهی، روانی موسیقی، محمد تقی جعفری، ص ۳۴.

۲. جامع الاخبار، محمد بن محمد الشعیری، ص ۱۵۴.

۳. تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، ص ۱۶۶.

فَاكْتُرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ عِنْدَ مَا تَتَّزِعُكُمْ أَنْفُسُكُمْ إِلَيْهِ مِنَ الشَّهَوَاتِ - فَكَفَى بِالْمَوْتِ وَاِعْظَاءً وَ  
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص كَثِيراً مَا يُوصِي أَصْحَابَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ فَيَقُولُ أَكْتُرُوا ذِكْرَ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ  
هَادِمُ اللَّذَاتِ حَائِلٌ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الشَّهَوَاتِ؛<sup>۴</sup>

پس به هنگامی که نفستان شما را بسوی شهوات می‌کشاند بسیار یاد مرگ کنید، و مرگ  
برای اندرزگویی کافی است و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فراوان یاران خود را به یادآوری  
مرگ سفارش می‌نمود و می‌فرمود: بسیار یاد مرگ کنید که مرگ شکننده لذت‌ها، و  
فاصله‌ای میان شما و شهوت‌ها است.

البته زیارت قبرستان‌ها، مطالعه کتاب‌هایی همچون نهج البلاغه که در آن به ناپایداری دنیا و  
نزدیکی مرگ توجه داده شده، از مواردی است که یاد مرگ را در انسان تقویت می‌کند و در نتیجه  
موجب کنترل شهوت می‌شود.

#### یاد معاد

در قرآن کریم به عذاب مضاعف، جاودانه و خوارکننده برای زناکار اشاره شده است:  
وَ الَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا  
يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَاماً يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَخْلُدُ فِيهِ مُهَاناً؛<sup>۵</sup>  
و کسانی که معبود دیگری را با خداوند نمی‌خوانند؛ و انسانی را که خداوند خونس را  
حرام شمرده، جز بحق نمی‌کشند؛ و زنا نمی‌کنند؛ و هر کس چنین کند، مجازات سختی  
خواهد دید! عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و همیشه با خواری در آن خواهد ماند!  
با توجه به تأثیر یادآوری پیامدهای سخت آلودگی‌های جنسی در قیامت، پیامبر  
اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «من خاف النارَ تَرَكَ الشَّهَوَاتِ؛<sup>۶</sup> کسی که از آتش بترسد، شهوات را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ اشْتَغَلُوا بِالذِّكْرِ عَنِ الشَّهَوَاتِ؛<sup>۱</sup>  
بارالها! بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از جمله افرادی قرار ده که با یاد تو از  
شهوت‌ها روی گردانده‌اند.

#### یاد نعمت‌های الهی

علاوه بر یاد خدا، یاد نعمت‌های او نیز در پیشگیری از ابتلا به مفساد اخلاقی مؤثر است. آنگاه  
که زلیخا قصد کام جویی از یوسف (علیه‌السلام) را داشت، درها را بست و به یوسف گفت: بشتاب! اما  
یوسف گفت: «مَعَادَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»؛<sup>۲</sup> پناه بر خدا! او پروردگار من  
است و جایگاه مرا گرامی داشته است.» بنابراین، یادآوری موهبت‌های وسیع خداوند، مانند آنکه او  
را از چاه نجات داد و به قصر عزیز مصر رساند، یکی از دلایلی بود که موجب شد یوسف از آن  
ابتلای خطرناک سربلند بیرون آید.

#### یاد مرگ

یادآوری مرگ و ورود به عالم دیگر نیز از جمله مواردی است که مانع از طغیان شهوت می‌شود.  
از این رو، خداوند متعال به حضرت موسی (علیه‌السلام) فرمود:  
يَا مُوسَى ضِعَ الْكِبْرَ وَ دَعِ الْفَخْرَ وَ اذْكُرْ أَنَّكَ سَاكِنُ الْقَبْرِ فَلْيَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الشَّهَوَاتِ؛<sup>۳</sup>  
ای موسی کبر و فخر را فرو نه و به یاد آر که ساکن در قبری، پس این امور باید مانع تو  
از شهوات گردد.  
و به همین دلیل امام علی (علیه‌السلام) چنین سفارش می‌کنند:

۱. بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۲۷.

۲. سوره یوسف، آیه ۲۳.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۴۶.

۴. امالی، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی، ترجمه حسین استاد ولی، ص ۲۶۴.

۵. سوره فرقان، آیات ۶۸ و ۶۹.

۶. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۹۶.

را ترک می‌کند.» پس یادآوری قیامت و موقف‌های دشوار آن نیز عاملی برای مهار شهوت به شمار می‌رود.

### روش تغییر موقعیت

از آنجا که شرایط مختلف زمانی، مکانی و اجتماعی، مبدأ تأثیرگذاری‌های متفاوتی بر انسان است، برای ایجاد حالات مطلوب در وی لازم است روابط او با شرایط مزبور را دچار تغییر سازیم.<sup>۱</sup> در «روش تغییر موقعیت» برآنیم تا به منظور ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، روابط او را با موقعیت‌های زمانی، مکانی و اجتماعی دستخوش تغییر سازیم. از این روش می‌توان در موارد ذیل برای پیشگیری از انحرافات جنسی مدد جست:

### ترک مجلس گناه

حضور در مجلس گناه مانع ایجاد تغییرات پسندیده در انسان و باعث انحطاط وی در زمینه‌های گوناگون اخلاقی می‌شود. آمیزش با گناهکاران و حضور در مجلس معصیت، در دل افراد اثر گذاشته، گناه را در نظر آنان بی‌اهمیت جلوه می‌دهد و در نتیجه خطر ارتکاب معصیت را برای انسان افزایش می‌دهد. بر این اساس، برای اینکه تغییرات مطلوب در انسان به وجود آید، و زمینه بروز سقوط اخلاقی از بین رود، لازم است آن مجلس ترک شود، مگر آنکه مجلس مذکور از فضای گناه فاصله گیرد. باقی ماندن در جمع گناهکاران موجب می‌شود که فرد در جرگه منافقان قرار گرفته و در جهنم همنشین کافران گردد.<sup>۲</sup> خداوند متعال می‌فرماید:

وَقَدْ نَزَلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا<sup>۳</sup>

و خداوند (این حکم را) در قرآن بر شما نازل کرده که هر گاه بشنوید افرادی آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، با آنها ننشینید تا به سخن دیگری پردازند! و گر نه، شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ جمع می‌کند.

وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ<sup>۴</sup>

هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری پردازند! و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستمگر منشین.

### اجتناب از خلوت گزینی با نامحرم

اجتناب از خلوت کردن با نامحرم که زمینه‌ساز انحراف اخلاقی است، در سیره اولیای الهی مشاهده می‌شود. حضرت یوسف (علیه‌السلام) هنگامی که خود را در توطئه زلیخا گرفتار دید، به سرعت فرار را بر قرار ترجیح داد و محیط گناه آلود را ترک کرد: «... و استبقا الباب؛ و هر دو به سوی در، دویدند.»<sup>۵</sup> خلوت کردن با نامحرم آنقدر زمینه‌ساز گناه است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سومین سومین آنها را شیطان دانسته‌اند:

لَا يَخْلُونَ رَجُلًا بِامْرَأَةٍ فَمَا مِنْ رَجُلٍ خَلَا بِامْرَأَةٍ إِلَّا كَانَ الشَّيْطَانُ ثَالِثَهُمَا<sup>۶</sup>

هیچ مردی با زن نامحرم خلوت نکرد مگر آن که سومین آنها شیطان بود.

۱. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، ص ۹۹.

۲. روش تربیتی تغییر موقعیت در قرآن کریم، طاهره سادات اناری، ص ۶۱.

۳. سوره نساء، آیه ۱۴۰.

۴. سوره انعام، آیه ۶۸.

۵. سوره یوسف، آیه ۲۵.

۶. دعائم الاسلام، نعمان بن محمد تیمی مغربی، ج ۲، ص ۲۱۴.

#### اتخاذ موقعیت مناسب

گاه حضور در برخی موقعیت‌های نامناسب می‌تواند زمینه تحریک شهوت را فراهم سازد. بر این اساس، اتخاذ موقعیت مناسب می‌تواند زمینه اینگونه تحریکات را از بین ببرد. به عنوان نمونه، امیرالمؤمنین(علیه‌السلام) در سخنی عتاب‌آلود خطاب به اهل عراق فرمودند:

يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ نُبِّئْتُ أَنَّ نِسَاءَكُمْ يُدَافِعْنَ الرِّجَالَ فِي الطَّرِيقِ أَمَا تَسْتَحُونُ؟<sup>۱</sup>

ای اهل عراق شنیده‌ام زن‌های شما در کوچه‌ها و خیابان‌ها و راه‌ها با مردان برخورد می‌کنند و بدن‌های آنها با هم تماس دارند آیا از این گونه اعمال شرم ندارید!

در قرآن کریم نیز در داستان برخورد حضرت موسی(علیه‌السلام) با دختران حضرت شعیب(علیه‌السلام) به این مطلب اشاره شده است که دختران آن حضرت برای آب دادن گوسفندان خود به جهت حفظ عفاف و برای اینکه با مردان اختلاط پیدا نکنند، با فاصله از آنها ایستاده بودند:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ»<sup>۲</sup>

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا دید که چهارپایان خود را سیراب می‌کنند و در کنار آنان دو زن را دید که مراقب گوسفندان خویشند (و به چاه نزدیک نمی‌شوند موسی) به آن دو گفت: کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟! گفتند: ما آنها را آب نمی‌دهیم تا چوپان‌ها همگی خارج شوند و پدر ما پیر مرد کهنسالی است (و قادر بر این کارها نیست).»

اهمیت اتخاذ موقعیت مناسب در ادامه این داستان نیز به چشم می‌خورد، آنجا که پس از دعوت موسی(علیه‌السلام) به منزل شعیب، دختر حضرت شعیب از پیش حرکت کرد، اما موسی(علیه‌السلام) از او خواست که از پشت او حرکت کرده و مسیر را در همان حال تعیین نماید.<sup>۳</sup>

از آنچه بیان شد، روشن می‌شود که انتخاب مسیر صحیح رفت و آمد در دانشگاه، جایگاه مناسب نشستن در کلاس درس، و ... می‌تواند نقش مؤثری در مهار غریزه جنسی ایفا نماید.

#### روش دعا

دعا و درخواست از خداوند راه مؤثر دیگری است که به کمک آن می‌توان غریزه سرکش جنسی را مهار کرد. هر یک از انواع دعا‌های زیر برای این منظور می‌تواند مفید واقع شود:

#### دعا برای درخواست همسر

از آنجا که نیاز جنسی انسان به صورت صحیح با ازدواج تامین می‌گردد، هنگام آمادگی برای ازدواج و میسر شدن شرایط آن، درخواست همسر شایسته از خداوند می‌تواند زمینه تامین این نیاز را فراهم آورد.

#### دعا برای حفظ پاکدامنی

آنجا که امکان ازدواج فراهم نیست، باید عفت و ورزید و تا زمان فراهم شدن موقعیت ازدواج، پاکدامنی پیشه ساخت. اما یکی از مهم‌ترین اموری که می‌تواند به پاکدامنی منجر شود، درخواست آن از خداوند متعال است. از این رو اولیای الهی آن را از جمله خواسته‌های خود از خدا مطرح کرده‌اند. امیر مؤمنان(علیه‌السلام) از خدای متعال چنین می‌خواهد:

اللَّهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَأَعْفُهُ وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي وَحَرِّمْنِي عَلَى النَّارِ؛<sup>۴</sup>

بار خدایا دامن عفت مرا حفظ فرما (از ارتکاب محرمات و زنا) و آن را عقیف‌دار، و عورت مرا بپوشان، و بدنم را بر آتش حرام گردان.

امام صادق(علیه‌السلام) نیز مهار چشم و حفظ پاکدامنی را اینگونه از خدا درخواست کردند:

اللهم ... وَ تَرَزُّقِي أَنْ أَعْصَبَ بَصْرِي وَأَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي؛<sup>۱</sup>

۳. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۱، ص ۱۵۱.

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۶۸.

۱. مشکاة الانوار، علی بن حسن طبرسی، ترجمه عزیز الله عطاردی، ص ۲۲۱.

۲. سوره قصص، آیه ۲۳.

۳. خواست که از پشت او حرکت کرده و مسیر را در همان حال تعیین نماید.

پروردگارا... و فرو بستن چشم (از محرمت) و پاکدامنی را روزیم فرما.

### روش استعاذه

هنگامی که خطر از هر سو انسان را تهدید می‌کند و شیطان همه تلاش خود را برای به انحراف کشیدن او به کار بسته است، راهی که می‌تواند او را از دام شیطان نجات دهد، پناه دادن خود به رحمت بیکران خداوند است. این روش، «استعاذه» نام داشته و به کمک آن می‌توان در سخت‌ترین موقعیت‌ها، خود را از چنگال گرایش‌های درونی نفسانی و جلوه‌های بیرونی شیطانی رهانید. خداوند متعال در مورد این روش مؤثر می‌فرماید:

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛<sup>۲</sup>

و هر گاه وسوسه‌هایی از شیطان متوجه تو گردد، از خدا پناه بخواه که او شنوده و داناست. امام علی (علیه‌السلام) نیز یکی از نشانه‌های متقین را پناه بردن به خدا از پیروی شهوات و شیطان رانده شده دانسته‌اند:

وَ مِنْ عَلَامَاتِ أَحَدِهِمْ... اعْتِصَامٌ بِاللَّهِ مِنْ مُتَابَعَةِ الشَّهَوَاتِ - وَ اسْتِعَاذَةٌ بِهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ».<sup>۳</sup>

قرآن کریم به دو مورد از کاربرد این روش در پیشگیری از انحرافات جنسی اشاره می‌کند. نخستین مورد مربوط به حضرت یوسف (علیه‌السلام) است. وی آنگاه که در دام همسر عزیز مصر گرفتار شد و همه درها را به روی خویش بسته دید، خود را در پناه خداوند قرار داد و به این وسیله خود را نجات بخشید:

وَ رَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتْ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَنَآئِي إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ؛<sup>۴</sup>

و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: «بیا (بسوی آنچه برای تو مهیاست!)» (یوسف) گفت: «پناه می‌برم به خدا! او [عزیز مصر] صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ (آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟!؟) مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند!

آن هنگام نیز که مریم سلام الله علیها گوشه مسجد را برای عبادت برگزید، فرشته وحی در شکل انسانی راست قامت در خلوتگاه او ظاهر شد. مریم که راه را برای فرار بسته می‌دید، تنها راه را استعاذه به خداوند دانست:

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا؛<sup>۵</sup>

و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد). در این هنگام، ما روح خود را بسوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد! (سخت ترسید و) گفت: «من از شر تو، به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری».

از این دو جریان استفاده می‌شود که در سخت‌ترین موقعیت‌ها، استمداد از خداوند و پناه بردن به او می‌تواند یاری او را جلب نماید و خطر انحراف را مرتفع سازد. البته لازم به ذکر است که منظور از استعاذه، استعاذه زبانی صرف نیست؛ بلکه فرد باید از صمیم قلب خود را به پناه حق درآورد و آن را با رفتار نیز اثبات کند. چنانچه حضرت یوسف (علیه‌السلام) پس از استعاذه به سوی در دوید.<sup>۶</sup>

۴. سوره یوسف، آیه ۲۳.

۵. سوره مریم، آیات ۱۷ و ۱۸.

۶. سوره یوسف، آیه ۲۴.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۷۴.

۲. سوره فصلت، آیه ۳۶.

۳. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۵.

## روش تقویت بینش

برخورداری از اطلاعات عمیق و گسترده می‌تواند زمینه را برای بروز رفتارهای مطلوب و پسندیده فراهم سازد. بر اساس این روش، تقویت آگاهی‌های فرد در ابعاد مختلفی که در پی می‌آید، مانع بروز رفتارهای ناشایست در زمینه‌های غریزی می‌گردد. به دلیل این تاثیرگذاری است که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْبَصَرَ النَّافِذَ عِنْدَ مَجِيءِ الشَّهَوَاتِ؛<sup>۱</sup>

خداوند چشم تیزبین را هنگام یورش آوردن شهوات دوست دارد.

### باور به حضور در محضر خداوند

شخصی به امام جواد (علیه‌السلام) عرض کرد: به من توصیه‌ای کنید. حضرت پرسیدند: آیا می‌پذیری؟ عرض کرد: بله. فرمودند:

وَ ارْقُصِ الشَّهَوَاتِ وَ خَالَفِ الْهَوَى وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ؛<sup>۲</sup>  
و شهوات را رها کن. و مخالفت با هوای نفس نما و بدان که تو از دید خدا مخفی نیستی، دقت کن چگونه باید باشی.

همین باور به شهادت خداوند بود که موجب شد حضرت یوسف (علیه‌السلام) از دام زلیخا بگریزد.

امام صادق (علیه‌السلام) در این خصوص می‌فرماید:

لَمَّا هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا قَامَتْ إِلَى صَنْمٍ فِي بَيْتِهَا - فَالْقَتْ عَلَيْهِ الْمَلَاءَةَ لَهَا - فَقَالَ لَهَا يُوسُفُ مَا تَعْمَلِينَ قَالَتْ أَلْقَيْ عَلَى هَذَا الصَّنَمِ ثَوْبًا لَا يَرَانَا - فَأَنِّي أَسْتَحْيِي مِنْهُ، فَقَالَ يُوسُفُ فَأَنْتِ تَسْتَحْيِينَ مِنْ صَنْمٍ لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ - وَلَا أَسْتَحْيِي أَنَا مِنْ رَبِّي - فَوْتَبَّ وَ عَدَا وَ عَدَتْ مِنْ خَلْفِهِ؛<sup>۳</sup>

وقتی که زلیخا قصد یوسف نمود، برخاست و پارچه‌ای بر روی بت خویش افکند و گفت: من از این بت شرم دارم و نمی‌خواهم او ما را در این حال ببیند، در این وقت یوسف گفت: تو از بتی که نمی‌بیند و نمی‌شنود حیا می‌کنی، چگونه من از پروردگارم شرم نکنم؟ پس برخاست تا درها را بگشاید و از آنجا بگریزد».

### آگاهی در مورد پیامدهای شهوت رانی

دنباله روی شهوات اگرچه لذت و شیرینی کوتاه مدتی را به دنبال دارد، اما پیامدهای رنج‌آور بلند مدتش، آن شیرینی را به تلخکامی تبدیل می‌کند. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ وَ بَقَاءَ التَّبَعَاتِ»<sup>۴</sup>

در منابع اسلامی، این پیامدها برای گرایش به شهوات مطرح شده است:

#### • افزایش تصاعدی گناهان:

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مِنْ مُطَاوَعَةِ الشَّهْوَةِ تُضَاعَفُ الْآثَامُ»<sup>۵</sup> پیروی شهوت موجب چند برابر شدن گناهان می‌شود.

#### • فساد دین:

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «طَاعَةُ الشَّهْوَةِ تُفْسِدُ الدِّينَ»<sup>۶</sup> اطاعت کردن از شهوت، دین فرد را تباه تباه می‌کند.

#### • دوری از خداوند:

امام کاظم (علیه‌السلام) خطاب به هشام، از شاگردان برجسته خود، می‌فرماید: يَا هِشَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ دَاوُدَ حَدْرًا وَ أَنْذَرُ أَصْحَابَكَ عَنْ حُبِّ الشَّهَوَاتِ فَإِنَّ الْمُعَلَّقَةَ قُلُوبُهُمْ بِشَهَوَاتِ الدُّنْيَا قُلُوبُهُمْ مَحْجُوبَةٌ عَنِّي؛<sup>۷</sup>

۴. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۶۴.

۵. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۰۴.

۶. همان، ص ۳۰۴.

۱. بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۶۹.

۲. همان، ج ۷۵، ص ۳۵۸.

۳. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۲.

ای هشام! خداوند به داود وحی کرد که یاران خود را از دوستی شهوت‌ها بر حذر دار. زیرا دل کسانی که به شهوات دنیا پیوسته است، از من پوشیده است.»

• **هلاکت:**

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «طَاعَةُ الشَّهْوَةِ هُلُكٌ وَ مَعْصِيَتُهَا مُلْكٌ؛<sup>۲</sup> تبعیت کردن از شهوت، هلاکت و مخالفت ورزیدن با آن پادشاهی است.»

**مهاری فکر و خیال**

همان‌طور که حواس ظاهر، نقش مهمی در تحریک میل جنسی دارند، حس باطن (یعنی فکر و خیال‌پردازی) نیز سهم به‌سزایی در این زمینه دارد.<sup>۳</sup> بنابراین، کنترل فکر و خیال از پرداختن به امور شهوانی، عاملی مؤثر در پیشگیری از بروز انحرافات جنسی به‌شمار می‌رود. به همین دلیل، امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

صِيَامُ الْقَلْبِ عَنِ الْفِكْرِ فِي الْأَتَامِ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ الْبَطْنِ عَنِ الطَّعَامِ؛<sup>۴</sup>  
روزه دل از تفکر در گناهان، بهتر از امساک شکم از غذاست.

همچنین امام صادق (علیه السلام) از حضرت مسیح (علیه السلام) روایت کرده است که می‌فرمود:

إِنَّ مُوسَى أَمَرَكُمْ أَنْ لَا تَزْنُوا وَ أَنَا أَمَرُكُمْ أَنْ لَا تُحَدِّثُوا أَنْفُسَكُمْ بِالزَّانَا فَضَلًّا عَنْ أَنْ تَزْنُوا  
فَإِنَّ مَنْ حَدَّثَ نَفْسَهُ بِالزَّانَا كَانَ كَمَنْ أَوْقَدَ فِي بَيْتِ مُرُوقٍ فَأَفْسَدَ التَّرَاوِيْقَ الدُّخَانَ وَ إِنْ لَمْ  
يَحْتَرِقِ الْبَيْتُ؛<sup>۵</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. همان.

۳. تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، ص ۱۶۷.

۴. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۷۶.

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۱۹.

موسی بن عمران به شما امر کرد که زنا نکنید و من به شما امر می‌کنم که فکر زنا را در خاطر نیاورید چه رسد به عمل زنا. زیرا آنکه فکر زنا کند، مانند کسی است که در عمارت زیبا و مزینی آتش روشن کند. دودهای تیره آتش، زیبایی‌های عمارت را خراب می‌کند اگر چه عمارت آتش نگیرد.

یعنی فکر گناه خواه ناخواه در قلب مردم تیرگی ایجاد می‌کند و به صفا و پاکی دل آنها ضربه می‌زند و لو عملاً مرتکب آن گناه نشوند. از آنجا که ادراکات حواس ظاهری انسان، مواد خام قوه خیال را شکل می‌دهند، برای کنترل قوه خیال می‌باید مجاری حواس ظاهر را تحت کنترل درآورد.



۱۰. به کمک روش «استعاذه» می‌توان در سخت‌ترین موقعیت‌ها، خود را از چنگال گرایش‌های درونی نفسانی و جلوه‌های بیرونی شیطنانی رهانید.
۱۱. بر اساس روش تقویت بینش، تقویت آگاهی‌های فرد در ابعاد مختلفی که در پی می‌آید، مانع بروز رفتارهای ناشایست در زمینه‌های غریزی می‌گردد.
۱۲. باور به حضور در محضر خداوند، آگاهی در مورد پیامدهای شهوترانی و کنترل فکر و خیال، موجب مهارت‌های جنسی می‌شود.

## ❖ خلاصه فصل

۱. توانایی جنسی و نیروی شهوانی، از استعدادهایی است که می‌تواند تشکیل کانون خانواده و ادامه نسل انسان را پی ریزی کند و لذتی ارزشمند از این راه نصیب انسان سازد.
۲. از دیدگاه اسلام، ارضای صحیح نیاز جنسی تنها از راه ازدواج مشروعیت می‌یابد و تأمین این نیاز از مسیرهای دیگر نوعی تعدی و تجاوز از حقوق خود به شمار می‌آید.
۳. کاربرد روش تحمیل به نفس برای مهارت‌های جنسی چنین است که فرد به رغم میل جنسی، اعضا و جوارح خود را نسبت به جاذبه‌های شهوانی مهار کرده و بدین ترتیب گرایش‌های باطنی خود را به اینگونه امور، تحت اختیار می‌گیرد.
۴. انجام مناسک عبادی مثل نماز و روزه، پرهیز از شنیدن موسیقی‌های محرک، مصرف غذاهای تحریک‌کننده و مراعات سبک زندگی اسلامی در نگاه و گفتگو با نامحرم از مصادیق روش تحمیل به نفس به شمار می‌رود.
۵. چون انسان دچار غفلت و فراموشی می‌شود، برای هموار ساختن مسیر تربیت او، باید با یادآوری اموری که پیش‌تر آنها را می‌دانسته، از او غفلت زدایی شود.
۶. یاد خدا و نعمت‌های او، یاد مرگ و یاد معاد که نمونه‌هایی از روش ذکر به شمار می‌روند، در مهارت‌های جنسی مؤثرند.
۷. در «روش تغییر موقعیت» بر آنیم تا به منظور ایجاد حالات و رفتارهای مطلوب در انسان، روابط او را با موقعیت‌های زمانی، مکانی و اجتماعی دستخوش تغییر سازیم.
۸. ترک مجلس‌گناه، اجتناب از خلوت‌گزینی با نامحرم و اتخاذ موقعیت مناسب از مصادیق روش تغییر موقعیت در کنارگیری از آلودگی‌های جنسی محسوب می‌شوند.
۹. درخواست همسر شایسته و درخواست حفظ عفت، از جمله نمونه‌های روش دعا برای حفظ پاکدامنی است.

### ❖ پرسش‌ها

۱. روش تحمیل به نفس چیست و چگونه در مهار غریزه جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ دو نمونه از مصادیق این روش را بیان کنید.
۲. یادآوری چه اموری در جهت مهار نیروی جنسی تاثیرگذار است؟
۳. حفظ عفت و پاکدامنی با استفاده از روش تغییر موقعیت چگونه میسر می‌شود؟
۴. در هنگام فشار نیروی جنسی از درون و بیرون، چه راهی مورد استفاده اولیای الهی قرار گرفته است و از چگونه خطر مذکور را بر طرف کرده‌اند؟ توضیح دهید.
۵. «وقتی که زلیخا قصد یوسف نمود، برخاست و پارچه‌ای بر روی بت خویش افکند و گفت: من از این بت شرم دارم و نمی‌خواهم او ما را در این حال ببیند، در این وقت یوسف گفت: تو از بتی که نمی‌بیند و نمی‌شنود حیا می‌کنی، چگونه من از پروردگارم شرم نکنم؟ پس برخاست تا درها را بگشاید و از آنجا بگریزد». در این ماجرا چه روش‌هایی برای حفظ عفاف مورد استفاده واقع شده است؟
۶. تأثیر کنترل فکر و خیال در پیشگیری از بروز انحرافات جنسی چگونه است؟

### ❖ مسائلی برای گفتگو و مباحثه

۱. با استفاده از مکانیزیم دفاعی «والایی گرای» (sublimation)، چگونه می‌توان غریزه جنسی را مهار کرد؟
۲. افزون بر روش‌هایی که در این فصل برای کنترل شهوات جنسی مطرح شد، آیا روش‌های دیگری نیز برای این کار وجود دارد؟
۳. برخی از مکاتب معنوی جدید، مثل مکتب اوشو و پائلو کویلو ارضای آزاد غریزه جنسی را راهی برای کسب معنویت و دستیابی به حقیقت معرفی می‌کنند! به نظر شما، اشکال چنین نظریاتی چیست؟ راه تقابل با آنان کدام است؟ اصولاً چه رابطه‌ای میان معنویت و جنسیت وجود دارد؟

❖ منابعی برای مطالعه

۱. تربیت جنسی در اسلام، حافظ ثابت، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۵.
۲. جوان، هیجان و خویش‌تنداری، جمعی از نویسندگان، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۶.
۳. هفت روش پیشگیری از انحرافات جنسی، هادی حسین‌خانی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۷.
۴. آرامش طوفانی پیشگیری و درمان خودارضایی، سیدمصطفی دیانت مقدم، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۸.
۵. عوامل کنترل‌گریزه در زندگی انسان، حسین مظاهری، تهران، ذکر، ۱۳۸۷.
۶. تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، علینقی فقیهی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.

مدنی بالطبع اند؛<sup>۲</sup> یعنی ذات و فطرت آدمی به گونه‌ای است که حتماً باید زندگی اجتماعی داشته باشد و در اجتماع زیست کند. هر دیدگاهی که درباره علت زیست اجتماعی انسان داشته باشیم، مسلّم است که هیچ انسانی در شرایط عادی، به تنهایی توانایی بقا و ادامه حیات ندارد. انسان در اجتماع به دنیا می‌آید، در اجتماع است که می‌تواند باقی بماند و در اجتماع است که می‌تواند کیفیت زندگی خود را ترقی دهد. آدمیان، نه تنها برای آغاز حیات خود نیازمند دیگران هستند؛ بلکه در همه مراحل بعدی زندگی نیز به دیگران محتاج‌اند. انسان در معاشرت با دیگران است که می‌تواند خود را بهتر بشناسد، ویژگی‌ها و توانمندی‌ها و ناتوانی‌های خود را دریابد و به تصویری درست و واقع‌بینانه از خود دست یابد. به راستی، چرا یکی از بزرگ‌ترین و طاقت فرساترین مجازات‌ها برای مجرمان، نگه داشتن آنان در سلول انفرادی است؟ آیا جز این است که زندان انفرادی او را از دیدن سایر انسان‌ها، سخن گفتن و معاشرت داشتن با آنان محروم می‌کند؟ رنجی که فرد زندانی در سلول انفرادی از دوری دیگران می‌برد، از رنجی که از ممنوعیت خوراک و پوشاک و امثال آن می‌برد به مراتب طاقت فرساتر است.

نکته دیگری که اهمیت و جایگاه ویژه ارتباط با مردم و معاشرت با هموعان را نشان می‌دهد، این است که بسیاری از فضایل و رذایل اخلاقی، در ظرف ارتباطات ظهور می‌یابند. زندگی اجتماعی و معاشرت با دیگران ظرف ظهور فضایی مانند عدالت، انصاف، احسان، ایثار، انفاق، صدقه، تواضع، امانت، صداقت، صراحت، عفت، حجاب و امثال آن است. همچنین رذایلی مانند ظلم، حق‌کشی،

۲. گفتنی است که درباره علت زیست اجتماعی انسان، در میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد: نظریه مشهور این است که انسان مدنی بالطبع است، یعنی فطرتاً و ذاتاً خواهان حیات اجتماعی است. علامه طباطبایی معتقد است که انسان، مدنی بالاستخدام است، یعنی اگر تن به زندگی اجتماعی می‌دهد به خاطر این است که می‌خواهد از امکانات و نیروها و توانمندی‌های دیگران در جهت منافع خود بهره‌گیرد. (برای آشنایی بیشتر با نظریه علامه طباطبایی بنگرید به: شریعت در آینه معرفت، عبدالله جوادی آملی، صص ۴۲۵ - ۴۰۳) برخی دیگر از فیلسوفان مغرب زمین بر این باورند که انسان، مدنی بالاجبار است، یعنی ضرورت‌های زندگی و حیات بشری اقتضا می‌کند که زندگی اجتماعی را برگزیند، وگرنه ذاتاً هیچ تمایلی به زندگی اجتماعی ندارد.

## فصل پنجم

### سبک زندگی اسلامی در ارتباط با دیگران

#### اهمیت و جایگاه

در طول تاریخ همواره گروه‌هایی بوده و هنوز هم در گوشه و کنار جهان هستند که از معاشرت با دیگران و ارتباط با مردم پرهیز داشته و زندگی در انزوا و خلوت را ترجیح داده‌اند و برای این کار خود نیز دلایلی داشته و دارند.<sup>۱</sup> برای نمونه، اجتماع و زندگی اجتماعی با دیگران را زمینه‌ساز گناه و انحراف می‌دانند؛ شهر و اجتماع را جایگاه کسانی می‌دانند که مشاهده و معاشرت با آنان موجب گمراهی و انحراف است. یکی از فواید و آثار خوب گوشه‌گیری را این می‌دانند که انسان با خیالی آسوده و بدون دغدغه فکری به عبادت و راز و نیاز با معبود می‌پردازد و همچنین از آسیب‌تهدمت و حسادت و سوءظن مردمان بدانندیش در امان می‌ماند. یکی دیگر از برکات انزوا و گوشه‌گیری از دید این گروه‌ها آن است که انسان از مشاهده افراد رذل و پست نجات می‌یابد و مجبور نیست که هر از گاهی با افراد حیوان‌صفت برخورد داشته باشد.

با وجود این، حقیقت آن است که معاشرت و ارتباط سازنده با دیگران، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای روحی و روانی آدمیان است؛ تا جایی که به عقیده بسیاری از فیلسوفان، آدمیان

۱. بنگرید به: المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، محسن فیض کاشانی، ج ۴، صص ۲۵ - ۱۱.

خودخواهی، تکبر، خیانت، دروغ، بی‌حیایی، رشوه، بی‌بند و باری، غیبت، حسادت، ریا، سمعه و امثال آن نیز در ظرف اجتماع و ارتباط با دیگران است که خود را نشان می‌دهند. تعلیم و تعلم بدون زندگی اجتماعی و معاشرت با دیگران امکان تحقق ندارد. آشنایی با تجارب دیگران و بهره‌مندی از آنها، یکی دیگر از اموری است که جز با معاشرت با مردم به دست نمی‌آید.

### ابزاری بودن ارزش معاشرت

معاشرت به طور مطلق و با همه انسان‌ها، نه قابل توصیه است و نه قابل تحذیر. معاشرت، به خودی خود، دارای مطلوبیت نیست، یعنی مطلوبیت ذاتی ندارد؛ بلکه خوبی یا بدی آن وابسته به هدف از معاشرت با دیگران و نوع تأثیر آن در کمال مطلوب انسان است. توسعه اخلاق الهی و بهره‌مندی از فضایل اخلاقی و پیشرفت در جهت تهذیب و تربیت نفس، از جمله مهم‌ترین اهداف معاشرت با دیگران است. بنابراین، اگر در جایی معاشرت با دیگران مستلزم کشیده شدن انسان به گناه و معصیت و انحراف از مسیر هدایت و سعادت باشد، روشن است که چنین معاشرتی خلاف مقصود است و باید از آن پرهیز کرد. در مقابل، اگر معاشرت با کسی موجب تقرب انسان به خداوند و تقویت ایمان و بنه‌های دینی انسان شود، باید در حفظ و توسعه آن به شدت کوشا بود. به همین دلیل است که اسلام سبک خاصی از معاشرت و ارتباطات اجتماعی را ارائه می‌دهد. اسلام هر نوع معاشرتی را توصیه و سفارش نمی‌کند؛ بلکه برخی از معاشرت‌ها را زیان‌بار و مخرب دانسته و توصیه به ترک آنها کرده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به ابوذر غفاری فرمودند:

یا اباذر الجلیسُ الصالحُ خیرٌ من الوحدهِ و الوحدهُ خیرٌ من جلیسِ السوءِ؛<sup>۱</sup>

ای ابوذر، همنشین صالح بهتر از تنهایی و انزواست و تنهایی بهتر از همنشین ناصالح است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ \* وَ مَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ لَكِنْ ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ.<sup>۲</sup>

هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می‌کنند، از آنان روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این جمعیت ستم‌گر منشین. و (اگر) افراد با تقوا (برای ارشاد و اندرز با آنان بنشینند)، چیزی از حساب (و گناه) آنان بر ایشان نیست؛ ولی (این کار، باید تنها) برای یادآوری آنها باشد، شاید (بشنوند و) تقوا پیشه کنند.

وَ يَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً \* يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلاً \* لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولاً؛<sup>۳</sup>

و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آنکه (یاد حق) به سراغ من آمده بود.» و شیطان همیشه خوارکننده انسان بوده است.

منشین با بدان که صحبت بد

گر چه پاکی تو را پلید کند

آفتاب از چه روشن است او را

پاره ای ابر ناپدید کند<sup>۴</sup>

\* \* \*

مسجد است آن دل که جسمش ساجد است

یار بد خروب هر جا مسجد است

۲. سوره انعام، آیات ۶۸-۶۹.

۳. سوره فرقان، آیات ۲۹ - ۲۷.

۴. دیوان اشعار، حکیم سنائی غزنوی، ص ۶۱۹.

۱. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۴.

چارچوب کلی روابط و سبک زندگی مسلمانان را در این حوزه مشخص کرده است. در ادامه همین فصل درباره معیارهای کلی چنین روابطی از نگاه اسلام بیشتر توضیح خواهیم داد.

### معاشرت‌های آیینی

معاشرت و روابطی که هر فرد با سایر همکیشان و هم مسلکان خود دارد را «معاشرت آیینی» یا دینی می‌نامند. ما به عنوان یک فرد مسلمان در برابر سایر مسلمانان مسئولیت‌ها و وظایفی بر عهده داریم که بعضاً فراتر و سنگین‌تر از وظایفی است که در قبال انسان‌ها به طور کلی، بر عهده داریم. این حدیث را شنیده‌اید که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «کسی که فریاد استمداد برادر مسلمانی را بشنود، ولی به یاری او نشتابد، مسلمان نیست.» در آموزه‌های اسلامی نوع و چگونگی ارتباطات بین مسلمانان نیز به زیبایی ترسیم شده است. در ادامه همین فصل، در این باره توضیحات بیشتری ارائه خواهیم داد.

### معاشرت‌های اجتماعی

هر کدام از ما با سایر شهروندان دارای روابط خاصی هستیم که با غیر شهروندان چنان روابطی را نداریم. همین مسئله نیز مسئولیت‌ها و وظایف اخلاقی خاصی بر عهده ما می‌گذارد که در مواردی فراتر از مسئولیت‌هایی است که در قبال هموعان و همکیشان خود داریم. اسلام همسایه‌داری و احترام و تکریم به همسایه را از مصادیق بارز توحید عملی می‌داند. در قرآن کریم چنین می‌خوانیم:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فُخُورًا؛<sup>۴</sup>

و خدا را بپرستید؛ و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید؛ و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان، و همسایه نزدیک و همسایه دور، و دوست

یار بد چون رست در تو مهر او

برکن از بیخش که گر سر برزند

امیرمؤمنان (علیه‌السلام)، در پاسخ به این پرسش که «بدترین دوستان کیان‌اند؟» فرمود: «کسی که گناه را در چشم انسان زیبا جلوه می‌دهد.»<sup>۲</sup> آن حضرت از همنشینی و دوستی با افراد چاپلوس نیز برحذر برحذر داشته است و می‌فرماید:

لَا تَصْحَبُ الْمَالِقَ فَيَزِينُ لَكَ فَعَلَهُ وَ يُوَدُّ أَنْكَ مِثْلَهُ؛<sup>۳</sup>

با چاپلوس معاشرت نکن، چرا که کارش را در نظر تو زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد که تو هم مثل او باشی.

کاخلاق بدم حسن نماید

خارم گل و یاسمن نماید

تا عیب مرا به من نماید

از صحبت دوستی برنجم

عیب هنر و کمال گوید

کو دشمن شوخ چشم چالاک

### انواع معاشرت

به طور کلی می‌توان معاشرت‌های هر فردی را با دیگران به پنج دسته تقسیم کرد:

#### معاشرت‌های انسانی

منظور از «معاشرت‌های انسانی» برخوردهایی است که با دیگران، به عنوان یک انسان و هم‌نوع، داریم؛ صرف نظر از اینکه خویشاوند، همسایه، همشهری، هموطن یا همکیش ما هستند یا نه. به تعبیر دیگر، هر کسی به عنوان عضوی از خانواده انسانی در قبال سایر انسان‌ها و هموعان، وظایف و مسئولیت‌های اخلاقی خاصی بر عهده دارد. اسلام عزیز، با تأکید بر این گونه از معاشرت، حدود و

۱. مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمد بلخی، دفتر چهارم، ابیات ۱۲۸۵ - ۱۲۸۳.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، باب ۱۴، ص ۱۹۰، حدیث ۳.

۳. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، فصل ۸۵، ص ۳۲۸، حدیث ۱۵۷.

۴. سوره نساء، آیه ۳۶.

و همنشین، و واماندگان در سفر و بردگانی که مالک آنها هستید؛ زیرا خداوند، کسی را که متکبر و فخر فروش است، (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند)، دوست نمی‌دارد.

این آیه یکی از نمونه‌هایی است که جامعیت اسلام را نشان می‌دهد. امین الاسلام طبرسی، در تفسیر مجمع البیان معتقد است این آیه ارکان اسلام و مکارم اخلاق را بیان می‌کند و هر کس در آن تدبر نماید، نیازی به موعظه موعظه‌کنندگان ندارد و به بسیاری از دانش‌ها هدایت می‌شود.<sup>۱</sup> در این آیه ارتباط میان باورها و ارزش‌ها و سبک زندگی به زیبایی ترسیم شده است. ریشه همه مشکلات رفتاری و اخلاقی و حقوقی و عاطفی، کفر و شرک به خدا دانسته شده است. و در پایان آیه نیز راه درمان این مشکلات بیان گردیده است. در این آیه پس از دستور به عبادت خداوند و پرهیز از شرک، به امور دیگری دستور داده شده است: نیکی به والدین، خویشاوندان، یتیمان، مستمندان، همسایگان دور و نزدیک، دوستان و همنشینان، واماندگان در سفر و کسانی که انسان بر آنها مالکیت دارد. توجه به یک نکته ادبی اهمیت و نوع احسان به نامبردگان را بهتر نشان می‌دهد. کلمه «احسان» در ادبیات عرب هم با حرف «الی» و هم با حرف «باء» متعدی می‌شود. هم می‌توان گفت «الاحسان الی الوالدین و...» و هم می‌توان گفت «الاحسان بالوالدین و...» اما تفاوت این دو در آن است که وقتی با حرف «باء» متعدی می‌شود استمرار و پیوستگی را می‌رساند.<sup>۲</sup> بنابراین، این آیه می‌خواهد رویه و سبک زندگی مؤمنان را بیان کند؛ و نه رفتارهای مقطعی آنان را.

افزون بر این، کلمه «احسان» بیان‌گر آن است که نیکی کردن به نامبردگان، بدون استحقاق پیشین است. یعنی لزوماً در قبال کارهای نیک آنان نیست. بلکه یک مسلمان موظف است که به نامبردگان در این آیه نیکی کند؛ چه اینکه آنان به او نیکی کرده باشند یا نه. افزون بر این، منظور از احسان لزوماً این نیست که نیازهای آنان را برطرف کنیم. زیرا ممکن است اساساً نیازمند نباشند. این آیه می‌فرماید یک مؤمن و موحد به همسایگان خود نیکی می‌کند، به عنوان مثال، با آنان با گشاده‌رویی برخورد

می‌کند، احترام آنان را حفظ می‌کند، در غم و اندوه آنان مشارکت می‌کند، و با شادی‌های آنان نیز شاد می‌شود. به تعبیر حضرت آیت الله جوادی آملی: «در احسان به نامبردگان در این آیه نه کفر و غنا مانع است و نه اسلام و ایمان و فقر، شرط. احسان، ادب اجتماعی و اخلاقی است و تنها شرط آن انسان بودن است. اصل در رفتار با مردم، نه بی‌تفاوتی و نه بدرفتاری است، بلکه احسان و رعایت ادب است، مگر در موارد استثنا»<sup>۳</sup>

دو قسمت از این آیه به صورت مستقیم دستور به احسان به همسایه می‌دهد: «الجار ذی القربی» یعنی همسایگان نزدیک و «الجار الجنب» یعنی همسایگان دور. زیرا «الجنب» هم‌ریشه با واژه «اجنبی» به معنای دور و بیگانه است.<sup>۴</sup> برخی دیگر از مفسران منظور از «الجار ذی القربی» را همسایگانی می‌دانند که دارای قرابت خانوادگی هستند و منظور از «الجار الجنب» را همسایگی می‌دانند که قرابت فامیلی با انسان ندارند.<sup>۵</sup> همچنین ممکن است منظور از قرابت، قرابت اعتقادی و دینی باشد بنابراین آیه هم احسان به همسایگان مسلمان را شامل می‌شود و هم احسان نسبت به همسایگان غیر مسلمان را.<sup>۶</sup>

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه، با توجه به سیاق آن و آیات بعد از آن، می‌فرماید<sup>۷</sup> تعبیر «وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً» دلالت بر توحید می‌کند؛ اما منظور از توحید در این آیه «توحید عملی» است. یعنی انجام کارهای نیک به منظور کسب رضایت الهی و دستیابی به ثواب اخروی. بنابراین احسان به والدین و خویشاوندان و یتیمان و همسایگان و امثال آن از مصادیق توحید عملی هستند. زیرا خدای متعال در این آیه بعد از آنکه متعلقات احسان را بر می‌شمارد در پایان چنین

۳. همان، ص ۶۰۱.

۴. المیزان فی تفسیر القرآن الکریم، محمد حسین طباطبائی، ذیل آیه ۳۶ سوره نساء.

۵. تسنیم: تفسیر قرآن کریم، ج ۱۸، ص ۶۰۱-۶۰۲.

۶. الکشاف، زمخشری، ج ۱، ص ۵۰۹.

۷. المیزان، ذیل آیه ۳۶ سوره نساء.

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، ج ۳-۴، ص ۷۳.

۲. تسنیم: تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی، ج ۱۸، ص ۶۰۰ و ص ۶۲۲.



در برخی روایات آمده است کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد، مسلمان نیست. سفارش امیر مؤمنان (علیه‌السلام) درباره همسایگان، در آخرین لحظات عمر شریفشان، نشان دهنده وظیفه ما نسبت به همسایگان است:

و الله الله فی جیرانکم فانهم وصیة نبیکم ما زال یوصی بهم حتی ظننا انه سیورئهم؛<sup>۳</sup>  
 و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش شده پیامبر شماست، پیوسته درباره آنان سفارش می‌فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود.

#### معاشرت‌های دوستانه

هر یک از ما از میان هم‌نوعان، هم‌شهریان یا هم‌کشیشان خود، کسانی را برمی‌گزینیم و با آنان روابط صمیمانه‌تری را برقرار می‌سازیم. همین موضوع وظایف اخلاقی خاصی بر عهده ما می‌گذارد. این گونه از معاشرت‌ها، به دلیل تأثیرگذاری فوق‌العاده‌ای که بر روی شخصیت انسان دارد، مورد توجه اسلام و اولیای دین و عالمان اخلاق قرار گرفته و روایات بسیاری در این زمینه وارد شده است. و معیارهای ویژه‌ای برای چنین ارتباطاتی ارائه گردیده است. در برخی از روایات، یکی از راه‌های شناخت دین و مذهب افراد، شناخت دوستان آنان دانسته شده است.<sup>۴</sup> نیز یکی از نخستین راه‌ها برای قضاوت درباره شخصیت افراد، شناخت معاشران و دوستان آنان شمرده شده است.<sup>۵</sup> به قول سعدی: «تو اول بگو با کیان زیستی / که تا من بگویم که تو کیستی». در مقابل، داشتن دوستان بد، قطعه‌ای از آتش<sup>۶</sup> و آفت‌خیز<sup>۷</sup> دانسته شده است. معاشرت با دوستان بد، ناخواسته و ناخودآگاه،

می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا؛ زیرا خداوند کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد.» در آیه بعدی نیز متکبر فخر فروش را معنا می‌کند و می‌فرماید اینان کسانی‌اند که «بخل می‌ورزند و مردم را نیز به بخل دعوت می‌کنند و آنچه را که خداوند از فضل و رحمت خود به آنها داده، کتمان می‌نمایند. (این عمل در حقیقت از کفرشان سرچشمه گرفته) و ما برای کافران، عذاب خوارکننده‌ای آماده کرده‌ایم.»<sup>۱</sup> بنابراین کسانی که چنان کارهای نیکی را انجام نمی‌دهند و به پدر و مادر و همسایگان دور و نزدیک خود نیکی نمی‌کنند، هر چند ممکن است در اعتقاد و اندیشه موحد و مسلمان باشند اما در عمل گرفتار کفر عملی و شرک عملی‌اند. به هر حال، توحید عملی بدین معنا است که انسان کارهای خود را برای کسب ثواب الهی و تحصیل رضایت خداوند انجام دهد. و شرک عملی هم بدین معنا است که انسان روز قیامت را فراموش کند و کارهای خود را از روی هوای نفس یا خوشایند مردمان انجام دهد.

افزون بر این، روایات بسیار زیادی درباره اهمیت همسایه و تکریم و احترام به او در متون اسلامی وارد شده است. در روایتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حقوق همسایه را به این شکل بیان می‌کند:

حَقُّ الْجَارِ إِنْ مَرَضَ عُدَّتْهُ وَ إِنْ مَاتَ شِيعَتْهُ وَ إِنْ اسْتَقْرَضَكَ أَقْرَضَتْهُ وَ إِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ هَنَأَتْهُ وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ عَزَيْتَهُ وَ لَا تَرْفَعُ بِنَاءَكَ فَوْقَ بِنَائِهِ فَتَسُدَّ عَلَيْهِ الرِّيحُ؛<sup>۲</sup>  
 حق همسایه آن است که اگر بیمار شد، به عیادتش روی؛ اگر از دنیا رفت، در تشییع جنازه او حاضر شوی؛ اگر از تو قرض خواست، به او قرض دهی و اگر خیر و شادمانی‌ای نصیب او شد، به او تهنیت و تبریک گویی؛ و اگر مصیبتی به او رسید، او را تسلیت گویی؛ و خانه خود را بالاتر از خانه او نبری به گونه‌ای که او را از نسیم هوا محروم نمایی.

۱. سوره نساء، آیه ۳۷.

۲. نهج الفصاحة، ص ۴۴۵، کلام ۱۳۸۷.

۳. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۳۲۱.

۴. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): المرء علی دین خلیله فلینظر أحدکم من یخالل. (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۲).

۵. از حضرت سلیمان (علیه‌السلام) نقل شده است: لَا تَحْكُمُوا عَلٰی رَجُلٍ بِشَيْءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا اِلٰی مَنْ يُصَاحِبُ فَاِنَّمَا يُعْرِفُ الرَّجُلُ بِاَشْكَالِهِ وَ اَقْرَانِهِ وَ يُنْصَبُ اِلٰی اَصْحَابِهِ وَ اِخْوَانِهِ. (همان، ص ۱۸۸).

۶. امام علی (علیه‌السلام): صَاحِبُ السُّوءِ قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، فصل ۴۴، ص ۴۱۳، حدیث ۱۴).

۷. لِکُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ وَ آفَةُ الْخَيْرِ قَرِينُ السُّوءِ. (عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۸۱، شماره ۳۶۹۷).

انسان را به بدی سوق می‌دهد. اصولاً ویژگی‌های دوست از راه‌های پنهانی، به دوست منتقل می‌شود. امام علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

لَا تَصْحَبَ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ شَرًّا وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛<sup>۱</sup>

با انسان‌های بدخواه معاشرت نکن، چرا که طبع تو، ناآگاهانه از طبع او می‌دزدد.

پسر نوح، به واسطه معاشرت با دوستان بد، خاندان نبوتش گم شد.

گر نشیند فرشته‌ای با دیو وحشت آموزد و خیانت و ریو

از بدان نیکوی نیاموزی نکند گرگ پوستین دوزی

امیرمؤمنان (علیه‌السلام)، در نامه‌ای به حارث همدانی، درباره‌ی دوست‌گزینی و انتخاب همنشین به او می‌فرماید:

وَ احْذَرُ صحَابَةَ مَنْ يَفِيلُ رَأْيُهُ وَ يُنْكَرُ عَمَلُهُ فَانَ الصَّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ؛

از همنشینی آنکه رأیش سست و کارش ناپسند بود بپرهیز که هر کس را از آنکه دوست اوست شناسند.<sup>۲</sup>

دوستان انسان، محک خوبی برای شناخت شخصیت او هستند. اگر کسی با انسان‌های دروغگو، چاپلوس، فریبکار و خائن دوستی دارد، این نشانه خوبی است برای اینکه بداند خود او نیز اگر چه تا به حال، مرتکب چنین کارهای خلافی نشده است، روح و جان او چندان با چنین کارهایی بیگانه نیست.

روزی جالینوس حکیم به دوستان خود گفت: «مرا نزد فلان پزشک ببرید تا فلان دوا را به من بدهد که آن موجب درمان من خواهد شد.» دوستان گفتند: «تو خود استاد و حکیم هستی و بهتر از ما می‌دانی که فلان دوا برای درمان دیوانگی است، تو که دیوانه نیستی.» جالینوس گفت: «امروز دیوانه‌ای به من نگاه کرد و مدتی چشمک به من زد و آستین مرا به نشانه دوستی آنچنان کشید که

پاره شد. اینها علامت آن است که بین من و او اشتراکی پیدا شده و از این رو دریافتم که باید درمان شوم.»<sup>۳</sup>

گر نه جنسیت بدی در من از او کی رخ آوردی به من آن زشت رو

گر ندیدی جنس خود کی آمدی کی به غیر جنس خود را بر زدی

چون دو کس بر هم زند بی هیچ شک در میانشان هست قدر مشترک

کی پرد مرغی مگر با جنس خود صحبت ناجنس گور است و لحد<sup>۴</sup>

امام باقر (علیه‌السلام)، می‌فرماید:

پدرم، امام سجاد، به من فرمود: «پسرم، مواظب باش که با پنج گروه نه دوستی داشته باشی و نه همسخن شوی و نه در راهی با آنان همراه شوی.»

گفتم: «پدر! آنان کیان اند؟»

فرمود: «از دوستی با دروغگو بپرهیز، زیرا دروغگو همچون سراب است، دور را برای تو نزدیک جلوه می‌دهد و نزدیک را برایت دور می‌نمایاند. از دوستی با فاسق بپرهیز، چرا که تو را به لقمه‌ای یا کمتر از لقمه‌ای می‌فروشد. از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا تو را در زمانی که بیشترین نیازمندی را به مال او داری، رها می‌کند. از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که احمق هر چند اراده سودرسانی به تو را دارد، اما به تو زیان می‌رساند. از دوستی با کسی که رابطه‌اش را با خویشان خود قطع کرده است بپرهیز، چرا که در سه آیه از قرآن مورد لعن قرار گرفته است...»<sup>۵</sup>

۳. در برخی از منابع شخصیت اصلی داستان فوق را محمد بن زکریای رازی دانسته اند: «شنیدم که محمد بن زکریای رازی همی آمد آمد با قومی از شاگردان خویش دیوانه ای در پیش ایشان افتاد در هیچ کس ننگریست مگر در محمد زکریا و در روی او نیک نگاه کرد و بخندید، محمد زکریا با خانه آمد و مطبوخ اقیمون بفرمود پختند و بخورد، شاگردان پرسیدند که چرا ای حکیم این مطبوخ همی خوری، گفت از بهر خنده آن دیوانه که تا وی از جمله سودای خویش جزوی در من ندید با من نختد.» (مأخذ قصص و

تمثیلات مثنوی، بدیع الزمان فروزانفر، ص ۶۶)

۴. مثنوی معنوی، دفتر دوم، ابیات ۲۰۹۷ به بعد.

۵. الکافی، ج ۲، کتاب العشرة، باب «من تکره مجالسته و مراقفته»، حدیث ۷؛ همچنین بنگرید به: حدیث ۱ از همین باب.

۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲۰، کلمه ۱۴۷، ص ۲۷۲.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۳۵۳.

ما أَحَبَّبْتَ ان يَأْتِيَهُ النَّاسُ الْيَك فَاَتَهُ الْيَهْم و ما كرهت ان يَأْتِيَهُ النَّاسُ الْيَك فَلاتَأْتِيَهُ الْيَهْم؛<sup>۲</sup>

چیزی را که دوست داری از ناحیه مردم به تو برسد، به آنان برسان و چیزی را که دوست نداری از مردم به تو برسد، به آنان نرسان.

در بخشی از نامه سراسر حکمت امیرمؤمنان(علیه السلام) به فرزندش، امام حسن(علیه السلام)، چنین آمده است:

پسرم! خود را میان خویش و دیگری میزانی بشمار، پس آنچه برای خود دوست می داری برای جز خود دوست بدار، و آنچه تو را خوش نیاید برای او ناخوش بشمار، و ستم مکن چنانکه دوست نداری بر تو ستم رود، و نیکی کن چنانکه دوست می داری به تو نیکی کنند. آنچه از جز خود زشت می داری برای خود زشت بدان، و از مردم برای خود آن را بپسند که از خود می پسندی در حق آنان، و مگوی به دیگران آنچه خوش نداری شنیدن آن، و مگو آنچه را ندانی، هر چند اندک بود آنچه می دانی، و مگو آنچه را دوست نداری به تو گویند.<sup>۳</sup>

این قانون در حقیقت معیار و ملاکی کلی و عام برای اخلاق اجتماعی و نحوه معاشرت با دیگران است. بسیاری از مکاتب اخلاقی نیز این قانون را پذیرفته، در نظام اخلاقی خود از آن بهره برده اند.<sup>۴</sup> بهترین و کامل ترین معیار برای تشخیص درستی یا نادرستی رفتارهای اجتماعی ما، همین

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۲۸.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۰۱.

۴. گفتنی است که بر اساس مکتب لذت گرایی شخصی، اعم از لذت گرایی حسی آریستیوس و یا لذت گرایی اپیکور این قاعده جایگاهی نخواهد داشت. معیار اخلاقی از دیدگاه این دو مکتب لذت شخصی است. یعنی هر کاری که لذتی شخصی برای ما به بار آورد، خوب؛ و هر کاری که لذت شخصی را نتیجه ندهد و یا احیاناً مستلزم ألم و درد باشد، بد خواهد بود. (برای توضیح بیشتر در این باره، بنگرید به: نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، محمدتقی مصباح، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، فصل مکتب لذت گرایی)

گر از زحمت همی ترسی ز نااهلان بیر صحبت

که از دام زبون گیران به عزلت رسته شد عنقا<sup>۱</sup>

### معاشرت های خانوادگی

هر یک از ما از پدر و مادری خاص و عضوی از یک خانواده خاص هستیم. ممکن است برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، پدر بزرگ و مادر بزرگ داشته باشیم و پس از ازدواج عضو خانواده همسر هم به شمار می آیم. همه اینها مسئولیت ها و وظایف اخلاقی ویژه ای را بر عهده ما می گذارد. احترام والدین، روابط همسران، چگونگی تربیت فرزند، صلح رحم، و دهها مسئله خرد و کلان دیگر، همگی مربوط به این گونه از معاشرت می شود. در بحث های بعدی به تفصیل سبک زندگی اسلامی در روابط خانوادگی را توضیح خواهیم داد.

در ادامه این فصل سعی می کنیم با استناد به آیات و روایات معیارهای کلی سبک زندگی اسلامی در روابط اجتماعی را به اختصار بیان کنیم:

### معیارهای کلی معاشرت

#### هر چه برای خود می پسندی برای دیگران هم بپسند

عربی بادیه نشین به محضر پیامبر رسید و گفت: «ای پیامبر خدا، کاری را به من بیاموز که با انجام آن به بهشت درآیم.» معلوم است که پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) با توجه به وضعیت مخاطب که توانایی دسترسی مداوم به آن حضرت را ندارد و نمی تواند هر روز از ارشادات و راهنمایی های ایشان بهره گیرد، باید دستورالعملی را به او بیاموزد که عمل به آن بتواند پایه و ریشه بسیاری از ارزش های اخلاقی باشد؛ یعنی یک ملاک و معیار به او بدهد؛ معیاری که با بکارگیری آن بتواند از بهشتیان شود. پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) در پاسخ او فرمود:

۱. دیوان اشعار، حکیم سنائی غزنوی، ص ۶۲.

معیار است. این معیار را می‌توان در همه برخوردهای اجتماعی به کار گرفت؛ اعم از برخورد با همسر، فرزند، پدر و مادر، اقوام، همسایگان، شهروندان و به طور کلی سایر انسان‌ها.<sup>۱</sup> چرا باید در مقابل دیگران این معیار را به کار بگیریم؟ چرا باید خود را جای آنان بگذاریم و آنچه که برای خود نمی‌پسندیم برای آنان نیز نپسندیم و آنچه برای خود، خوش می‌داریم برای آنان نیز خوش داریم؟ این در حقیقت، مبتنی بر یک بینش انسان‌شناسانه خاص است. می‌دانیم بر اساس تعالیم پیامبران الهی و تصریح کتاب‌های آسمانی، همه آدمیان فرزندان یک پدر و مادر به نام آدم و حوا هستند؛ بنابر این، همه انسان‌ها در انسانیت و شرافت و کرامت انسانی مشترک‌اند. این نکته جای تردید ندارد که همه انسان‌ها دارای توقعات متقابل انسانی از یکدیگر هستند؛ یعنی نمی‌توان از دیگران انتظار داشت که با ما به احترام رفتار کنند، حریم ما را محفوظ دارند، امانات ما را برگردانند، از ما بدگویی نکنند و در زندگی خصوصی ما دخالت نکنند؛ اما ما خود را در برابر آنان ملتزم به رعایت این رفتارها ندانیم.

بهترین راه فهم توقع دیگران از ما این است که ما خود را جای آنان بگذاریم و تصور کنیم که اگر ما به جای آنان بودیم چه توقعی از طرف مقابل خود داشتیم. از این راه، می‌توان دریافت که توقع دیگران از ما چیست.<sup>۲</sup>

سعدی، در بخش مواعظ از کتاب کلیات سعدی، همین حقیقت را در قالب شعر چنین بیان کرده است:

من شنیدم ز پیر دانشمند  
آنچه بر نفس خویش نپسندی  
تو هم از من به یاد دار این پند  
نیز بر نفس دیگری مپسند

### مدارا با دیگران

یکی دیگر از اصول کلی مورد تأکید اسلام در روابط اجتماعی با دیگران، اصل مدارا است. بلکه باید گفت که رفق و مدارا از امور فطری و از لوازم فطرت الهی است. هر انسانی فطرتاً علاقمند به مدارا و شفقت است. به همین دلیل، قلبی که به دشمنی با بندگان خدا آلوده است، قلبی است که بر اثر آلودگی‌های دنیا و خودخواهی‌ها و خودپسندی‌ها، از فطرت اولیه‌اش فاصله گرفته است. لازمهٔ محبت به خدا، محبت به خلق خدا نیز هست؛ و لازمهٔ محبت به خلق خدا، مدارای با آنان است.<sup>۳</sup> صرف نظر از این حقیقت، نرم‌خویی و مدارا با مردم یکی از مهم‌ترین اصول زندگی اجتماعی است. به هر حال، همهٔ مردم یکدست نیستند. سلاقی و روحیات و ویژگی‌های متفاوت و متنوعی دارند. حتی الامکان باید با مدارا و نرمش و نرم‌خویی با دیگران برخورد کرد. اگر کسی انتظار داشته باشد، همگان بر اساس معیارهای اخلاقی و دینی با او رفتار کنند، انتظاری نابجا است. هم خود را به سختی می‌اندازد و هم دیگران را به زحمت. افزون بر این، برخورد خشک و غیر منعطف با مردم، حتی ممکن است موجب انحراف عده‌ای شود. به همین دلیل، در آموزه‌های اسلامی دربارهٔ نرم‌خویی و مدارا با مردم، حتی با منحرفان و ستم‌گران، به هنگام دعوت آنان به راه راست، تأکیدات فراوانی شده است.

خدای متعال، به هنگام برانگیختن موسی و هارون به سوی طغیان‌گر و ستمگری همچون فرعون به آنان سفارش می‌کند که با نرمی و مدارا با او سخن بگویند. زیرا با نرمی و مدارا است که می‌توان

امید داشت حتی سرسخت‌ترین افراد و منحرف‌ترین آنان به سوی حق باز گردند:

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛<sup>۴</sup>

به سوی فرعون بروید؛ که او طغیان کرده است. و به نرمی با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود، یا (از مجازات الهی) بترسد.

۳. برای توضیح بیشتر، رک: شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، ص ۳۱۹-۳۲۰.

۴. سوره طه، آیات ۴۳-۴۴.

۱. پند جاوید، محمدتقی مصباح یزدی، نگارش علی زینتی، ج ۱، ص ۲۱۰.

۲. همان، صص ۲۱۰-۲۱۱.



پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید:

الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالٌ لِلَّهِ فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ أَحْسَنُ النَّاسِ إِلَى عِيَالِهِ؛<sup>۱</sup>

مردمان همگی، عیال خداوندند، پس محبوب‌ترین افراد در نزد خداوند، نیکوترین‌شان نسبت به عیال خداوند است.

در سخنی دیگر، اوج خرد و خردورزی را، پس از دینداری، مهربانی و محبت و خیرخواهی نسبت به همه انسان‌ها، اعم از خوب و بد، معرفی کرده<sup>۲</sup> و در جایی دیگر، محبت نسبت به مردم را نصف ایمان دانسته‌اند.<sup>۳</sup> امام علی (علیه‌السلام) نیز محبت به مردمان را نیمی از عقل شمرده‌اند.<sup>۴</sup> اینها همه نشان‌دهنده اهمیت خدمت به خلق در اسلام است. هر چند این جمله که «عبادت به جز خدمت خلق نیست» و یا این شعر سعدی که «طریقت به جز خدمت خلق نیست / به تسبیح و سجاده و دلق نیست»<sup>۵</sup> سخنانی مبالغه آمیزند؛ اما کسانی هم که عبادت و سیر و سلوک معنوی و عرفانی را در گوشه‌گیری و عزلت جستجو می‌کنند به کج‌راهه می‌روند. خدمت به خلق یکی از بهترین و والاترین عبادت‌هاست؛ حتی از اعتکاف یک ماهه نیز در نزد خداوند ارجمندتر است.<sup>۶</sup>

خورنده که خیرش برآید ز دست  
مسلم کسی را بود روزه داشت  
و گر نه چه لازم که سعی بری  
ز خود باز گیری و هم خود خوری<sup>۷</sup>  
به از صائم الدهر دنیا پرست  
که در مانده‌ای را دهد نان چاشت

تصور عموم از بشردوستی و اهتمام به امور مردم، مسائل مادی و رفاهی است. ولی روشن است که نه «امور مردم» منحصر در امور مادی و رفاهی است، و نه سودرسانی و خدمت به آنان منحصر در خدمات و منافع مادی و دنیوی؛ بلکه امور معنوی و خدمات روحانی به مردم از اهمیت بیشتر و اساسی‌تری برخوردار است. بنابراین، کسانی که در جهت هدایت روحی و معنوی مردمان و ترویج و تعلیم معارف الهی و گسترش علمی و عملی توحید در سطح جامعه گام برمی‌دارند، سودمندی‌شان برای مردم به مراتب، بیشتر از سودمندی مادی و دنیوی است.

افزون بر این، در کنار اهتمام به امور خلق به طور عام، اهتمام به امور مسلمانان و دغدغه مسائل جامعه اسلامی را داشتن، به طور خاص، مورد تأکید اسلام و اولیای دین قرار گرفته است. از رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل است که اگر کسی روزانه دغدغه مسلمانان و مسائل و مشکلات آنان را نداشته باشد، جزء جامعه اسلامی و در زمره مسلمانان نیست:

من اصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بأمورِ المسلمین فلیس بمسلم یا: فلیس منهم؛<sup>۸</sup>

کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نوزد، مسلمان نیست یا از مسلمانان نیست.<sup>۹</sup>

به قول سعدی:

۸ الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب الاهتمام بأمور المسلمین و النصیحة لهم و نفعهم، حدیث ۱؛ همچنین، بنگرید به حدیث ۴ و ۵ از همین باب.

۹. روشن است که این حدیث نمی‌خواهد یک حکم فقهی را بیان کند، به این معنا که اگر کسی اهتمام روزانه به امور روزمره مسلمانان نداشته باشد، از نظر فقهی نیز از جرگه مسلمانان خارج شده و احکام مسلمانان را نداشته باشد؛ بلکه این حدیث، به تعبیر برخی از نویسندگان، بیان‌گر یک حکم منطقی و استنتاج عقلی است. به تعبیر دیگر این حدیث بر اساس این حقیقت بیان شده است که صرف حضور فیزیکی در میان یک گروه موجب نمی‌شود که انسان از آن گروه به شمار آید. بلکه برای عضو یک گروه شدن لازم است که افزون بر حضور فیزیکی حضور معنوی و روحی نیز باشد. یعنی فرد در خدمت گروه باشد، محرومیت‌های گروه را محرومیت خود و مشکلات گروه را مشکل خود بداند. (بنگرید به: بعد اجتماعی اسلام، محمد اسفندیاری، ص ۹۷)

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. رأس العقل بعد الدین التوّدُّدُ الی الناس و اصطناعُ الخیر الی کلِّ بر و فاجر . (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۷)؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): رأسُ العِلِّ بعد الایمان بالله عزوجل التَّحَبُّبُ الی الناس. (بهار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۸)

۳. التَّوَدُّدُ الی الناس نصفُ الایمان. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۸)

۴. التَّوَدُّدُ الی الناس نصفُ العقل. (بهار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۸)

۵. کلیات سعدی، سعدی شیرازی، بوستان، باب اول «در عدل و تدبیر و رأی»، ص ۲۴۰.

۶. عون العبد اِخاه یوماً خیرٌ من اعتکافه شهرًا. کنز العمال، علاء‌الدین المتقی بن حسام الدین الهندی، ج ۳، ص ۴۱۵، حدیث (۷۲۱۱)

۷. کلیات سعدی، سعدی شیرازی، بوستان، باب دوم «در احسان»، ص ۲۷۴.

حتی اگر کسی نمی‌تواند نیاز برادر مسلمانش را برآورده سازد، ولی می‌تواند از اعتبار و آبروی خود در این جهت مایه بگذارد، اخلاقاً موظف است این کار را انجام دهد. یعنی باید از هر راهی که می‌داند و می‌تواند در جهت برآورده ساختن نیاز برادر مسلمانش بکوشد، هر چند که کوشش او به نتیجه نرسد.<sup>۶</sup> امام علی بن موسی الرضا(علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عِبَاداً فِي الْأَرْضِ يَسْعَوْنَ فِي حَوَائِجِ النَّاسِ؛ هَمَّ الْأَمِينِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ أَدْخَلَ عَلَى مُؤْمِنٍ سُروراً فَرَّحَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۷</sup>

خداوند را در روی زمین بندگان است که در برآورده ساختن نیازهای مردم تلاش می‌کنند. اینان روز قیامت در امان‌اند؛ هر کسی که مؤمنی را شاد سازد، خداوند در روز قیامت دل او را شاد می‌کند.

#### تلاش در جهت اصلاح میان مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛<sup>۸</sup>

پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید؛ و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید؛ و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید؛ اگر ایمان دارید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛<sup>۹</sup>

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید.

۶ مرحوم شیخ حر عاملی، در کتاب شریف وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۶۸ - ۳۶۵. در کتاب الامر بالمعروف... یک باب ذیل عنوان «باب السعی فی قضاء حاجة المؤمن قضیت او لم تقض» گشوده و یازده حدیث در این زمینه آورده است.  
۷ الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب السعی فی حاجة المؤمن، حدیث ۲؛ مرحوم کلینی یازده روایت در این زمینه ذکر کرده کرده است.

۸ سوره انفال، آیه ۱.

۹ سوره حجرات، آیه ۱۰.

#### برادر که در بند خویش است نه برادر و نه خویش است.<sup>۱</sup>

برادری که خود را با برادرش برابر نبیند و در غم و شادی او شریک نباشد و در رتق و فتق امور او نکوشد و صرفاً در بند مسائل خویشتن باشد، هر چند از نظر رابطه نسبی، برادر است اما در حقیقت بیگانه‌ای بیش نیست. به همین ترتیب، مسلمانی که تنها در بند منافع و مصالح خویش بوده و دغدغه سایر مسلمانان را نداشته باشد، در حقیقت تفاوتی با نامسلمانان ندارد.<sup>۲</sup>

رفع نیاز از مسلمان و برآورده ساختن حاجت او، نه تنها اجر و پاداشی بالاتر و برتر از بیست حج، که هر کدام همراه با انفاق هزاران دینار در راه خدا باشد دارد؛<sup>۳</sup> بلکه از جمله محبوب‌ترین کارها در نزد خداوند است.<sup>۴</sup> در کتاب‌های روایی، احادیث بسیاری در این موضوع آمده است. حتی در بسیاری از کتاب‌های روایی بابی با عنوان «قضاء حاجة المؤمن» گشوده شده است. از همه مسلمانان خواسته شده به محض اطلاع از نیازمندی یک مؤمن اخلاقاً موظف‌اند در صورت امکان، در رفع نیاز او پیشقدم شوند و اجازه ندهند که او نیازش را بیان کند.<sup>۵</sup>

۱. کلیات سعدی، سعدی شیرازی، گلستان، باب دوم، «در اخلاق درویشان».

۲. بعد اجتماعی اسلام، صص ۹۸-۹۹.

۳. امام صادق فرمودند: لقضاء حاجة امرء مؤمن أحبُّ إلى الله من عشرين حجة كل حجة يُنْفِقُ فِيهَا صَاحِبُهَا مِائَةَ الْف. (الکافی، ج ۲، کتاب الایمان و الکفر، باب قضاء حاجة المؤمن، حدیث ۴). مرحوم کلینی در این باب چهارده روایت در این موضوع ذکر کرده است. مرحوم شیخ حر عاملی در وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۶۵ - ۳۶۳ یک باب ذیل عنوان «باب استحباب اختيار قضاء حاجة المؤمن علی غیرها من القربات، حتی العتق و الطواف و الحج المندوب» گشوده (باب ۲۶) و هفت حدیث در این زمینه آورده است. همچنین بابی با عنوان «باب استحباب اختيار السعی فی حاجة المؤمن علی العتق و الحج و العمره و الاعتكاف و الطواف المندوبات» گشوده (باب ۲۸) و سه حدیث در این زمینه آورده است.

۴. عن النبی (صلی الله علیه وآله): قال: فَأَيُّ الْأَعْمَالِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: إِدْخَالُ سُرورِ عَلِيٍّ مُسْلِمًا، اطعامُ جَوْعَتَيْهِ وَ كَسَاءُ عَوْرَتَيْهِ وَ قِضَاءُ ذَيْنِهِ. (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۵).

۵. إِذَا عَلِمَ الرَّجُلُ أَنَّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ مُحْتَاجٌ فَلَمْ يُعْطِهِ شَيْئاً حَتَّى سَأَلَهُ ثُمَّ أَعْطَاهُ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهِ. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۲)؛ امیرمؤمنان، نیز در این باره می‌فرماید: سخاوت، بی‌خواستن بخشیدن است و آنچه به خواهش بخشند یا از شرم است و یا از بیم سخن زشت شنیدن. (تهج البلاغه، حکمت ۵۳، ص ۳۶۹)

یکی از بهترین و مطلوب‌ترین اخلاقیات اجتماعی، «اصلاح ذات بین» است. در زندگی اجتماعی همواره ممکن است کدورت‌ها و ناراحتی‌هایی میان افراد پدید آید. گاهی ممکن است دو برادر بر سر مسائلی با یکدیگر اختلاف پیدا کنند و یا رابطه میان همسایگان و دوستان، به دلایلی سست و سرد شود. در اینجا یکی از وظایف اخلاقی دیگران این است که آنان را آشتی داده و اجازه ندهند که اختلافی جزئی به اختلافات ریشه‌ای و عمیق تبدیل شود. پاداش «اصلاح ذات بین» در اسلام، از نماز و روزه و صدقه نیز بالاتر و برتر دانسته شده است. امیرمؤمنان، در وصیتنامه خود، به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و سایر فرزندان خود و همه شیعیان چنین سفارش می‌کند:

اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم، فانی سمعتُ جدکما صلی الله علیه و آله یقول: صلاح ذات البین افضل من عامه الصلوة و الصیام؛<sup>۱</sup>

شما و همه فرزندانم و کسانم و آن را که نامه من بدو رسد، سفارش می‌کنم به ترس از خدا و آراستن کارها و آشتی دادن یکدیگر، که من از جد شما شنیدم که می‌گفت: «آشتی دادن میان مردمان بهتر است از نماز و روزه سالیان».

همچنین، امام جعفر صادق (علیه السلام)، اصلاح میان مردم را نوعی صدقه دانسته‌اند که محبوب خداوند است:

صَدَقَةٌ یُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحُ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبٌ بَيْنِهِمْ إِذَا تَبَاعَدُوا؛<sup>۲</sup>

اصلاح اختلافات میان مردم و نزدیک کردن آنان به یکدیگر، صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد.

### امر به معروف و نهی از منکر

از بهترین جلوه‌های اخلاق اجتماعی در اسلام، و مهم‌ترین مشخصات سبک زندگی اسلامی «امر به معروف» و «نهی از منکر» است.<sup>۳</sup> اقتضای این اصل که «هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند» آن است که انسان در انجام معروف و عمل به آن خودخواه و خودبین نباشد. خوبی‌ها و فضایل را تنها برای خود نخواهد و دوری و پرهیز از زشتی‌ها را اختصاصی نکند؛ بلکه بکوشد خوبی‌ها را در سطح جامعه و جهان گسترش دهد و زشتی‌ها و بدی‌ها را در هر جایی که می‌بیند، از بین ببرد. با توجه به این فریضه، هیچ مسلمانی نمی‌تواند فقط به دنبال خیر خود باشد؛ بلکه بر او واجب است که دیگران را نیز به خیر فراخواند و از شر آگاه سازد:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛<sup>۴</sup>

مردان و زنان با ایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است.

با توجه به این آیه می‌توان گفت لازمه ایمان حقیقی، داشتن رابطه دوستی با دیگر مؤمنان و داشتن دغدغه سرنوشت آنان است و لازمه علاقه به یکدیگر، ارشاد همدیگر به خوبی‌ها و انتقاد از بدی‌ها و زشتی‌هاست و لازمه ارشاد به معروف و انتقاد از منکر، برپایی نماز و توسعه معنویت

۳. در سال‌های اخیر در باره امر به معروف و نهی از منکر، کتاب‌های بسیار متعدد و متنوعی به نگارش درآمده است و هر کسی کوشیده است تا به فراخور توانایی‌ها و امکانات خود در این باره سخن گوید. از جمله نوشته‌های مفید در این زمینه می‌توان آثار زیر را نام برد: ده گفتار، مرتضی مطهری، ص ۹۴ - ۶۶؛ بعد اجتماعی اسلام، محمد اسفندیاری و مقاله نسبتاً مفصل سید حسن اسلامی، «امر به معروف و نهی از منکر»، در دانشنامه امام علی، ج ۶.

۴. سوره توبه، آیه ۷۱.

۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷، ص ۳۲۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹.



و همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا، برابر امر به معروف و نهی از منکر، چون قطره‌ای است در برابر دریای موج پهناور ... و برتر از همه اینها سخن عدلی است که پیش روی حاکمی ستمکار گویند.

احادیث درباره امر به معروف و نهی از منکر چندان فراوان است که آدمی را اشباع می‌کند و به تحریک برمی‌انگیزد و جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای ترک آن یا اهمال و سستی در اجرای آن باقی نمی‌گذارد. پیامبر رحمت (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده‌اند: «خداوند نسبت به مؤمن ضعیفی که دین ندارد، خشمگین است.» از آن حضرت پرسیده شد: «منظور از مؤمن ضعیفی که دین ندارد کیست؟» در پاسخ فرمود: «کسی که نهی از منکر نمی‌کند.»<sup>۵</sup>

امر به معروف و نهی از منکر، برخلاف برخی دیگر از احکام دینی و اخلاقی، وظایفی عام هستند. این دو وظیفه اخلاقی از جهات مختلف عمومیت دارند.<sup>۶</sup> توضیح آنکه:

اولاً، همه مسلمانان، از زن و مرد و کوچک و بزرگ، مشمول این حکم هستند؛ یعنی این وظیفه، مربوط به فرد یا گروه خاصی نیست؛ بلکه وظیفه‌ای است بر عهده همه افراد جامعه، و در حقیقت، یک نوع نظارت عمومی و همگانی و ملی است؛

ثانیاً، این حکم در همه زمان‌ها قابل اجراست. توضیح آنکه با توجه به مراتب و مراحل مختلفی که امر به معروف و نهی از منکر دارد، یعنی مرحله قلبی، گفتاری و عملی، روشن است که هیچ قدرتی در هیچ زمانی نمی‌تواند از امر به معروف و نهی از منکر قلبی جلوگیری کند. افزون بر این، برخی از فقیهان بزرگ، همچون شیخ طوسی و صاحب جواهر<sup>۷</sup> تصریح کرده‌اند که امر به معروف و

فرمانبرداری از خداوند و فرستاده او و همچنین دستگیری از ضعیفان و مستمندان (ادای زکات) است؛ و بالاخره ثمره همه این امور، نزول رحمت‌های بی‌پایان خداوند است.<sup>۱</sup>

آیات و روایات بسیاری، از جهات متعدد و متنوعی، این وظیفه اجتماعی، دینی و سیاسی را مورد تأکید قرار داده، ابعاد مختلف آن را گوشزد کرده‌اند. علت برتری امت اسلامی بر سایر امت‌ها، عمل به همین فریضه دانسته شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»<sup>۲</sup> همچنین یکی از نشانه‌های برتری فردی نسبت به فردی دیگر، همین موضوع است. کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نزد خداوند، شریف‌تر و عزیزتر از کسانی‌اند که به این دو عمل نمی‌کنند. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در حال سخنرانی بود که کسی از ایشان پرسید: «یا رسول الله، بهترین مردم چه کسی است؟» آن حضرت در پاسخ فرمودند: «کسی که از همه بیشتر امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و کسی که از همه بیشتر تقوای خداوند را دارد و نسبت به مشیت او راضی‌تر از دیگران است.»<sup>۳</sup>

علی بن ابیطالب (علیه‌السلام) درباره جایگاه ویژه امر به معروف و نهی از منکر در میان سایر احکام و دستورات دینی می‌فرماید:

و ما اعمال البرِّ کلِّها و الجهاد فی سبیلِ الله عند الامرِ بالمعروفِ و النهی عن المنکرِ إلا کَنَفْتَهُ فی بحرِ لُجی... و أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ کَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ؛<sup>۴</sup>

۱. ده گفتار، مرتضی مطهری، ص ۷۶-۷۷.

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۳. امرهم بالمعروف و انہامهم عن المنکر و اتقاهم لله و ارضاهم. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، ج ۱ و ۲، ص ۶۱۴)

۴. نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴، ص ۴۲۹.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۱۲۲.

۶. بنگرید به: بعد اجتماعی اسلام، محمد اسفندیاری، ص ۷۶؛ «امر به معروف و نهی از منکر»، سیدحسن اسلامی، در دانش نامه امام علی، ج ۶، ص ۲۶۷.

۷. مرحوم شیخ طوسی معروف به «شیخ الطائفة» در کتاب النہایة، ص ۲۹۹ و ۳۰۰، در باره مراتب امر به معروف و نهی از منکر نهی از منکر می‌گوید: «و الامر بالمعروف یكون بالید و اللسان فاما بالید فهو ان یفعل المعروف و یجتنب المنکر علی وجه یتأسی به الناس.» و صاحب جواهر نیز پس از نقل این عبارات در ادامه می‌فرماید: «نعم من أعظم افراد الامر بالمعروف و النهی عن

نهی از منکرِ عملی این است که خود فرد عملاً در اجرای فضایل و ترک رذایل بکوشد و روشن است که این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر نیز قابل جلوگیری و ممانعت از سوی هیچ قدرتی نیست؛<sup>۱</sup>

ثالثاً، نسبت به همه افراد نیز قابل اجراست؛ یعنی امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، صرفاً متوجه فرد یا افراد خاصی نیست؛ بلکه همه افراد جامعه را به یکسان در بر می‌گیرد، حتی حاکمان و قدرتمندان را. با استناد به این فریضه کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین افراد جامعه می‌تواند گریبان بزرگ‌ترین و قدرتمندترین افراد جامعه را گرفته، لغزش‌ها و خطاهای آنان را گوشزد نموده و آنان را امر و نهی کند؛

رابعاً، همه احکام و مسائل شرعی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی را شامل می‌شود؛ از مسائل فردی و فرعی گرفته تا مسائل اجتماعی و کلی.

البته در کتاب‌های مربوطه به تفصیل شرایط امر به معروف و نهی از منکر و همچنین مراتب مختلف آن و احکام و حدود و ثغور آن و همچنین راه‌های اجرایی شدن و عملیاتی شدن امر به معروف و نهی از منکر بیان شده است.<sup>۲</sup> که پرداختن به آنها در اینجا خارج از چارچوب بحث ما است. آنچه که در اینجا می‌خواستیم نشان دهیم این بود که امر به معروف و نهی از منکر از مشخصه‌های بارز سبک زندگی اسلامی است و اسلام و اولیای دین همه تلاش خود را در جهت عملیاتی کردن و نهادینه نمودن این رفتار اسلامی به عمل آورده‌اند. امام حسین (علیه‌السلام) برای عمل به این دو فریضه بود که جان عزیز خود و همه یاران و نزدیکانش را فدا کرد.

المنکر و اعلاها و اتقنها و أشدّها تأثيراً خصوصاً بالنسبة إلى رؤساء الدين هو أن يلبس رداء المعروف واجبه و مندوبه و يتزوع رداء المنكر محرّمه و مكروهه و يستكمل نفسه بالاخلاق الكريمة و ينزهها عن الاخلاق الذميمة.»

۱. ده گفتار، مرتضی مطهری، ص ۹۲.

۲. بنگرید به: جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمدحسن نجفی، ج ۲۱، ص ۳۶۶-۳۸۳؛ بزرگ‌ترین فریضه، محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش قاسم شبان‌نیا، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹.

۵. بر اساس تعالیم دینی، معیار کلی و عام نحوه معاشرت با دیگران این است که «هر چه برای خود می‌پسندیم برای دیگران نیز بپسندیم و هر چه را برای خود ناروا می‌دانیم برای دیگران نیز ناروا بدانیم». این توصیه را می‌توان به عنوان بهترین معیار برای تشخیص درستی یا نادرستی رفتارهای خود در همه انواع پنج‌گانه معاشرت به کار گرفت.

۶. مدارا با دیگران از لوازم فطرت الهی است. لازمه محبت به خدا، محبت به خلق خدا است و لازمه محبت به خلق خدا، مدارا با آنان است. افزون بر این، مدارا با مردم از مهم‌ترین اصول زندگی اجتماعی است. با توجه به تنوع سلاقی و علائق و اندیشه‌های مردمان نباید انتظار داشت همگان بر اساس خواسته‌های ما رفتار کنند. به همین دلیل، بهترین راه برخورد با مردم در موارد اختلافی، مدارا است. البته باید دانست که مدارا با مردم به معنای مدارا با انحرافات و کج‌روی‌ها نیست.

۷. از مهم‌ترین آداب اجتماعی مورد تأکید اسلام، اهتمام به امور خلق است. این مسأله تا جایی اهمیت دارد که عده‌ای به غلط گمان کرده‌اند «طریقت به جز خدمت خلق نیست». عده‌ای نیز گمان کرده‌اند که امور خلق منحصر در امور مادی و رفاهی است، در حالی که چنین نیست؛ بلکه کسانی که در جهت هدایت روحی و معنوی مردمان و ترویج و تعلیم معارف الهی و گسترش علمی و عملی توحید در سطح جامعه گام برمی‌دارند، سودمندی‌شان برای مردم به مراتب، بیشتر از سودمندی مادی و دنیوی است.

۸. ادب معاشرت آیینی در اسلام تا جایی اهمیت دارد که گفته شده است، «کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نوزد، مسلمان نیست» و برای کسی که در رفع نیازهای هم‌کیشان خود تلاش می‌کند، پاداش‌های اخروی فراوانی و عده داده شده است.

۹. در زندگی اجتماعی همواره ممکن است کدورت‌هایی میان افراد پدید آید. در چنین شرایطی ادب اسلامی و انسانی اقتضا می‌کند افراد دیگر در جهت آشتی میان آنان اقدام کنند. چنین کاری از خواسته‌های اسلام است. این عمل، افزون بر اینکه به سلامت زندگی اجتماعی

## ❖ خلاصه فصل

۱. علی‌رغم اجتماع‌گریزی برخی معنویت‌گرایان، انسان افزون بر آنکه مدنی بالطبع است، از معاشرت با دیگران نیز بهره‌های فراوانی می‌برد: اصل بقا و ادامه حیات او مرهون زیست اجتماعی است؛ داشتن تصویر و تصویری واقع‌بینانه از خود و دیگران، امکان تخلق با فضایی همچون عدالت، انصاف، احسان، ایثار، انفاق، صدقه، تواضع، امانت، صداقت، صراحت، عفت، و دوری‌گزینی از رذایلی مانند ظلم، حق‌کشی، خودخواهی، تکبر، خیانت، دروغ، بی‌حیایی، رشوه، بی‌بند و باری، غیبت، حسادت، ریا، سمعه و امثال آن همگی در سایه زیست اجتماعی محقق می‌شود.

۲. ارزش معاشرت با دیگران، ارزشی ایزاری است. یعنی اگر در خدمت توسعه کمال و تهذیب نفس و در جهت اهداف عالی انسانی باشد، ارزشمند است. به همین دلیل در قرآن و روایات از معاشرت با دین‌ستیزان، منافقان، چاپلوسان، دروغ‌گویان، فاسقان، بخیلان و افراد نادان پرهیز داده شده است.

۳. به طور کلی می‌توان انواع معاشرت‌ها را به پنج دسته تقسیم کرد: (۱) معاشرت‌های انسانی: یعنی روابطی که ما با دیگران به عنوان هم‌نوع داریم؛ (۲) معاشرت‌های آیینی: یعنی روابطی که با دیگر هم‌کیشان خود داریم؛ (۳) معاشرت‌های اجتماعی: یعنی روابطی که با دیگران به عنوان همسایه یا هم‌شهری برقرار می‌کنیم؛ (۴) معاشرت‌های دوستانه: یعنی روابطی که با افراد خاصی به عنوان دوست داریم و (۵) معاشرت‌های خانوادگی: یعنی ارتباطاتی که با سایر اعضای خانواده (پدر، مادر، برادر، خواهر و ...) داریم.

۴. اسلام تأکید ویژه‌ای درباره معاشرت با همسایگان و تکریم و احسان آنان دارد. قرآن کریم احسان به همسایه را از مصادیق توحید عملی می‌داند. در متون اسلامی نیز صدها روایت درباره ضرورت تکریم به همسایه و احسان به او وارد شده است.

کمک می‌کند، پاداش اخروی آن نیز به مراتب برتر از پاداش نماز و روزه و صدقه دانسته شده است.

۱۰. «امر به معروف» و «نهی از منکر» از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی است. اهتمام به این مسأله نشان دهنده آن است که انسان خوبی‌ها و فضایل را تنها برای خود نمی‌خواهد و پرهیز از زشتی‌ها را اختصاصی نمی‌داند. اسلام، امر به معروف و نهی از منکر را لازمهٔ محبت میان مؤمنان و دغدغه‌مندی آنان نسبت به سرنوشت دیگران می‌داند.

۱۱. امر به معروف و نهی از منکر وظایفی عام‌اند: اولاً، همهٔ مسلمانان از زن و مرد و کوچک و بزرگ مشمول این حکم‌اند؛ ثانیاً، در همهٔ زمان‌ها قابل اجرا است؛ ثالثاً، نسبت به همهٔ افراد جامعه قابل اجرا است و رابعاً، همهٔ احکام و مسائل فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

### ❖ پرسش‌ها

۱. فواید اخلاقی معاشرت با دیگران و زیست اجتماعی را بیان کنید.
۲. این جمله را تبیین کنید: «معاشرت به خودی خود دارای ارزش نیست؛ ارزش آن وابسته به هدف نهایی آن است».
۳. توضیح دهید که در آیه زیر اولاً، چگونه میان «توحید» و «احسان به همسایه» ارتباط برقرار شده است؟ ثانیاً تعبیر «احسان» چه نکته اخلاقی‌ای را به دنبال دارد؟ و ثالثاً، تفاوت «الاحسان الی ... الجار» با «الاحسان بالجار» چیست؟  
وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا<sup>۱</sup>
۴. چرا توصیه شده است در برخورد با دیگران معیار «هر چه برای خود می‌پسندیم برای دیگران نیز بی‌پسندیم» را به کار گیریم؟
۵. با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه خدمت به خلق در آموزه‌های اسلامی آیا می‌توان گفت «عبادت به جز خدمت خلق نیست»؟ چرا؟ توضیح دهید.
۶. اینکه گفته شده است: «کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست [یا از مسلمانان نیست]» به چه معنا است؟
۷. منظور از این جمله که «امر به معروف و نهی از منکر وظایفی عام‌اند» چیست؟ به دقت توضیح دهید.

---

۱. سوره نساء، آیه ۳۶.

❖ مسائلی برای گفتگو و مباحثه

۱. به نظر شما آیا جامعه ما ارزش‌های اسلامی را در معاشرت‌های اجتماعی مراعات می‌کند؟ به چه میزان؟ اگر درصد مراعات آداب اسلامی در عرصه معاشرت‌های اجتماعی اندک است، به نظر شما چرا چنین است؟ راه نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی چیست؟
۲. ارزش‌های حاکم در حوزه معاشرت‌های انسانی چیست؟
۳. معیارهای شما برای انتخاب دوست چیست؟ این معیارها تا چه اندازه با معیارهای دینی تطابق دارند؟

❖ منابعی برای مطالعه

۱. *نوستی در قرآن و حدیث*، محمد محمدی‌شهری، ترجمه سیدحسن اسلامی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۹.
۲. *اخلاق در قرآن*، محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۸. ج ۳، صص ۲۴۷-۲۸۵ و صص ۴۱۳-۴۲۳.
۳. *اخلاق معاشرت*، جواد محدثی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۴. *آداب الصحبه*، محمدبن حسین سلمی، دمشق، دار الكتاب العربی، ۱۴۱۰ق.
۵. *آداب معاشرت و اخلاق اجتماعی*، محمد باقری، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.

تمدنی غرب می‌داند. فوکویاما، هانتینگتون،<sup>۴</sup> برژنسیکی<sup>۵</sup> و دیگر اندیشمندان غربی همگی زنگ خطر گسیختگی اجتماعی غرب را به صدا درآورده‌اند. به هر حال، علیرغم همه این انحرافات و کج‌روی‌ها، هنوز هم خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی شناخته می‌شود.

تشکیل خانواده در نگاه اسلام از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. خانواده هر چند از نظر جمعیت، یک جامعه بسیار کوچک دانسته می‌شود اما اسلام به منظور سالم‌سازی جوامع بزرگ‌تر انسانی اهتمام ویژه‌ای به سلامت نهاد خانواده دارد. خانواده مهم‌ترین جایی است که در آن باورها و اعتقادات دینی، ارزش‌های اخلاقی و هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسلی منتقل می‌شود. از طریق خانواده است که نسل بعدی با دنیای بیرونی آشنا می‌شوند، چگونگی معاشرت و روابط اجتماعی با دیگران را می‌آموزند و راه و رسم زندگی، اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی را فرا می‌گیرند.

از این رو، اسلام برای حفظ قداست و ارزش خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل است. به همین دلیل، پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ عَزَّ وَجَلَّ وَ أَعَزُّ مِنَ التَّرْوِيجِ»<sup>۶</sup> پاک‌سازی محیط خانواده و جامعه از آلودگی‌ها، تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده، تبیین روابط سالم و سازنده میان همسران و دیگر اعضای خانواده، و تأکید ویژه بر تربیت فرزند از جمله برنامه‌هایی است که اسلام برای حفاظت از کانون مقدس خانواده مورد توجه قرار داده است.

اعضا و ارکان تشکیل دهنده نهاد یا سیستم خانواده در اسلام عبارتند از زن و مرد که بر اساس سنت اسلام به عقد یکدیگر درآمده‌اند، به عنوان ارکان اصلی، و فرزندان به عنوان ارکان تکمیلی. طبیعتاً اگر بخواهیم شناختی عمیق از روابط خانوادگی داشته باشیم، لازم است ارکان و اعضای آن و همچنین نحوه تعاملات آنها با یکدیگر را به درستی بشناسیم. سبک ارتباطات خانوادگی اسلامی

## فصل ششم سبک زندگی اسلامی در روابط خانوادگی

### اهمیت و جایگاه خانواده

خانواده از نگاه جامعه‌شناسان، نخستین و مهم‌ترین «نهاد» اجتماعی دانسته می‌شود. به همین دلیل چگونگی ارتباطات و روابط اعضای خانواده با یکدیگر در حقیقت پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری انسان را شکل می‌دهد. هر چند در دوران مدرن متأثر از ارزش‌های مدرنیسم و پست مدرنیسم، گونه‌های متعددی از «خانواده» مورد تأیید و توجیه قرار گرفته است: خانواده‌های بدون فرزند،<sup>۱</sup> خانواده تک‌والدینی، خانواده تک جنسیتی، خانواده دو نوعی [انسان و حیوان]؛ اما روشن است که وجود چنین خانواده‌هایی به معنای درستی و ارزشمندی آنها نیست. اینها در حقیقت پیامد ارزش‌های لیبرالیستی و سکولاریستی غربی است. پیامد لذت‌گرایی لجام گسیخته انسان غربی است.<sup>۲</sup> هر چند برخی از نویسندگان و دلبختگان این فرهنگ سعی می‌کنند به توجیه و تفسیر این نوع رفتارها بپردازند،<sup>۳</sup> اما بسیاری از آگاهان در همان جامعه، این حالت را خطری بزرگ برای بقای

۱. تحقیقات نشان می‌دهد که از دهه ۱۹۵۰ تاکنون تعداد زوج‌هایی که بدون فرزند زندگی می‌کنند، روندی فزاینده داشته است. (جامعه‌شناسی مدرن، پتر ورسلی، ترجمه حسن پویان، ج ۱، صص ۲۳۱-۲۴۶). چنین خانواده‌هایی معمولاً برای پر کردن خلأ فرزند، روی به سوی حیوانات خانگی مثل سگ و گربه و امثال آن آورده‌اند و سعی می‌کنند با نگهداری آنها و حفاظت از آنها، خلأ فرزند داشتن را پر کنند.

۲. «فرهنگ رفاه»، فرانسیس فوکویاما، در نظریه برخورد تمدنها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، صص ۱۷۵-۱۷۶.

۳. موج سوم، آلون تافلر، ترجمه شهیندخت خوارزمی، صص ۲۸۹-۲۹۲ و ۲۹۸.

۴. برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ساموئل بی. هانتینگتون، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، صص ۴۸۹-۴۹۰.

۵. «برج و باروی سست‌بنیان غرب بولهوس»، زیگیو برژنسیکی، در نظریه برخورد تمدنها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، صص ۱۶۶-۱۶۷.

۶. بحار الانوار، ج ۱۰۰، صص ۲۲۲.



ارتباطات و روابط مختلفی در محیط خانواده مطرح است که اسلام برای تک تک آنها طرح و الگوی خود را ارائه داده است: روابط زن و شوهر با یکدیگر، روابط والدین با فرزندان، روابط فرزندان با والدین، روابط فرزندان با یکدیگر از اهم روابط موجود در محیط خانواده هستند.

### سبک زندگی اسلامی در معاشرت‌های خانوادگی

استحکام و بقای نظام خانواده منوط به تحقق شاخص‌هایی است که اعضای خانواده باید آنها را رعایت نمایند.<sup>۲</sup> ذیلاً برخی از آنها را توضیح می‌دهیم:

#### رعایت اصول و ارزش‌ها در انتخاب همسر

پیوند زناشویی و ازدواج مبتنی بر یکسری اصول و ارزش‌ها است که ممکن است در هر فرهنگی متفاوت باشند. در فرهنگ اسلامی لازم است ارزش‌های خاصی برای انتخاب شریک زندگی رعایت شود که عدم توجه به آنها می‌تواند آینده زندگی زناشویی را با خطر مواجه سازد و یا کارآمدی لازم را از آن بستاند: اصالت خانوادگی، اخلاق، دینداری، کفویت، محبت و علاقه و انتخابی بودن<sup>۳</sup> از شاخص‌های انتخاب همسر دانسته شده است. از انتخاب همسر با معیارهای صرفاً مادی و ظاهری به شدت پرهیز داده شده است. البته منظور آن نیست که این معیارها هرگز نباید مورد توجه باشد، منظور آن است که اصالت را به آنها ندهیم. ممکن است فردی از زیبایی ظاهری برخوردار باشد، اما باطنی آلوده یا ریشه‌ای فاسد داشته باشد. روشن است که ازدواج و تشکیل زندگی مشترک با چنین فردی کاری عاقلانه نیست. بلکه در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که اگر کسی صرفاً به دلیل زیبایی با فرد دیگر ازدواج کند، خیری از ازدواج خود

متأثر از شناخت وظایف و مسؤولیت‌ها و جایگاه هر یک از ارکان سازنده خانواده است. باید بدانیم که رفتار هر یک از اعضا می‌تواند عملکرد کل سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. اختلال در رفتار یکی از اعضا می‌تواند عملکرد کل سیستم را مختل کند. کارآمدی خانواده معلول و محصول کارآمدی تک تک اعضای آن است. به همین دلیل، شناخت وظایف اخلاقی هر یک از اعضای خانواده و عملکرد درست هر کدام از آنها می‌تواند این بنای محکم و محبوب الهی را در راستای تکامل و سعادت دنیوی و اخروی انسان قرار دهد.

#### خانواده و تأمین نیازهای انسان

هر فرد انسانی هم در اصل حیات و هستی و هم در بقا و پایداری خود نیازمند خانواده است. همین مسأله روابط خاصی را میان او و دیگر اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر پدید می‌آورد. در بعد معنوی و حیات اخلاقی نیز هر انسانی نیازمند انسان‌های دیگر است که در نخستین گام خانواده است که بنیان‌های معنوی و اخلاقی فرد را پی‌ریزی می‌کند. افزون بر این، نیازهای جنسی و عاطفی زن و شوهر نیز در محیط خانواده است که به سالم‌ترین شکل تأمین می‌شود. در خانواده است که بنیان‌های هویت و شخصیت فرزندان پی‌ریزی می‌شود. در حدیث مشهوری از پیامبر اسلام چنین نقل شده است:

مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يُهَوِّدَانِهِ وَ يُنَصِّرَانِهِ وَ يُمَجِّسَانِهِ؛<sup>۱</sup>

همه بچه‌ها، با فطرتی پاک و الهی به دنیا می‌آیند. اما والدین‌اند که آنها را یهودی، مسیحی یا مجوسی می‌کنند.

بر این اساس است که می‌توان گفت خانواده نقش منحصر به فردی در تکون شخصیت و هویت واقعی افراد به ویژه فرزندان دارد. خانواده هم می‌تواند موجبات انحراف و شقاوت افراد را رقم بزند و هم زمینه‌های هدایت و سعادت آنها را فراهم نماید.

۲. برای توضیح بیشتر، رک: «شاخص‌های خانواده کارآمد بر اساس مبانی علم و دین»، مرتضی ثابت‌قدم و غلامرضا خیرآبادی، در تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص ۲۳۰-۲۳۷.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، باب ۳، حدیث ۱۸، صص ۲۳۵.

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۹.

نخواهید دید و ممکن است به هدف خود نرسد و زندگی‌ای تلخ و پر از گرفتاری نصیب او شود. به همین دلیل، توصیه شده است که ملاک اصلی انتخاب شما، دین‌داری افراد باشد.

مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِجَمَالِهَا لَمْ يَرَفِيهَا مَا يُحِبُّ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِأَمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ؛<sup>۱</sup>

کسی که صرفاً برای زیبایی با زنی ازدواج کند، چیزی را که دوست دارد در او نخواهد دید؛ و کسی که صرفاً برای مال و ثروت با زنی ازدواج کند، خدای متعال او را به همان مال و ثروت واگذار می‌کند؛ پس بر شما است که با افراد دین‌دار ازدواج کنید.

ذیلاً برخی از مهم‌ترین ارزش‌های اسلامی در انتخاب همسر را به اختصار بیان می‌کنیم:

#### اصالت خانوادگی

یکی از معیارهای اسلامی برای انتخاب همسر توجه به اصالت خانوادگی فرد است. اگر فردی اصالت خانوادگی نداشته باشد، بر پایه تقوا و اخلاق و دین تربیت نشده باشد، به طور قطع، ستونی لرزان و سست برای بر پا کردن خیمه خانواده خواهد بود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ أَيُّكُمْ وَحَضْرَاءُ الدِّمَنِ.» قيل: «يا رسولَ الله و ما حَضْرَاءُ الدِّمَنِ؟» قال: «المرأةُ الحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السَّوِّءِ؛<sup>۲</sup>

ای مردم، از گیاهان سبز و خرمی که در مزبله رشد کرده‌اند بپرهیزید! گفتند: ای رسول خدا، منظور از این جمله چیست؟ در پاسخ فرمود: دختر زیبایی که در خانواده‌ای بد رشد کرده باشد.

در روایت دیگری، از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده است که فرموده‌اند:

فرزندان انسان از نظر ویژگی‌های جسمی و روحی، بیشتر به برادران زن او شباهت پیدا می‌کنند.<sup>۳</sup>

از این گونه روایات می‌توان دریافت که اصالت و شرافت خانوادگی همسر، بسیار مهم است. تذکر این نکته لازم است که اصالت خانوادگی همسر، یکی از شرایط است و نه تنها شرط. چه بسا افرادی که دارای خانواده‌ای اصیل و باتقوا و باشرافت هستند، اما خود آنان از آن تقوا و شرافت و اصالت بهره‌ای نبرده‌اند. پسر نوح از نمونه‌های تاریخی این مدعا است. او که از خانواده نبوت بود، به سبب عملکرد نامطلوبش، در زمره مخالفان نبوت و در صف دشمنان پدر جای گرفت. بنابراین اصالت خانوادگی، علت تامه خوبی همسر نیست، اما غفلت از آن نیز جایز نمی‌باشد. البته این به معنای آن نیست که هر کسی در خانواده‌ای غیر اصیل رشد کرده باشد، پس حتماً خودش هم از اصالت برخوردار نیست و ضرورتاً فرد نامناسبی خواهد بود! فراوان بوده‌اند افرادی که در خانواده‌ای غیر مذهبی و غیر اخلاقی رشد کرده‌اند؛ آنان راهی دیگر انتخاب کرده و انسان‌هایی بزرگ شده‌اند. بنابراین نداشتن خانواده‌ای اصیل نیز علت تامه بد بودن نیست. در انتخاب چنین همسرانی باید دقت و وسواس بیشتری به کار گرفت.

#### پارسایی و دین‌داری

یکی دیگر از مهم‌ترین شرایط همسر خوب از نگاه اسلام، «تقوا و تدین» اوست. البته تقوا درجات بسیار دارد. کمترین درجه آن، که نادیده گرفتنش در امر انتخاب همسر آفات و آسیب‌های فراوانی را در پی خواهد داشت، انجام واجبات و ترک محرّمات است. دختران و پسران جوان بدانند کسی که در برابر خدای جهان و خالق هستی کرنش نکرد و به دستورات او بی‌اعتنایی نمود، در برابر همسرش هم کرنش نخواهد داشت و ارزشی برای او قائل نخواهد شد؛ کسی که در برابر آن همه نعمت خداوند حاضر نشد شکر او را به جا آورد و حتی حاضر نشد نمازهای روزانه را انجام دهد،

۱. وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۵۰.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

۳. اِخْتَارُوا لِطُفْئِكُمْ؛ فَإِنَّ الْخَالَ أَعَدَّ الضَّجِيعِينَ. (جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمدحسن نجفی، ج ۲۹، ص ۳۷)

اگر کسی به دلیل زیبایی یا ثروت با یک زن ازدواج کند، خداوند او را به همان‌ها واگذار می‌کند؛ اما اگر معیار او در انتخاب همسرش، دین او باشد، خداوند زیبایی و ثروت را نیز به او عطا می‌کند.

#### آرستگی به فضایل اخلاقی

یکی دیگر از شرایط همسر خوب، خوش اخلاق بودن است. همسر خوب، کسی است که آراسته به فضایل اخلاقی باشد و در حد توان خود در صدد دوری از رذایل و زشتی‌های اخلاقی باشد. کسی در نامه‌ای از امام رضا(علیه‌السلام) پرسید: یکی از اقوام من به خواستگاری دخترم آمده است، اما قدری بد اخلاق است. امام رضا(علیه‌السلام) در پاسخ او نوشت: اگر بد اخلاق است، دختری خود را به او نده.<sup>۴</sup>

در روایت دیگری از ایشان نقل شده است که می‌فرماید:

وَإِيَّاكَ أَنْ تُزَوِّجَ شَارِبَ الْخَمْرِ فَإِنَّ زَوْجَتَهُ فَكَأَنَّمَا قُدَّتْ إِلَى الزَّانَا؛<sup>۵</sup>

دختر خود را هرگز به شراب‌خوار ندهید؛ وگرنه مانند این است که او را به سوی زنا سوق داده باشید.

#### ارکان استحکام خانواده

همانطور که اشاره شد، اسلام اهمیت بسیار زیادی به خانواده و حفظ و استحکام آن داده است. استحکام خانواده از مهم‌ترین عوامل استحکام اجتماع است؛ امنیت روحی و روانی در خانواده مهم‌ترین عامل تحقق امنیت روانی در جامعه است؛ اهتمام به دین در نهاد خانواده، به اهتمام به دین در سطح جامعه منجر می‌شود. بر این اساس باید تلاش کرد که نهاد خانواده کاملاً مستحکم باشد. اما عوامل استحکام خانواده چیست؟ بسیاری از افراد گمان می‌کنند اگر بخواهند از ابتدا لوازم و مقدمات استحکام خانواده را فراهم نمایند باید مهریه‌های سنگین و جهیزیه‌های مجلل و گران‌قیمتی

چگونه می‌توان پذیرفت که قدردان زحمات و تلاش‌های همسرش باشد؟ پس باید در ازدواج دست کم، به کمترین درجه تقوا، یعنی انجام واجبات و ترک محرمات، اهتمام جدی ورزید و از اصالت دادن به زیبایی‌های ظاهری و ثروت و قدرت و امثال آن خودداری کرد. چرا که همه اینها با حادثه‌ای کوچک و ناچیز ممکن است از بین بروند. آنچه که می‌ماند تقوای الهی است. قرآن می‌فرماید: «بهترین و بزرگوارترین شما در نزد خداوند پارساترین شما است.» پس چرا ما هم در انتخاب‌هایمان اصالت را به این معیار الهی ندهیم. به همین دلیل است که اولیای دین به پدران و مادران توصیه کرده‌اند که اگر خواستگار خوش اخلاق و متدینی به خواستگاری دختر شما آمد، بپذیرید، وگرنه پیامدهای بسیار بدی خواهد داشت.<sup>۱</sup>

مردی به محضر امام حسن(علیه‌السلام) آمد و عرض کرد دختری دارم و زمان ازدواجش فرا رسیده است، او را به چه کسی بدهم؟ امام(علیه‌السلام) فرمود:

زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا؛<sup>۲</sup>

به مرد پارسایی او را بده؛ زیرا اگر او را دوست داشته باشد، عزیزش می‌دارد و اگر او را خوش ندارد، به او ظلم نخواهد کرد.

امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرماید:

إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكُلَّ أَلَى ذَلِكَ وَ إِذَا تَزَوَّجَ لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ؛<sup>۳</sup>

۱. در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) چنین می‌خوانیم: إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرَضُونَ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادًا كَبِيرًا. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲).

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۰، باب ۳، حدیث ۱۷، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

۵. همان، ج ۶۳، ص ۴۹۱.

را در نظر بگیرند. و به طور کلی شرایط اقتصادی و مادی را به گونه‌ای چینش نمایند که از فروپاشی این نهاد جلوگیری کنند! اما تجربه نشان داده است، این روشی کاملاً اشتباه است. هیچگاه مهریه‌های سنگین یا جهیزیه‌های مجلل عامل بقاء خانواده نبوده و نیست. هر چند ممکن است در برخی موارد از نظر ظاهری مانع جدایی شود؛ اما هرگز نمی‌تواند مانع جدایی روحی و روانی و جدایی دل‌ها شود.

از نظر اسلام مهم‌ترین ارکان استحکام خانواده «مودت» و «رحمت» میان زن و مرد است:<sup>۱</sup>  
 وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً  
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ؛<sup>۲</sup>

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان محبت و رحمت قرار داد؛ به یقین در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

«مودت» یعنی «دوستی عاقلانه و نه دوستی غریزی» و «رحمت» یعنی «گذشت مهربانانه از لغزش‌ها و کوتاهی‌های یکدیگر». اگر تشکیل خانواده بر پایه دوستی‌های غریزی باشد، دیر یا زود چنین دوستی و مودتی فروکش خواهد کرد و آرام آرام روابط زناشویی به سردی می‌گراید. به علاوه، تصمیم‌هایی که بر اساس غریزه است، تصمیم‌های آگاهانه و انتخاب‌های عاقلانه‌ای نیستند. به همین دلیل، خیلی زود با مشاهده موارد دیگری برای ارضای غریزه ممکن است نسبت به همسر خود بی‌رغبت شود. اما دوستی‌هایی که با انتخاب آگاهانه و تصمیمی عاقلانه آغاز می‌شود، هر چه بر مدت آن بگذرد، بر استحکام آن افزوده می‌شود. زیرا با افزایش سن و با گذشت زمان تجارب زن و مرد افزوده‌تر می‌شود و عقل آنها قوام بیشتری می‌یابد. به همین دلیل، فضایی صمیمی‌تر و مهربان‌تر را در کانون خانواده شکل خواهند داد. از سوی دیگر، خانواده‌ای که اختلاف در آن رخ ندهد، و لو

در سطح اختلافات سلیقه‌ای، وجود ندارد. مهم، داشتن مهارت حل اختلافات است. اگر خانواده بر پایه مودت شکل گرفته باشد، اختلافات نیز بر پایه «رحمت» رفع خواهند شد. توصیه اسلام همین است که به هنگام اختلافات و در برابر لغزش‌های طرف مقابل از سر رحمت برخوردار کنید. یعنی با مهربانی و رأفت از لغزش‌های یکدیگر درگذرید.

#### مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده

همین که فرد تشکیل خانواده می‌دهد در حقیقت از حالت فردی خود را خارج می‌کند و مسئولیتی اجتماعی را می‌پذیرد. خود را در قبال افراد دیگر مسؤول می‌کند. از حالت «من» بودن در آمده و به اقتضائات و شرایط «ما» بودن تن می‌دهد. مهم‌ترین مسئولیت خانوادگی یک فرد مسلمان مواظبت بر ایمان تک تک اعضای خانواده است. قرآن کریم در این رابطه تأکید می‌کند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ  
 غُلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ؛<sup>۳</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.

در آیات دیگری نیز مسئولیت نسبت به ایمان و اعتقادات و رفتارهای سالم در برابر اعضای خانواده مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>۴</sup> مسئولیت‌پذیری در قبال سایر اعضای خانواده اقتضا می‌کند که در حمایت‌های مادی و معنوی از آنان و دلسوزی و مراقبت از آنان دریغ نکنیم.

۳. سوره تحریم، آیه ۶.

۴. رک: سوره طه، آیه ۱۳۲؛ «و أمر اهلک بالصلوة و اصطبر علیها»؛ سوره شعراء، آیه ۲۱۴؛ «و أندر عشرتک الاقرین».

۱. رک: جامعه در قرآن، عبدالله جوادی آملی، صص ۶۸-۶۹.

۲. سوره روم، آیه ۲۱.

امام سجاد(علیه السلام) در رساله حقوق، حقوق فرزندان (برادران و خواهران) را نسبت به یکدیگر چنین بیان می‌کند:

أَمَّا حَقُّ أُخِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ يَدُكَ الَّتِي تَبْسُطُهَا وَظَهْرُكَ الَّذِي تَلْتَجِي إِلَيْهِ وَعِزُّكَ الَّذِي تَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَفُوتُكَ الَّتِي تَصُولُ بِهَا فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحاً عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَلَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ بِحَقِّ اللَّهِ وَلَا تَدْعُ نُصْرَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَمُعَوَّنَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَالْحَوْلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَيْطَانِهِ وَتَأْدِيَةَ النَّصِيحَةِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ فَإِنَّ انْقَادَ لِرَبِّهِ وَأَحْسَنَ الْإِجَابَةَ لَهُ وَإِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ آثَرَ عِنْدَكَ وَأَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ؛<sup>۲</sup>

اما حق برادر تو این است که بدانی که او برایت [مانند] دستی است که می‌گشایی و پشتوانه‌ای است که به آن پناه می‌بری و عزتی است که به آن تکیه می‌کنی و نیرویی است که به وسیله آن چیرگی می‌یابی. پس او را وسیله‌ای برای معصیت خدا و کمکی برای ستم به حق خداوند مگیر و درباره او کوتاهی مکن و او را در برابر دشمنش یاری کن و میان او و شیاطینش فاصله انداز و او را نصیحت کن و در راه خدا به او روی آور. پس اگر مطیع و فرمانبر پروردگارش بود [با او باش] و گرنه باید که خداوند در نزد تو محبوب‌تر و بزرگ‌تر از او باشد.

اسلام از طرفی بر حفظ و تقویت روابط عاطفی میان اعضای خانواده و همدلی و مدارای میان آنان تأکید ویژه دارد، تا جایی که امام صادق(علیه السلام) می‌فرماید اگر در میان اعضای یک خانواده رفق و مدارا نباشد، خیر از آن خانواده دور می‌شود.<sup>۳</sup> و از طرفی این مسأله را مورد تأکید قرار می‌دهد که مبادا رفق و مدارا در میان اعضای خانواده موجب شود که کجروی‌ها و انحرافات یکدیگر را سرپوش بگذارند و در اصلاح یکدیگر کوتاهی نمایند. به همین دلیل، پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به ابن مسعود از یاران نزدیک پیامبر می‌فرماید:

قرآن کریم در سوره لقمان نصیحت‌های لقمان خطاب به فرزندش را نقل می‌کند. توصیه به توحید و خداپرستی و پرهیز از شرک و توجه دادن فرزند به حیات اخروی و عکس العمل کارهای ریز و درشتی که انجام می‌دهد و همچنین توصیه به اقامه نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر بر ناملايمات، و تعلیم چگونگی برخورد با مردم و پرهیز دادن او از رداییلی همچون تکبر و فخرفروشی و نرم‌خویی و نرم‌گویی با مردم از جمله توصیه‌هایی است که لقمان به فرزندش دارد. و این می‌تواند الگویی برای روابط مسؤولانه اعضای خانواده با یکدیگر باشد:

وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ... يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ وَ لَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ؛<sup>۱</sup>

(به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است» ... پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمان‌ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد؛ خداوند از اسرار دقیق باخبر و آگاه است. پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصیبتی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است. (پسرم!) با بی‌اعتنایی از مردم روی مگردان، و با تکبر و غرور بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. (پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها صدای خران است.

۲. تحف العقول، رساله الحقوق، صص ۲۶۳-۲۶۴.

۳. مَا زُوِيَ الرَّفْقُ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ (الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹).

۱. سوره لقمان، آیات ۱۳ و ۱۶-۱۹.

یا بن مسعود لاتحملن الشفقة علی اهلک و ولدک علی الدخول فی المعاصی و الحرام؛<sup>۱</sup>  
ای ابن مسعود! مهربانی‌ات نسبت به همسر و فرزندان موجب داخل شدن در گناهان و  
محرمات نشود.

به همین دلیل است که در قرآن کریم می‌خوانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ  
مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛<sup>۲</sup>

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر پدران و مادران شما، کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنها  
را ولی (و یار و یاور و تکیه‌گاه) خود قرار ندهید. و کسانی از شما که آنان را ولی خود  
قرار دهند، آنان ستمکارانند.

برخی از اندیشمندان اسلامی با توجه به مجموعه آیاتی که مسؤولیت اعضای خانواده در قبال  
یکدیگر را ترسیم می‌کنند، چنین نتیجه گرفته‌اند که:

در اسلام کارکرد خانواده فقط در فراهم ساختن نیازهای اقتصادی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه  
وظیفه اساسی آن، مراقبت از فرزندان، نظام‌بخشی به رفتار غریزی نوجوانان و جوانان و  
تأمین نیازهای فرهنگی و اجتماعی آنان است. البته در جوامعی که خانواده در آنها سهمی  
جز آسایشگاه موقت شبانه ندارد، چنین احکامی هم نیست.<sup>۳</sup>

#### رعایت حقوق متقابل

هر چند اصل در روابط خانوادگی بر همدلی تک‌تک اعضا است؛ اما به هر حال در هر نوع  
روابط انسانی ممکن است اختلافات و کشمکش‌هایی پیدا شود. اسلام عزیز اولاً برای آنکه حتی  
الامکان از وقوع چنین حالتی جلوگیری نماید و ثانیاً در صورت وقوع راه‌کاری منصفانه و عادلانه

ارائه دهد، برای هر یک از اعضای خانواده در قبال سایر اعضا، حقوق و وظایفی را معین کرده است:  
حقوق مشترک میان همسران و حقوق اختصاصی زن و مرد و حقوق متقابل میان والدین و فرزندان.  
در یک خانواده اسلامی این حقوق و وظایف به خوبی رعایت می‌شوند. عدم رعایت این حقوق و  
عدم انجام آن وظایف به طور قطع کارکردهای اخلاقی و اجتماعی خانواده را تضعیف می‌کند و آن  
را از کارآمدی لازم می‌اندازد. کمترین فایده و ثمره رعایت حقوق متقابل میان اعضای خانواده این  
است که روابط خانوادگی را به درستی و به صورت عادلانه تنظیم می‌کند.

امام سجاد(علیه‌السلام) ارتباط والدین با فرزندان را با توجه به اینکه فرزند اساساً از آن والدین است  
و جزئی از وجود آنان است به این صورت بیان فرموده‌اند:

وَ أَمَّا حَقٌّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ  
مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ  
فِي نَفْسِهِ فَمُنَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ؛<sup>۴</sup>

حق فرزندان بر تو آن است که بدانی او از توست و خیر و شرش در این دنیا منتسب به  
تو است و تو به دلیل مسؤولیت و ولایتی که بر او داری، موظفی که او را خوب تربیت  
کنی و به جانب پروردگارش رهنمون باشی و به او کمک کنی تا در ارتباط با تو و  
خودش، از خداوند فرمان برد و نیز توجه داشته باش که اگر او را به شایستگی تربیت  
کنی، پاداش آن را خواهی یافت و چنان چه در تربیت او سهل‌انگاری نمایی، مورد عقوبت  
خداوند قرار خواهی گرفت.

البته این را می‌دانیم که مراعات قوانین حقوقی به خودی خود نمی‌تواند فضایی صمیمی و  
همدلانه ایجاد کند. در محیط خانواده بیش از آنکه بخواهیم به حقوق طرفین تکیه کنیم لازم است  
فضای محبت و همدلی برقرار باشد. فضای احسان و ایثار است که محیط خانواده را سرشار از

۱. بحار الانوار، ج ۱۷ ص ۳۲.

۲. سوره توبه، آیه ۲۳.

۳. جامعه در قرآن، عبدالله جوادی آملی، ص ۵۰.

۴. تحف العقول، رسالة الحقوق، ص ۲۶۳.

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان محبت و رحمت قرار داد؛ به یقین در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

منظور از «جعل» در این آیه جعل تکوینی و جبری نیست. یعنی چنین نیست که به محض اجرای صیغه عقد به صورت ناخودآگاه و جبری محبت و مودتی میان همسران ایجاد می‌شود! چه آنکه در آن صورت نباید هیچ مورد خلافی مشاهده می‌شد. بلکه منظور آن است که خدای متعال چنین مطالبه‌ای از همسران دارد که با دوستی و گذشت با یکدیگر برخورد کنند. هدف خداوند این است که چنین رابطه مهرورزانه و محبت‌آمیزی میان زوجین برقرار گردد.

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت هر عاملی که موجب شود عواطف معقول و معتدل میان اعضای خانواده سست یا متزلزل شود، منفور و از نظر اسلام نامطلوب خواهد بود.

البته اسلام ضمن تأکید بر فضای عاطفی میان اعضای خانواده سعی کرده است آن را در مسیر خدای متعال و رضایت و محبت او قرار دهد. به همین دلیل از عواطفی که موجب سستی در انجام دستورات الهی شود، پرهیز داده است:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ ... أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ؛<sup>۱</sup>  
 بگو: «اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران و طایفه شما و ... در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او محبوبتر است، در انتظار این باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند! و خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند.»

بنابراین عواطف خانوادگی در اسلام هر چند اهمیت ویژه دارد؛ اما ارزش مطلق ندارد. ارزشمندی آنها مقید به این است که در مسیر رضایت الهی و در جهت نیل به اهداف عالی انسانی باشد.

۵. سوره توبه، آیه ۲۴.

محبت و زیبایی می‌کند. به همین دلیل، در منابع اسلامی ارزش‌های فراوانی برای همکاری و همدلی اعضای خانواده با یکدیگر بیان شده است.<sup>۱</sup>

#### امنیت روانی در خانواده

بعد از نیاز جنسی که می‌توان آن را نخستین عامل تشکیل زندگی مشترک دانست، تأمین نیازهای عاطفی و روانی را می‌توان مهم‌ترین عامل برای تدوام و بقای نظام خانواده دانست.<sup>۲</sup> به همین دلیل می‌توان گفت یکی از شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی در محیط خانواده اصالت دادن به عواطف متقابل میان همسران و به طور کلی همه اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است. خانواده اسلامی خانواده‌ای است که محل امنیت و آرامش و سکون است. اضطراب و تشویش و بی‌اعتمادی در آن جایی ندارد. اصولاً یکی از اهداف اصلی توصیه اسلام به تشکیل خانواده همین است. اسلام می‌خواهد با تشکیل خانواده محلی برای سکونت و آرامش زن و مرد و سایر اعضای خانواده تأمین نماید.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛<sup>۲</sup>

اوست کسی که (همه) شما را از یک فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛<sup>۳</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲. [در این باب فقط همین یک حدیث را ذکر کرده است.]

۲. برای توضیح بیشتر، رک: اخلاق در قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، ج ۳، صص ۷۴-۹۲.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۸۹.

۴. سوره روم، آیه ۲۱.

### حل عاقلانه و عادلانه اختلافات

ممکن است با توجه به نکات پیشین کسی تصور کند که در خانواده اسلامی هیچ نزاع و اختلاف و مشاجره‌ای وجود ندارد. این تصور، تصور درستی نیست. نزاع و اختلاف و مشاجره در هر خانواده‌ای ممکن است رخ دهد. منظور آن است که اساس خانواده از نگاه اسلام بر سکون و آرامش و امنیت است و اختلافات مقطعی هرگز نباید این اساس را سست کند. وقتی هدف اصلی و شاخص کلی را در اختیار داشته باشیم، در زمان‌هایی که قدری بیراهه می‌رویم، می‌توانیم با سرعت و دقت مسیر اصلی را تشخیص دهیم و از جاده انحرافی باز گردیم. اسلام عزیز برای حل اختلافات خانوادگی نیز راه‌حل‌های عاقلانه و عادلانه‌ای را پیش پای همسران قرار داده است. شاید تأکید بر اصل مشورت و اصل سرپرستی مرد در خانواده، اصل حکمیت و اصل انعطاف‌پذیری و چشم پوشی همگی برای این منظور بوده است که در مواقع چالش‌خیز از سست شدن بنیان‌های اصلی خانواده جلوگیری شود. توجه به این اصول می‌تواند از به هم ریختگی فضای عاطفی خانواده جلوگیری نماید. در مواقعی که به هردلیلی میان زوجین اختلافاتی پیش می‌آید یکی از بهترین راه‌های رفع اختلاف، مشاوره و همفکری است. با مشورت و همفکری می‌توان خواسته‌های متفاوت را به خواسته‌ای مشترک و یا برنامه‌های متضاد را به برنامه‌ای واحد تبدیل کرد. به عنوان مثال، خداوند در قرآن اختلاف پدر و مادر در درباره‌ی نوع شیردهی و مدت زمان شیردهی به کودک را مطرح می‌کند و توصیه می‌کند که با مشاوره و همفکری مسأله را خاتمه دهند:

فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا  
أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا  
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ<sup>۱</sup>

و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت بخواهند (کودک را زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق مادران را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفتِ فرمانِ) خدا بپرهیزید؛ و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.

در عین حال، در زندگی خانوادگی ممکن است اختلافاتی پیش آید که با همفکری و مشورت نتوان به نتیجه قاطعی رسید. تدوam چنین وضعی می‌تواند به اساس کانون خانواده لطمه جبران‌ناپذیر وارد سازد، در چنین مواردی باید تدبیری دیگر اندیشید. اسلام در چنین مواردی، مرد را به عنوان سرپرست خانواده معرفی کرده است: الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ.<sup>۲</sup> این حکم افزون بر آنکه جنبه حقوقی دارد، جنبه اخلاقی آن نمود بیشتری دارد. امکان ندارد اجتماعی بدون وجود سرپرستی مدیر و مقتدر و محترم بتواند به حیات خود ادامه دهد. اگر در هر جمع و اجتماعی، در مواقع چالش‌خیز و بحرانی فردی نباشد که سخن آخر را بگوید، بدون تردید هویت جمعی از هم فرو می‌پاشد. البته اعطای این حق به مرد به معنای تجویز خودکامگی و خودسری و زورگویی او در محیط خانواده نیست. تمام شرایطی که یک رهبر و سرپرست باید مراعات کند، در مقیاسی کوچکتر لازم است توسط سرپرست خانواده نیز عملیاتی شود. مرد در انجام این مسؤولیت هرگز نباید از محدوده شرع و عقل خارج شود.

با این همه، ممکن است شرایطی پدید آید که مرد نیز نتواند مشکلات و اختلافات پیش آمده را حل کند. در چنین شرایطی اسلام به منظور حفظ حریم خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن، اصل صلح و سازش را مطرح کرده است. یعنی در شرایطی که پافشاری بر حقوق شرعی و قانونی خود موجب از هم گسیختگی کانون خانواده می‌شود، توصیه اسلام این است که سازش و انعطاف داشته باشند:

۲. سوره نساء، آیه ۳۴.

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۳.



فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَىٰ عَدْلٍ مِّنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛<sup>۳</sup>

ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده، (که از عادت ماهانه پاک شدند)، آنها را طلاق گوئید و حساب عده را نگه دارید؛ و از (مخالفت فرمان) خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید؛ نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود (و مرزهای) خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتم ستم کرده؛ تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه‌ای (برای اصلاح) فراهم کند. و چون عده آنها به پایان نزدیک شود، یا آنها را به طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید؛ و دو مرد عادل از خودتان را گواه بگیرید؛ و شهادت را برای خدا برپا دارید؛ این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندز داده می‌شوند و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند.

#### ارتباطات محبت‌آمیز

خانواده مطلوب اسلام در نگاه اول خانواده‌ای است که اعضای آن با یکدیگر روابطی محبت‌آمیز داشته باشند. اولیای دین به گونه‌های مختلفی سعی کرده‌اند اعضای خانواده را تشویق کنند تا روابطی محبت‌آمیز و عاشقانه با یکدیگر داشته باشند. در همین راستا است که امام صادق (علیه‌السلام) یکی از عوامل و اسباب جلب رحمت الهی را محبت شدید به فرزند می‌داند و می‌فرماید کسی که به فرزندان خود خیلی محبت بورزد، خداوند نیز او را مورد رحمت و لطف خود قرار می‌دهد:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لَشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَدِهِ؛<sup>۴</sup>

۳. سوره طلاق، آیات ۱ و ۲. (همچنین رک: سوره طلاق، آیات ۶ و ۷؛ سوره احزاب، آیه ۴۹؛ و سوره بقره آیات ۲۳۱-۲۳۲ و آیات ۲۳۶-۲۳۷).

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۸۲.

وَ إِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ؛<sup>۱</sup>

و اگر زنی، از سرکشی و ناسازگاری یا بی‌اعتنایی شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم به گونه‌ای صلح کنند (و از پاره‌ای از حقوق خود، به خاطر صلح، صرف نظر نمایند) و صلح بهتر است.

اگر با هیچ یک از راه‌حل‌های سابق مشکلات و اختلافات خانوادگی حل نشد، اسلام توصیه می‌کند که از افراد با تجربه و خیرخواه استفاده شود و آنها حکمیت میان همسران را بر عهده بگیرند:

وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا؛<sup>۲</sup>

و اگر از جدایی میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند) اگر این دو (داور) تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند دل‌های آن دو را به هم نزدیک می‌سازد؛ زیرا خداوند دانا و آگاه است (و از نیات همه با خبر است)

و بالاخره اگر باز هم به هیچ صورتی نتوانستند کانون خانواده را حفظ کنند و از فروپاشی آن جلوگیری نمایند، آخرین راه حل مورد تأیید اسلام، طلاق و جدایی عادلانه است. البته از نظر اسلام، طلاق راه‌کاری مبعوض و منفور است و تنها در شرایطی تجویز شده است که به هیچ وجه ادامه زندگی خانوادگی ممکن نباشد.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا فَإِذَا بَلَغَ أَجْلُهُنَّ

۱. سوره نساء، آیه ۱۲۸.

۲. سوره نساء، آیه ۳۵.

مواجه کند. به همین دلیل، پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هنگامی که دید مردی یکی از فرزندان خود را بوسید و دیگری را نبوسید، به او اعتراض کرد و فرمود چرا میان آنان به تساوی برخورد نمی‌کنی! آن حضرت در سخنی دیگر به مسلمانان چنین توصیه می‌کند:

اغْدُلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ؛<sup>۴</sup>

میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید همانگونه که دوست دارید در نیکی و لطف با شما به عدالت رفتار کنند.

البته اگر تبعیض، دلیل معقول و موجهی داشته باشد، پذیرفتنی است. به عنوان مثال، اگر یکی از اعضای خانواده فردی اخلاقی‌تر، مقیدتر، دین‌دارتر، تلاش‌گرت‌تر و نسبت به دیگران خدوم‌تر است، طبیعتاً باید مورد محبت بیشتر قرار گیرد. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید:

مَا سَأَلْتُ رَبِّي أَوْلَادًا نَضِرَ الْوَجْهَ وَلَا سَأَلْتُهُ وَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ وَلَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي أَوْلَادًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ وَجَلِيلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ عَيْنِي؛<sup>۵</sup>

من فرزندان خوش‌سیمیما از پروردگار خود نخواستام؛ فرزند خوش قامت هم از او نخواستام؛ اما از خداوند خواسته‌ام که فرزندان مطیع خدا و خائف از او به من عطا کند. تا چون به آنان نگاه کنم، در حالی که به اطاعت خدا مشغولند، موجب چشم‌روشنی‌ام شوند.

#### انس با والدین

اکرام والدین و توجه ویژه به آنان و تلاش در جهت تأمین نیازهای‌شان از اموری است که اسلام تأکید ویژه نسبت به آن دارد. خدمت به آنان وسیله‌ دستیابی به بهشت معرفی شده است. امام صادق (علیه‌السلام) به یکی از یارانش به نام ابراهیم بن شعیب فرمود اگر می‌توانی پدر پیر و ضعیف

خداوندی تعالی حتماً به مردی که فرزندش را خیلی دوست دارد، ترحم و لطف خواهد کرد. حتی در تعالیم اسلامی بوسیدن فرزند نیز دارای پاداش و ثواب اخروی است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید:

مَنْ قَبَّلَ وَكَلَّمَ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَحَهُ فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛<sup>۶</sup>

هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او پاداشی نیکو می‌نویسد و کسی که فرزند خود را خوشحال کند، خداوند متعال او را در قیامت خوشنود خواهد کرد.

امام صادق (علیه‌السلام) نیز در این باره می‌فرماید:

أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ؛<sup>۷</sup>

فرزندان‌تان را زیاد ببوسید، زیرا در مقابل هر بوسه، درجه شما در بهشت بالاتر خواهد بود. از ثمرات دیگر تکریم فرزندان این است که مغفرت و رحمت الهی را به دنبال دارد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود:

أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ؛<sup>۸</sup>

فرزندان خود را تکریم کنید و آداب آن را نیکو سازید، گناهانتان بخشیده می‌شود هر چند در محیط خانواده عشق و محبت اعضا به یکدیگر نمود بیشتری دارد؛ اما همواره باید مواظب بود که عدالت و انصاف در برخورد با اعضای خانواده فدای عشق و محبت نشود. به عنوان مثال، روابط محبت‌آمیز والدین با فرزندان اگر بخواهد خارج از چارچوب عدالت باشد، ممکن است پیامدهایی چون حسادت، خودکم‌بینی، ضعف شخصیتی، احساس درماندگی، قطع ارتباط با والدین و دیگر اعضای خانواده، کینه‌توزی، دشمنی با سایر اعضای خانواده و امثال آنها را در برخی از فرزندان داشته باشد. حتی رفتار غیر عادلانه با فرزندان ممکن است در آینده، اساس خانواده را با مشکل

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۸۵.

۳. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ص ۲۲۲.

۴. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ۹۲. (نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ لَهُ ابْنَانِ فَقَبَّلَ أَحَدَهُمَا وَتَرَكَ الْآخَرَ فَقَالَ النَّبِيُّ ص فَهَلَّا آسَيْتَ بَيْنَهُمَا)

۵. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۲.

۶. همان، ص ۹۸.

عنوان مثال، هیچ فرزندی نمی‌تواند علت هستی بودن والدین خود را جبران کند. به همین دلیل است که در قرآن کریم همواره از احسان فرزند نسبت به والدین سخن گفته شده است و نه برخورد عادلانه با آنان. زیرا اصولاً در ارتباط فرزند با والدین امکان برخورد عادلانه وجود ندارد. عدالت اقتضا می‌کند به همان اندازه که والدین بر ما حق دارند ما هم آن را جبران کنیم. در حالی که هرگز نمی‌توان حق هستی‌بخشی آنان را جبران نمود:

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا<sup>۳</sup>

و خدا را پرستید؛ و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید؛ و به پدر و مادر، نیکی کنید؛

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا<sup>۴</sup>

بگو «بیایید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است برایتان بخوانم: اینکه چیزی را همتای خدا قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛

وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا<sup>۵</sup>

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید. هر گاه یکی از آن دو، یا هر دو، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار؛ و بر آنها فریاد مزن؛ و گفتار (لطیف و سنجیده و) بزرگوارانه به آنها بگو. و پر و بال تواضع خویش را از روی محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر؛ و بگو: «پروردگارا! همان گونه که آنها مرا در کودکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده».

خود را بر روی دوش بگیری و برای قضای حاجب ببری و با دست خود لقمه بگیری و به دهان او بگذاری این کار را بکن. این بهشت فردای تو است.<sup>۱</sup>

جوانی خدمت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسید و عرضه داشت من تمایل فراوانی برای جهاد در راه خدا دارم و برای این کار نیز از نشاط لازم برخوردارم. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به او فرمود پس این کار را انجام بده و بدان که اگر در راه خدا کشته شوی، در حقیقت، زنده‌ای و نزد خدا روزی می‌خوری و اگر در این راه مرگت فرا رسد، اجر و پاداش تو بر عهده خدا است و اگر به سلامت برگردی همه گناهانت بخشیده می‌شود و همچون کسی خواهی بود که تازه به دنیا آمده است. آن جوان در پاسخ گفت ای پیامبر خدا! پدر و مادر پیری دارم. آنان با من انس دارند و دوست ندارند من از آنها جدا شوم. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا این را شنید فرمود:

فَقَرَّ مَعَ وَالِدَيْكَ فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَأَنْسُهُمَا بِكَ يَوْمًا وَلَيْلَةً خَيْرٌ مِنْ جِهَادِ سَنَةٍ<sup>۲</sup>

نزد پدر و مادرت بمان. سوگند به کسی که جانم در دست اوست، یک روز انس و همراهی با آنان بهتر از یک سال جهاد در راه خدا است.

#### احسان به والدین

فرزندان در ارتباط با والدین خود باید توجه داشته باشند که رابطه فرزند با پدر و مادر مهم‌ترین نوع رابطه‌ای است که دو انسان می‌توانند با یکدیگر داشته باشند. والدین، از علل وجودی فرزند به شمار می‌آیند. یعنی فرزند وابستگی وجودی به والدین خود دارد. این رابطه یک سویه است. زیرا فرزند هرگز نمی‌تواند علت وجودی پدر و مادر خود باشد. یعنی وجود پدر و مادر وابسته به وجود فرزند نیست. به همین دلیل، حقوق والدین بر فرزند به مراتب بیش از حقوق فرزند بر والدین است. در نتیجه مسؤولیت‌های او در قبال پدر و مادر قابل مقایسه با مسؤولیت والدین در برابر او نیست. به

۳. سوره نساء، آیه ۳۶.

۴. سوره انعام، آیه ۱۵۱.

۵. سوره اسراء، آیات ۲۳-۲۴.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲. همان، ص ۱۶۰.

از این نوع آیات رویه قرآن به خوبی به دست می‌آید. احسان به پدر و مادر در ردیف خداپرستی و شرک‌گریزی ذکر می‌شود. پدر و مادر در اسلام از چنان جایگاه بالایی برخوردارند که نگاه کردن به آنان عبادت است. امام صادق می‌فرماید: «النَّظَرُ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ»<sup>۱</sup>  
تذکر چند نکته:

نکته اول: احسان به والدین نیز، در نظام اخلاقی اسلامی، به طور مطلق ارزش نیست. یعنی ارزشی مطلق و غیر قابل تغییر ندارد. به همین دلیل، اگر خواسته‌های والدین در تعارض با خواسته الهی باشد، نباید به آنها گوش داد. البته این به معنای برخورد غیر اخلاقی با آنها نیست. به همین دلیل قرآن کریم می‌فرماید:

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛<sup>۲</sup>

ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر آن دو (مشرک باشند و) تلاش کنند که برای من همتایی قائل شوی که از آن آگاهی نداری، از آنها پیروی مکن. بازگشت شما به سوی من است، و شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهم ساخت.

نکته دوم: از نگاه قرآن کریم، احسان به مادر و تکریم او، در مقایسه با پدر، از اهمیت و جایگاه ویژه‌تری برخوردار است. به همین دلیل، در برخی از آیات زحمات طاقت‌فرسای مادر مورد توجه قرار داده شده است:

وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ؛<sup>۳</sup>

و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روزافزون حمل کرد و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردیم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر به جا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است.

امام سجاده (علیه‌السلام) در حدیثی نقل می‌کند که شخصی نزد پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمد و عرض کرد «ای پیامبر خدا! هیچ عمل زشتی نیست که من انجام نداده باشم. آیا راهی برای توبه دارم؟» آن حضرت فرمود: «آیا کسی از پدر و مادرت زنده است؟» عرض کرد: «بله، پدرم زنده است.» پیامبر فرمود: «پس برو و به او نیکی کن» وقتی آن مرد رفت، پیامبر فرمود: «ای کاش مادرش زنده می‌بود!»<sup>۴</sup>

نکته سوم: احسان به پدر و مادر، صرفاً مربوط به والدین مؤمن و مسلمان نیست؛ حتی اگر والدین کسی کافر و یا مشرک باشند، باز هم رفتار فرزند مسلمان باید با آنان رفتاری نیکوکارانه باشد. امام صادق (علیه‌السلام) به کسی که به آن حضرت عرض کرد پدر و مادر من از مخالفان اهل بیت‌اند، فرمود: با آنان به نیکویی رفتار کند.<sup>۵</sup> امام باقر (علیه‌السلام) نیز فرمودند:

ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُحْصَةً أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَقَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَ بَرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ؛<sup>۶</sup>

سه چیز است که خداوند به هیچ کس اجازه تخطی از آنها را نداده است: بازگرداندن امانت به فرد نیکوکار یا ستمکار؛ وفای به پیمان نسبت به نیکوکار یا ستمکار و نیکویی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا ستمکار.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۰.

۲. سوره عنکبوت، آیه ۸، همچنین، رک: سوره لقمان، آیه ۱۵.

۳. سوره لقمان، آیات ۱۴-۱۵، همچنین رک: سوره احقاف، آیه ۱۵.

۴. موسوعة احادیث اهل البيت، هادی النجفی، ج ۱۲، ص ۱۱۰، حدیث ۱۵۰۱۵.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۲.

۶. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۹۰.

### تلاش در جهت تأمین معاش

یکی از وظایف اخلاقی اعضای خانواده این است که برای تأمین معاش و مایحتاج زندگی خود و خانواده‌شان، هر کدام به سهم خود، فعالیت کنند. یک خانواده اسلامی، خانواده‌ای تلاش‌گر، فعال، و از نظر اقتصادی مستقل است. کار و تلاش اعضای خانواده افزون بر آنکه عزت نفس آنان را تأمین می‌کند، موجب نشاط و سلامت روحی و روانی تک تک اعضا نیز خواهد بود. البته در این میان بر اساس ارزش‌های اسلامی، نقش مردان، بیش از نقش زنان است. به تعبیر دیگر، مدیریت اقتصادی خانواده بر دوش مرد است؛ البته زن در این میان نقشی انکارناپذیر دارد. همانطور که در بحث سبک زندگی اسلامی در کسب و کار با تفصیل بیشتری خواهیم دید، از دیدگاه اسلام کسی که برای تأمین مایحتاج اعضای خانواده‌اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خداوند جهاد می‌کند. امام صادق(علیه‌السلام) در این باره فرمودند:

الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ<sup>۱</sup>

کسی که برای تأمین مخارج خانواده‌اش تلاش می‌کند مانند کسی است که در راه خداوند جهاد می‌نماید.

---

۱. الکافی، ج ۵، ص ۸۸.

## ❖ خلاصه فصل

۸. در تعالیم قرآنی برای حل اختلافات احتمالی میان همسران و صیانت از حریم خانواده راه‌کارهایی بیان شده است که به ترتیب عبارتند از: (۱) «مشاوره و همفکری» میان همسران؛ (۲) معرفی مرد به عنوان سرپرست خانواده؛ (۳) «اصل صلح و سازش»، در شرایطی که پافشاری بر حقوق شرعی و قانونی خود موجب از هم گسیختگی کانون خانواده می‌شود، اسلام همسران را به سازش و انعطاف توصیه می‌کند؛ (۴) استفاده از تجربیات افراد خیرخواه و (۵) آخرین راه حل مورد تأیید اسلام، طلاق و جدایی عادلانه است. البته از نظر اسلام، طلاق راه‌کاری مبعوض و منفور است و تنها در شرایطی تجویز شده است که به هیچ وجه ادامه زندگی خانوادگی ممکن نباشد.
۹. خانواده تراز اسلامی خانواده‌ای است که اعضای آن با یکدیگر روابطی محبت‌آمیز داشته باشند. اسلام برای روابط محبت‌آمیز میان اعضای خانواده اجر و پاداش اخروی نیز قرار داده است. البته روابط محبت‌آمیز لازم است همراه با عدالت باشد.
۱۰. اکرام والدین و تلاش در جهت تأمین نیازهای‌شان از اموری است که اسلام بر آن تأکید دارد. خدمت به والدین وسیله دستیابی به بهشت معرفی شده است.
۱۱. عدالت اقتضا می‌کند به همان اندازه که والدین بر ما حق دارند ما هم آن را جبران کنیم. در حالی که هرگز نمی‌توان حق هستی‌بخشی آنان را جبران نمود. به همین جهت، اسلام احسان به والدین را توصیه کرده و آن را در ردیف توحید قرار داده است. در عین حال، در جایی که خواسته‌های آنان خلاف رضایت الهی باشد، در عین احترام و تکریم‌شان، نباید به چنان خواسته‌هایی تن داد.
۱۲. یکی از وظایف اسلامی تک تک اعضای خانواده این است که برای تأمین معاش و مایحتاج زندگی خود و دیگر اعضا فعالیت کنند. کار و تلاش اعضای خانواده افزون بر آنکه عزت نفس آنان را تأمین می‌کند، موجب نشاط و سلامت روحی و روانی تک تک اعضا نیز خواهد بود.

۱. خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. محل شکل‌گیری پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری است. باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در خانواده نهادینه می‌شوند. راه و رسم زندگی در خانواده آموزش داده می‌شود.
۲. خانواده در الگوی زیست اسلامی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. محبوب‌ترین بنیان مورد علاقه اسلام است.
۳. اصالت خانوادگی، اخلاق، دینداری، کفویت، محبت و علقه، و انتخابی بودن از مهم‌ترین شاخص‌های مورد قبول اسلام انتخاب همسر است. در این میان تأکید ویژه‌ای بر اصالت خانوادگی، دین‌داری و آراستگی به فضایل اخلاقی شده است.
۴. اولیای دین از تکیه بر معیارهای صرفاً مادی و ظاهری در انتخاب همسر به شدت پرهیز داده‌اند.
۵. از نظر اسلام مهم‌ترین ارکان استحکام خانواده «مودت» و «رحمت» میان زن و مرد است. «مودت» یعنی «دوستی عاقلانه و نه دوستی غریزی» و «رحمت» یعنی «گذشت مهربانانه از لغزش‌ها و کوتاهی‌های یکدیگر». با تکیه بر این دو اصل اخلاقی می‌توان همه اختلافات را رفع کرد. اگر خانواده بر پایه مودت شکل گرفته باشد، اختلافات آن نیز بر پایه «رحمت» رفع خواهند شد.
۶. با توجه به آنکه تأمین نیازهای عاطفی و روانی نقشی انکارناپذیر در بقای نظام خانواده دارد، در تعالیم اسلامی توصیه‌های فراوانی برای تقویت محبت در میان اعضای خانواده شده است. در عین حال، ارزش عواطف متقابل در میان اعضای خانواده تا جایی است که در مسیر رضایت الهی باشد.
۷. از نگاه اسلام در روابط خانوادگی اصالت با همدلی تک‌تک اعضا است. در عین حال، برای حل اختلافات احتمالی حقوق متقابلی میان تک تک اعضای خانواده در نظر گرفته شده است که در صورت وقوع اختلاف می‌توان به عنوان راه‌کاری منصفانه و عادلانه بر آنها تکیه کرد.

### ❖ پرسش‌ها

۱. ضمن بیان نیازهای اصلی انسان، توضیح دهید که خانواده چه نقشی در تأمین این نیازها دارد؟
۲. مهم‌ترین معیارهای مورد قبول اسلام در انتخاب همسر را ذکر کرده و توضیح دهید.
۳. اصالت خانوادگی تا چه اندازه برای انتخاب شریک زندگی اهمیت دارد؟ توضیح دهید.
۴. منظور از «مودت» و «رحمت» در این آیه را توضیح دهید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»
۵. ضمن بیان جایگاه محبت در خانواده توضیح دهید که مرز قابل قبول عواطف و احساسات خانوادگی تا کجا است؟
۶. راه‌کارهای حل اختلافات خانوادگی را از نظر اسلام به ترتیب بیان کنید.
۷. چرا به جای برخورد «عادلانه» با والدین، «احسان» به آنان توصیه شده است؟ توضیح دهید.

### ❖ مسائلی برای گفتگو و مباحثه

۱. ضمن مطالعه کتاب «جنگ علیه خانواده» نوشته ویلیام گاردنر، اهم نکات آن را دسته‌بندی کرده و مورد تحلیل قرار دهید.
۲. با توجه به مبانی انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی لیبرالیسم و اسلام جایگاه ازدواج و تشکیل خانواده در این دو نظام را تبیین کنید.
۳. آلوین تافلر در کتاب موج سوم، سه موج حرکت بشری در طول تاریخ را تبیین می‌کند: «کشاورزی»، «صنعتی» و «اطلاعاتی». جایگاه والدین را در هر یک از این امواج سه‌گانه به ویژه موج سوم تبیین کنید و توضیح دهید که بر اساس ارزش‌های لیبرالیستی احترام و احسان به والدین چه جایگاهی دارند؟

❖ منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. اخلاق در قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۴، ج ۳، صص ۵۵-۹۳.
۲. روابط سالم در خانواده، داود حسینی، قم، بوستان کتاب، بیستم، ۱۳۹۰.
۳. تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، مجموعه مقالات، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶.
۴. خانواده متعادل (آناتومی خانواده)، محمدرضا شرفی، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۴.
۵. جنگ علیه خانواده، ویلیام جان گاردنر، ترجمه معصومه محمدی، تهران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۶.



## فهرست منابع

۱۸. برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ساموئل بی. هانتینگتون، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۸.
۱۹. بزرگ‌ترین فریضه، محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش قاسم شبان‌نیا، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۹.
۲۰. بعد اجتماعی اسلام، محمد اسفندیاری، قم، نشر خرم، ۱۳۷۵.
۲۱. پند جاوید، محمدتقی مصباح یزدی، نگارش علی زینتی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۹.
۲۲. پندهای امام صادق به ره جویان صادق؛ محمدتقی مصباح یزدی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۱.
۲۳. تاریخ یعقوبی، یعقوبی، بیروت، دار الصادر، بی‌تا.
۲۴. تحریر المواعظ العددیه، علی مشکینی، قم، الهادی، هشتم، ۱۴۲۴.
۲۵. التحصین فی صفات العارفين، ابن فهد حلی، قم، مدرسه امام مهدی، ۱۴۰۶.
۲۶. تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حرانی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
۲۷. التحقيق لکلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۲۸. تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها، از منظر قرآن و حدیث، علینقی فقیهی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۹.
۲۹. تسنیم: تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
۳۰. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، تصحیح مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۳۱. تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، شانزدهم، ۱۳۶۸.
۳۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ۱۴۰۶.
۳۳. جامع الاخبار، محمدبن محمد الشعیری، قم، انتشارات رضی، چاپ اول، ۱۴۰۵.
۳۴. جامع السعادات، ملامهدی نراقی، نجف، مطبعة النجف، الثالثة، ۱۳۸۳ق.
۳۵. جامعه در قرآن، عبدالله جوادی آملی، قم، اسراء، ۱۳۸۸.
۳۶. جامعه‌شناسی مدرن، پتر ورسلی، ترجمه حسن بویان، تهران، چاپخش، ۱۳۷۳.
۳۷. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، محمدحسن نجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۳۸. چهل حدیث، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.

## کتاب‌ها

۱. اخلاق اسلامی؛ مبانی و مفاهیم، مهدی علیزاده و دیگران، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹.
۲. اخلاق در قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۴.
۳. ارشاد القلوب الی الصواب، حسن بن محمد دیلمی، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.
۴. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین ابن اثیر، بی‌جا، المكتبة الاسلامیة، بی‌تا.
۵. اسلام و مقتضیات زمان، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۵.
۶. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن احمد دیلمی، قم، مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۰۸.
۷. اعلام الدین فی صفات المؤمنین، حسن بن محمد دیلمی، قم، مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۰۸.
۸. الامالی، شیخ صدوق، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.
۹. الامالی، شیخ طوسی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴.
۱۰. امالی، محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی، ترجمه حسین استاد ولی، مشهد، آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۶۴.
۱۱. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، محمد فتحعلی‌خانی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۲. انسان در اسلام، عبدالله جوادی آملی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۲.
۱۳. انسان‌شناسی در قرآن، محمدتقی مصباح یزدی، تدوین محمود فتحعلی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۸.
۱۴. انسان‌شناسی، محمود رجبی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۵. آیت الله خامنه‌ای، ۸۲/۷/۲، سخنرانی موجود در سایت.
۱۶. با دخترتم (ویژه والدین و مربیان دختران نوجوان)، علی احمد پناهی و داوود حسینی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۱۷. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.

۳۹. *الخصال*، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
۴۰. *دعائم الاسلام*، نعمان بن محمد تمیمی مغربی، مصر، دار المعارف، ۱۳۸۵ق.
۴۱. *ده گفتار*، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ششم، ۱۳۶۹.
۴۲. *دین و سبک زندگی*، محمد سعید مهدوی کتی، تهران، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۷.
۴۳. *دیوان اشعار*، حکیم سنائی غزنوی،
۴۴. *دیوان امیرالمؤمنین(علیه السلام)*، حسین بن معین‌الدین مبینی، تصحیح مصطفی زمانی، قم، دار نداء الاسلام، بی تا.
۴۵. *روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، علی مصباح و دیگران، تهران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۷۴.
۴۶. *روانشناسی و اخلاق*، هدفیلد، ترجمه علی پروری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سوم، ۱۳۷۴.
۴۷. *روش تربیتی تغییر موقعیت در قرآن کریم*، طاهره سادات اناری، قم، دانشگاه پیام نور، پایان نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۹۰.
۴۸. *سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار*، شیخ عباس قمی، تهران، دار الاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶.
۴۹. *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
۵۰. *شرح نهج البلاغه*، ابن ابی الحدید، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۳۸۷ق.
۵۱. *شریعت در آینه معرفت*، عبدالله جوادی آملی، قم، رجاء، ۱۳۷۲.
۵۲. *صحیح البخاری*، محمد بن اسماعیل بخاری، مکه مکرمه، مکتبه النهضة الحدیثه، ۱۳۷۶ق.
۵۳. *صحیفه سجاده*، علی ابن الحسین(علیه السلام)، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۶.
۵۴. *علل الشرایع*، شیخ صدوق، قم، کتابفروشی داورى، ۱۳۸۵ق.
۵۵. *عیون اخبار الرضا*، ابن بابویه، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۵۶. *عیون الحکم و المواعظ*، علی بن محمد لیثی واسطی، حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶.
۵۷. *غرر الحکم و درر الکلم*، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶.
۵۸. *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، غلامعلی حداد عادل، تهران، سروش، ۱۳۵۹.
۵۹. *فرهنگ و زندگی روزمره*، اندی بنت، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶.
۶۰. *الفتحه المنسوب الی الامام الرضا*، مشهد، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۶.
۶۱. *قوت القلوب فی معامله المحبوب*، ابی طالب المکی، بیروت، دار صادر، تحقیق سعید نسیب مکارم، الثالثة، ۲۰۰۷.
۶۲. *کلیات سعدی*، مصلح بن عبدالله سعدی شیرازی، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، نشر طلوع، هفتم، ۱۳۷۱.
۶۳. *کنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال*، علاء‌الدین المتقی بن حسام‌الدین الهندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹.
۶۴. *الکافی*، محمد بن یعقوب الكلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۶۵. *الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*، محمود زمخشری، تهران، آفتاب، بی تا.
۶۶. *کشف الریبه*، زین‌الدین بن علی (شهید ثانی)، بی جا، دار المرتضوی، ۱۳۹۰ق.
۶۷. *کشف المحجوب*، ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، تصحیح محمود عابدی، تهران: سروش، سوم، ۱۳۸۶.
۶۸. *کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی صدوق، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ق.
۶۹. *لباس روحانیت؛ چراها و بایدها*، محمد عالم‌زاده نوری، قم، انتشارات مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۷.
۷۰. *مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی*، بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر، چهارم، ۱۳۷۰.
۷۱. *ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه*، ۱۳۹۰ شماره ششم دوره جدید.
۷۲. *ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه*، آبان ۱۳۹۰.
۷۳. *ماهنامه فرهنگی تحلیلی سوره اندیشه*، بهمن ۱۳۸۹.
۷۴. *مبانی انسان‌شناسی در قرآن*، عبدالله نصری، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۲.
۷۵. *مبانی فقهی، روانی موسیقی*، محمد تقی جعفری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹.
۷۶. *مثنوی معنوی*، جلال‌الدین محمد بلخی، تهران، نگاه، پنجم، ۱۳۷۳.
۷۷. *المجازات النبویه*، شریف رضی، تصحیح مهدی هوشمند، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰.
۷۸. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق هاشم رسولی محلاتی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶.
۷۹. *مجموعه ورام*، ورام بن ابی فارس، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰.

۸۰. مجموعه آثار (فلسفه تاریخ)، مرتضی مطهری، تهران، صدرا.

۸۱. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، تصحیح جلال‌الدین محمد، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.

۸۲. المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، محسن فیض کاشانی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.

۸۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری، قم، آل‌البیت، ۱۴۰۸.

۸۴. مشکاة الانوار، علی بن حسن طبرسی، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران، ۱۳۷۴.

۸۵. معانی الاخبار، شیخ صدوق، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۱.

۸۶. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.

۸۷. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲.

۸۸. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳.

۸۹. مناقب آل‌ابیطالب علیهم السلام، محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، قم، علامه، ۱۳۷۹.

۹۰. منیة المرید، زین‌الدین بن علی شهید ثانی، تصحیح رضا مختاری، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹.

۹۱. موج سوم، آلوین تافلر، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۴.

۹۲. موسوعة احادیث اهل‌البیت، هادی النجفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳.

۹۳. المؤمن، حسین بن سعید کوفی اهوازی، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۰۴.

۹۴. المیزان فی تفسیر القرآن، سیدمحمدحسین طباطبائی، قم، جامعه المدرسین، بی‌تا.

۹۵. زهمة الناظر و تنبیه الخاطر، حسین بن محمد بن حسن بن نصر حلوانی، قم، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۸.

۹۶. نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، محمدتقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه امام خمینی،

۱۳۸۴.

۹۷. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۰.

۹۸. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

۹۹. نهج النفاحة (مجموعه کلمات قصار پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ابوالقاسم پاینده، تهران، دنیای دانش، ۱۳۶۳.

۱۰۰. الوافی، ملامحسن فیض کاشانی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین، ۱۴۰۶.

۱۰۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹.

## مقالات

۱. «امر به معروف و نهی ازمنکر» سید حسن اسلامی، در دانشنامه امام علی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

۱۳۸۰.

۲. «برج و باروی سست‌بنیان غرب بوالهوس»، زیبگینو برژینسکی، در نظریه برخورد تمدنها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه

مجتبی امیری، ۱۳۷۴.

۳. «حمایت از کل‌گرایی اخلاقی، پاسخی به رویکردهای دینی در اخلاق کسب و کار»، اندور گاستافسون، ترجمه محمدحسین

نوروزی، در کتاب درآمدی بر اخلاق کسب و کار در محیط جهانی، تدوین محمد نهاوندیان، تهران، مرکز مطالعات

جهانی شدن، ۱۳۸۵.

۴. «درآمدی بر فلسفه اخلاقی تجارت با رویکردی اسلامی»، جواد توکلی، در معرفت اخلاقی، شماره ۱، پائیز و زمستان ۱۳۸۸.

۵. «درک کردن و رد کردن»، محمد اسفندیاری در آینه پژوهش، سال پنجم، شماره اول.

۶. «شاخص‌های خانواده کارآمد بر اساس مبانی علم و دین»، مرتضی ثابت‌قدم و غلامرضا خیرآبادی، در تقویت نظام خانواده

و آسیب‌شناسی آن، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶.

۷. «عوامل و آسیب‌های روابط ناسالم دختر و پسر»، محبوبه جوکار، فصلنامه تخصصی طهورا، قم، مؤسسه آموزش عالی بنت

الهدی، سال سوم، شماره پنجم، ۱۳۸۹.

۸. «فرهنگ رفاه»، فرانسیس فوکویاما، در نظریه برخورد تمدنها، هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه مجتبی امیری، تهران، وزارت

امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۷۴.